مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تأثیرات نظریه عصر غیبت بر اندیشه سیاسی شیعه

سید رشیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

تاثیرات نظری عصر غیبت بر اندیشه سیاسی شیعه

نویسنده:

رشید صمیعی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تاثیرات نظری عصر غیبت بر اندیشه سیاسی شیعه

مشخصات کتاب

سرشناسه : صمیمی، رشید، ۱۳۴۴-

عنوان و نام پدیدآور : تاثیرات نظری عصر غیبت بر اندیشه سیاسی شیعه/رشید صمیعی ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۹۶ص.

شابک : ۱۲۰۰۰ریال:۹۶۴-۵۱۴-۰۱۳-۷

یادداشت : کتابنامه:ص. ۱۹۳ - ۱۹۶؛همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : شیعه و سیاست.

موضوع : ولایت فقیه.

موضوع : اسلام -- تجدیدحیات فکری.

موضوع : اسلام و سیاست.

موضوع : مسائل مستحدثه.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ، مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۹۸/۶/س۹ ص۸ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۶۵۴۸۸

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

ص: ۸

ص: ۱۴

ص: ۱۹

...

دیباچه

نگـاهی تـاریخی به فقه و جایگـاه سـیاست در آن، روشن می سـازد که انـدیشه های سیاسـی و اجتماعی فقیهان در دوران های مختلف، دگرگونی هـای اساسـی داشـته است. در این میـان، آغاز غیبت کبرای امام دوازدهم عـج الله تعالی فرجه الشـریف در حقیقت، شـروع مسـئولیت سـنگین فقیهان در تبیین حکم شرعی و تعیین حدود فقهی (حوادث واقعه) است که بر اساس توقیعی که از ناحیه مبارک امام دوازدهم عـج الله تعالی فرجه الشـریف صادر گردیـده، بر عهـده آنها نهاده شـده است. ولی به نظر می رسـد این وظیفه با گـذر زمان، به «حوادث سابقه» اختصاص یافته و از «حوادث واقعه» غفلت شـده است، تا حـدی که «حوادث واقعه»، یعنی وظیفه اصـلی فقیهان، به عنوان موضوع فرعی و زیر عنوان «مسائل مسـتحدثه» بررسی شده است. در این میان آیت الله نایینی، با اندیشه در رخدادهای زمان خویش، فضای جدیدی را در عرصه نظریه پردازی در حوزه سـیاست اسلامی باز کرد و پس از آن، آیت الله مدرس، آیت الله کاشانی و برخی فقیهان دیگر نیز وارد کارزار سیاسی شدند.

ص: ۲۰

همچنـان کـه حضـرت امـام خمینی رحمـه الله بـا تأمـل در حـوادث واقعه، افزون بر ارائه نظریه هـایی که مبـارزه علیه اسـتبداد و استعمار را آسان می کرد، با ارائه نظریه ولایت فقیه، فقه سیاسی را مطرح کرد.

بنـابراین، آشـنایی بـا موضـوع هـای نوپیـدا از ضـروری ترین نیازمنـدی هـا در پاسـخ گویی به این مسائـل است که این مهم را پژوهشـگر ارجمنـد، جناب آقای سیدرشـید صـمیمی به انجام رسانـده و آنچه پیش رو داریـد، حاصل تکاپوی پژوهشـی ایشان است که برای اسـتفاده برنامه ریزان و برنامه سازان فراهم آمـده است. امیدواریم به زودی شاهد عملیاتی کردن این آموزه های پژوهشی به دست اصحاب رسانه باشیم.

در پایان، از ویراستار اثر، جناب آقای ذوالفقار ناصرپور و دست اندرکاران بخش حروفچینی و نمونه خوانی سپاس گزاریم.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۲۱

پیش گفتار

موضوع های مورد اجتهاد از یک نگاه، به سه دسته تقسیم می شوند: شرعی، عرفی و تخصصی.

بیشترین مسائل نوپیدا (حوادث واقعه)، از جمله مسائل تخصصی فقه است. برای مثال، می توان به مسائلی مانند حقوق بشر، جهانی شدن، منافع ملی، حدود و آزادی های فردی و اجتماعی، حوزه عمومی و خصوصی، کنترل جمعیت، محیط زیست، مواد مخدر، جامعه مدنی، مشروعیت، مشارکت سیاسی و نقش مردم، حق رأی، توسعه سیاسی، افکار عمومی، تفکیک قوا، بوروکراسی، زندان، احزاب، مطبوعات، اقلیت ها، کنترل قدرت، سازمان های بین المللی، پست مدرنیسم، امپریالیسم، تروریسم و... اشاره کرد.(۱)

بر این اساس، باید برای تبیین دگرگونی های اندیشه سیاسی شیعه و تأثیرگذاری عصر غیبت بر آن، از اندیشه ها و دیدگاه های سیاسی فقیهان در دوره های مختلف استمداد جست؛ زیرا نگرش های روشنگرانه هریک از

۱- سرمقاله «موانع گسترش فقه سیاسی»، فصل نامه علوم سیاسی، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، تابستان ۱۳۸۱، ش ۱۸، صص ۷ و ۸. با گزینش

آنـان به مسائل برهه ای خاص، باعث غنای فقه سیاسـی و ارتقای بینش اجتماعی شـده است. به همین دلیل، دوره های فقه را با توجه به ظهور و بروز اندیشه های سیاسـی، به سه دوره تقسـیم کرده و دگرگونی های اندیشه های سیاسـی شـیعه را از دیدگاه فقیهان بررسی کرده ایم که چارچوب طرح به طور کلی به صورت زیر است:

بخش اول، زیر عنـوان کلیـات، دربردارنـده دو فصـل است: فصـل اول، مطـالب مقـدماتی دربـاره عنـوان طرح است و به تـبیین موضوع، ضـرورت ها و اهـداف، محـدودیت ها، روش و پرسـش های اصـلی و فرعی می پردازد. در فصل دوم با عنوان مفهوم شناسـی، به تفاوت تأثیرهای نظری و عملی، تعریف و ویژگی های عصـر غیبت و منابع و مصادیق انـدیشه های سیاسـی پرداخته شده است.

بخش دوم، به مراحل تکامل اندیشه های سیاسـی شـیعه پس از غیبت کبری می پردازد که از آغاز عصـر غیبت تا قرن حاضر را در برمی گیرد و به منظور ورود به بحث تطبیقی میان اندیشه سیاسـی شـیعه و اهل سنت سامان یافته است. این بخش با توجه به رشـد و تحول انـدیشه های سیاسـی به سه فصل تقسـیم شـده است که هرکدام بیانگر یک مرحله از مراحل تکامل اندیشه های سیاسی است. این سه فصل عبارتند از:

فصل اول، مرحله سـیاست تقیه و مطرح نشدن نظریه های سیاسـی به صورت آشکار است که محدوده زمانی آن از آغاز غیبت کبری تا قرن دهم است. در این مرحله، نخست ویژگی های کلی بررسـی شـده و برای روشن شـدن مطلب در مورد تقیه، بحث هایی شده است که تعریف، انواع و اقسام

ص: ۲۳

و دلایل و عوامل وجوب تقیه را در برمی گیرد. بر اساس تقیه مـداراتی یا مماشاتی، این مرحله به دو دوره تاریخی، آغاز غیبت کبری تا به قدرت رسـیدن ایلخانان مغول و عصر ایلخانان مغول تقسیم شده است. سپس در قسمت فقیهان و دانشمندان، شرایط و نظریه های سیاسـی دانشـمندان بزرگی مانند شـیخ مفید، سـید مرتضـی علم الهدی، شـیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلّی، و شهید اول بررسی شده است.

فصل دوم، مرحله ظهور مبانی نظریه های سیاسی است که از قرن دهم آغاز و تا میانه قرن سیزدهم هجری ادامه دارد. این فصل به دو قسـمت ویژگی های این مرحله و فقیهان و دانشـمندان تقسـیم شده است. در قسـمت فقیهان و دانشمندان، شرایط زمان و نظریه هـای سیاسـی دانشـمندان بزرگی مانـند محقق کرکی، شـهید ثـانی، وحیـد بهبهانی، شـیخ جعفر کاشف الغطاء، ملااحمد نراقی، سـید محمدمهـدی طباطبـایی بحرالعلـوم، میرفتـاح حسـینی مراغی، محمـدحسن نجفی (صـاحب جـواهر)، و شـیخ اعظم انصاری بررسی شده است.

فصل سوم، مرحله تکامل نظریه های سیاسـی شیعه است که از میانه قرن سیزدهم تا زمان حاضر را در بر دارد. در بحث ویژگی های این مرحله به دو موضوع جایگاه و شأن اجتماعی فقیهان و کنش و واکنش های متقابل اسـتبداد و اسـتعمار پرداخته شده و در قسـمت فقیهـان و دانشـمندان، نظریه هـای سیاسـی میرزا محمدحسـین نایینی بر اساس کتاب معروف تنبیه الامه و تنزیه الملة ایشان، دیـدگاه های سیاسـی حضـرت امام خمینی رحمه الله در موضوع های گوناگون و نیز آرای شـهید سـید محمدباقر صدر بررسی شده است. بخش سوم نیز به همراه با برنامه سازان اختصاص یافته است.

ص: ۲۴

بخش اول: کلیات

تبیین موضوع

اشاره

موضوع این طرح، همان گونه که از نام آن برمی آید، بررسی تأثیرهای نظری عصر غیبت بر اندیشه های سیاسی شیعه است و روشن است که نظریه پردازانِ امور سیاسی در تاریخ شیعه، فقیهان و دانشمندان شیعه بوده اند. این طرح بیان می کند که عصر غیبت معصوم علیه السلام، چه تأثیرهایی بر اندیشه سیاسی آنان داشته است؛ یعنی پس از غیبت کبرای امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف ، اندیشه سیاسی فقیهان و دانشمندان شیعه چه دگرگونی هایی داشته و آنان در طول تاریخ، با توجه به شرایط زمانی و مکانی، به چه موضوع های سیاسی توجه کرده اند و با توجه به هر عصر، طرح چه موضوع هایی را لازم و ضروری دانسته اند.

ضرورت و اهداف

با توجه به اهمیت شناخت اندیشه سیاسی شیعه در طول تاریخ و سیر دگرگونی آن، پژوهش در این زمینه، ما را در راستای شناخت بهتر مفاهیم

ص: ۲۵

سیاسی جدید، یاری می رساند و نیز آشکار می سازد که عصر غیبت ــ که یکی از مهم ترین مراحل در تاریخ جوامع اسلامی، به ویژه شیعه است ــ چه تأثیرهایی بر اندیشه های سیاسی مسلمانان داشته است.

محدودیت ها

اشاره

از محدودیت هایی که در انجام این پژوهش وجود داشت، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دشواری دسترسی به منابع

با توجه به اینکه برخی از آثار بزرگان، تجدید چاپ نشده یا چاپ جدید آنها در دسترس نیست، به اجبار از کتاب هایی با چاپ سنگی و گاه از نسخه های خطی بهره برده ایم.

۲. جدید بودن موضوع

چون موضوع طرح، تلفیقی از موضوع های فقهی، کلامی و سیاسی است، ناگزیر باید در گردآوری بحث ها، سراغ دانشمندانی می رفتیم که دیدگاه هایشان در هر حوزه فکری مطرح باشند. بر این اساس، مطالعه گذرای زندگی عالمان و دانشمندان در دوره های مختلف تاریخی به منظور گزینش برخی از آنان وقت زیادی را از نویسنده گرفت.

۳. حساسیت موضوع و توجه به اتحاد اسلامی

با توجه به شعار وحدت اسلامی و نقش صدا و سیما در استحکام برادری اسلامی، یکی از دغدغه های ذهنی نویسنده این بوده که از بیان مطالب تفرقه افکن خودداری کند. بر این اساس، تعدیل مطالب، حذف برخی از دیدگاه ها و تقریب آنها به یکدیگر، گاهی انسجام

ص: ۲۶

علمی پژوهش را با مشکل روبه رو می ساخت که با تلاش فراوان این مشکل تا حد امکان برطرف شد.

روش پژوهش

روش پژوهش در این زمینه، روش کتاب خانه ای _ مطالعه ای است.

پرسش های پژوهش

پرسش اصلی

تأثیرهای نظری عصر غیبت بر اندیشه های سیاسی شیعه چیست؟

پرسش های فرعی

۱. مقصود از تأثیرهای نظری چیست؟

۲. تعریف و مصادیق اندیشه های سیاسی را بیان کنید.

۳. چگونه می توان دگرگونی های اندیشه سیاسی اندیشمندان شیعه را بررسی کرد؟

مفهوم شناسی موضوع

۱. تفاوت تأثیرهای نظری و عملی

پیش از بیان تفاوت این دو، باید تعریف روشنی از هر یک ارائه کرد:

الف) نظر: معنای لغوی این کلمه، نگاه و نگاه کردن است، ولی چون نگاه کردن همراه با اندیشیدن است، مترادف واژگانی مانند فکر و اندیشه نیز به کار می رود.

ب) عمل: همان فعل و انجام دادن کار و فعالیتی را گویند. مقصود در اینجا، عمل ارادی بر پایه عقل و اندیشه است. با توجه به تعریف، آشکار می شود که «نظر»، پشتوانه عمل ارادی عاقلانه است؛ یعنی یک فعالیت

زمانی عقلانی است که خاستگاه فکری و عقلی داشته باشد. از این رو، مرتبه عمل پس از مرتبه نظر است. بنابراین، نظری بودن، یعنی موضوعی که به مرتبه عمل، فعالیت و اجرا نرسیده است، ولی عملی بودن، یعنی قابل اجرا شدن در جامعه.

تأثیرهای نظری، یعنی پی آمدهایی که یک حادثه بر اندیشه و تفکر اندیشمندان داشته است و تأثیرهای عملی، یعنی دگرگونی های اجتماعی و فعالیت های اصلاحی که عالمان از آن تأثیر پذیرفته اند.

۲. تعریف و ویژگی های عصر غیبت

الف) تعریف عصر غیبت

عصری است که امام معصوم در جامعه حضور ندارد، بلکه از نظرها غایب است. این عصر، از غیبت کبرای امام دوازدهم آغاز می شود و تا ظهور حضرتش ادامه دارد.

ب) ویژگی عصر غیبت

با توجه به اینکه در این عصر، امام معصوم غایب است و مردم نمی توانند به طور مستقیم از محضرش بهره ببرند، راهی را برای آنها گشوده و فرموده است:

در رویدادهای زمان به راویان احادیث ما رجوع کنید که آنها حجت های من بر شما هستند... .(۱)

فقیهان شیعه به وسیله این حدیث و احادیث مشابه، بر باز بودن باب اجتهاد در عصر غیبت استدلال می کنند. از این رو با تلاش های فراوان،

۱- محمدباقر مجلسی، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، ج۲۷، ص ۱۴۰.

احکـام عملی اسـلام را بـا توجه به شـرایط مکـانی و زمانی، از منابع اسـتنباط می کننـد و گره مشـکلات جامعه اسـلامی را می گشاینـد. این تنهـا در موضوع هـای خـاص نیست، بلکه تمـامی فروعـات فقهی، حتی مسائـل سیاسـی و حکومتی را نیز دربرمی گیرد.

۳. منابع و مصادیق اندیشه سیاسی شیعه

الف) منابع

اشاره

اندیشه های سیاسـی شیعه بر پایه فقه سیاسی شیعه است؛ زیرا فقه، بیانگر نظام قانون گذاری دین مبین اسلام است و مانند دیگر نظـام هـای حقوقی، بر مبنـای منـابع و دلایل ویژه ای اسـتوار است. از این رو، اصولیین، فقه را به علم به احکام شـرعی فرعی از طریق ادله تفصیلی تعریف کرده اند.

منظور از ادله، همان منابع احکام است و منبع، مقام و قدرتی است که حق وضع قواعد و الزام به رعایت آن را دارد. منبع اصلی نظام قانون گـذاری اسـلام، همان اراده خداونـد متعال است که از طریق وحی، تشـریع و قانون گذاری کرده است. پس ما باید در جست وجوی منابع و ادله ای باشیم که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، کاشف از اراده الهی هستند که عبارتند از:

۱. کتاب (قرآن)

در قرآن کریم، آیـات بسـیاری درباره موضوع های گوناگون سیاسـیماننـد حکومت، امارت، ولایت، حاکمیت، شورا، بیعت، قضاوت، جنگ، صلح، معاهده ها، حقوق و آزادی های عمومی، حقوق و

تکالیف متقابل حاکم و مردم و حقوق اقلیت های مذهبی وجود دارد که هر یک سیاست داخلی و خارجی دولت اسلامی را در این موضوعات تبیین می کند.

۲. سنت

در اصطلاح، عبارت است از قول، فعل و تقریر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یا معصوم علیه السلام. با توجه به اینکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در دریافت، ابلاغ و عمل به وحی، به نص صریح آیه «وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی إِنْ هُوَ إِلّا وَحْیٌ یُوحی» (نجم: ۳ و ۴) دچار هیچ گونه لغزش و خطایی نشده و قرآن بارها اطاعت از رسول خدا را واجب شمرده است.(۱) پس بی گمان پس از کلام خداوند، سنت پیامبر، نشان شریعت، راه و رسم دیانت و دومین منبع اصیل اندیشه سیاسی در اسلام است. شیعه امامیه معتقد است که قول، عمل و تقریر ائمه اهل بیت علیهم السلام نیز حکم سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد؛ زیرا امامت آنان در طول رسالت پیامبر است و سخنان و رفتار آنان نیز تبیین کننده سنت پیامبر است. از این نظر، عالمان شیعه، سنت را «قول، فعل و تقریر معصوم» تعریف کرده اند تا هم سنت پیامبر و هم سنت پیشوایان اهل بیت علیهم السلام را دربرگیرد.

سنت، احکام و آموزه های حکومتی اسلام را به طور کامل مطرح کرده است؛ زیرا پیشوایان دین در عصر خود، با امور اجتماعی و سیاسی در ارتباط بوده اند و درباره مسائل مختلف، از آنان پرسش می شده و آنان پاسخ می دادند.

۱- نساء: ۵۹؛ آل عمران: ۳۲.

۳. عقل

اهمیت و ارزش عقـل در مـذهب امـامیه، به انـدازه ای والا است که محمـد بن یعقوب کلینی، کتاب روایی «کافی» را با مبحث عقل و اهمیت آن آغاز کرده است. حدیث زیر اهمیت عقل را بیان می کند:

اَلْعَقْلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمنُ وَ اکْتُسِبَتْ بِهِ الجِنانُ.(۱)

عقل چیزی است که خداوند بواسطه آن عبادت می شود و بهشت به دست می آید.

به هر حال، کاربرد فراوان عقل، به شـریعت و فقاهت اسـلام جاودانگی و انعطاف پذیری بخشـیده و سـبب شده است که اسلام بتوانـد در طول روزگاران، در همه جوامع انسانی، پاسـخ گوی نیازها باشد. عقل برای اندیشه سیاسـی منبعی بسـیار عالی است؛ زیرا مسائل اصـلی نبوت، امامت، ولایت فقیه و قانون گذاری های دولت اسـلامی را بدون پشتوانه دلایل عقلی نمی توان اثبات کرد. ازاین رو، برخی از فقیهان در اصل اثبات وجود خدا و وجوب اطاعت از حاکم عادل و هم در اثبات انتخابی بودن ولایت فقیه به عقل استدلال کرده اند.

۴. اجماع

شیعه امامیه، اجماع را تنها از نظر شکلی و اسمی یکی از دلایل احکام شرعی می داند؛ زیرا اجماع، دلیل مستقل در کنار کتاب و سـنت نیست، بلکه اعتبـار آن به دلیـل کـاشف بودن از سـنت یـا قول معصوم است. پس اجمـاع وقـتی حجت است که اهلیت کشف داشته باشد.

شهید صدر، یکی از عالمان شیعه در ارزیابی اجماع، «حساب احتمالات» را مطرح می کند:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ ایران، بی تا، ح ۳، ص ۱۲.

در اجماع بایـد دیـد که تراکم آراء تا چه حدی می تواند احتمال خطا و اشـتباه را به حداقل برساند و هر چه احتمال خطا کمتر شود، میزان وثوق به اجماع هم بالا می رود.(۱)

البته به نظر می رسـد قطع به قول معصوم از طریق اجماع به نـدرت روی می دهـد. ازاین رو، هیچ یک از اجماع های ادعا شده در عصر غیبت نمی تواند مورد وثوق باشد.(۲) با توجه به اختلاف های موجود در زمینه اعتبار اجماع، نمی توان آن را از منابع ادله شیعه در اندیشه سیاسی به شمار آورد.

ب) مصادیق

یعنی تدبیرهای سیاسـی جامعه که نمونه هایی از آن به قرار زیر است: معرفی نظام سیاسـی مطلوب و مشروع، شیوه تعیین حاکم و رهبر سیاسـی، حقوق متقابـل حـاکم و شـهروندان، خـط مشـی هـای کلی در سـیاست داخلی و خـارجی (روابـط بین الملـل) حکومت اسلامی، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه اقتصادی، توسعه فرهنگی و دینی و...

۱- سید محمـد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، دارالکتاب اللبنانی، دارالهادی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۷۸، چ ۱، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲- محمدرضا مظفر، اصول فقه، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۲، چ ۶، ج ۲، ص ۹۷.

بخش دوم: دوره های حیات اندیشه سیاسی شیعه پس از غیبت کبری

نگاهی تطبیقی به اندیشه سیاسی شیعه و اهل سنت

اندیشه سیاسی در جوامع اسلامی را می توان با دو رویکرد بررسی کرد:

۱. اندیشه سیاسی مکتب خلفا؛

۲. اندیشه سیاسی مکتب اهل بیت.

تفاوت ظهور تاریخی این دو مکتب به دو قرن و نیم می رسد؛ زیرا بنابر مکتب خلفا، عصر تشریع الهی با رحلت پیامبر پایان یافته است. پس طبیعی است که عصر فقه و استنباط، از همان زمان آغاز شود. جنگ اهل رده در سال اول خلافت ابوبکر، به این دلیل بود که خلیفه اول، نخستین کسی بود که پس از پیامبر، فتوا داد و به تأویل برخی از نصوص نبوی، بر وجوب جهاد با اهل رده استدلال کرد. در مکتب اهل بیت، عصر تشریع با وفات پیامبر پایان نمی پذیرد، بلکه در زمان ائمه اثنی عشر علیهم السلام نیز استمرار می یابد؛ زیرا ائمه این شایستگی را داشتند که کتاب خدا را تفسیر کنند و سنت پیامبر را گسترش دهند و نیازهای تشریعی جامعه اسلامی را برآورده سازند. عصر اندیشه سیاسی مکتب اهل بیت به عصر غیبت کبری مربوط است و از سال ۳۲۹ه . ق آغاز می شود. بر پایه این نظریه، سخنان

ائمه علیهم السلام فتواهای اجتهادی نیستند، بلکه نصوص شرعی اند که در اعتبار و قوت خود، با سنت پیامبر برابرند.

افزون بر تفاوت تاریخی و زمانی، تفاوت دیگری نیز میان این دو مکتب وجود دارد که زاویه سیاسی بحث ما را روشن می سازد. خاستگاه فقه اهل سنت را خلیفه اول و دوم و اطرافیان آن دو پایه گذاری کردند. به همین دلیل، این فقه در تاریخ اسلام، از زمان وفات پیامبر تا سقوط دولت عثمانی در سال های آغازین قرن چهارم هجری، جز در چند دوره یا برخی ایالت های اسلامی، فقه رسمی دولت ها بوده است. هنگامی که فقه اهل سنت در قرن دوم هجری به عصر تدوین وارد شد، رابطه آن با دستگاه حاکم بنی عباس، ژرف تر از گذشته شد. این رابطه، در زمینه اندیشه های سیاسی، بیش از زمینه های دیگر بروز کرد؛ زیرا فقه اهل سنت، اصولاً ـ بر اساس مشروعیت حکومت موجود و اسلاف آن پایه گذاری شده است. از نظر این فقه، حکومت عباسی و پیش از آن، حکومت اموی، حکومت های مشروع و بی نیاز از اثبات و استدلال قلمداد می شدند. ازاین رو، اندیشه سیاسی اهل سنت، از دیرزمان، بر اساس فقه عینی، تدوین و تبیین شد. این ویژگی در فقه اهل سنت دو بعد دارد:

۱. پذیرش مشروعیت نظام های قبلی؛

۲. کاربرد سیره سیاسی نظام های گذشته به عنوان اساس و پایه استدلال، که تا به امروز هم این رویکرد در فقه اهل سنت دیده می شود. از همین رو، اندیشمندی همچون استاد عبدالقادر عوده برای مشروعیت تعدد دولت های اسلامی و لزوم نداشتن دولت واحد اسلامی، چنین استدلال

می کند که دیدگاه های اسلامی در این مورد، در عهد عباسی، یعنی در زمانی که دولت اسلامی به سه دولت تقسیم شده بود، وضع شده است.(۱)

اگر بعد اول را بتوان توجیه کرد، بعد دوم به هیچ رو توجیه پذیر نیست؛ زیرا اقتضای مشروعیت زمامداری، این نیست که رفتار سیاسی حاکمان، دلیل علمی برای بنای یک نظریه سیاسی، به شمار آید. برخلاف مکتب خلفا، بنابر مکتب اهل بیت، امامت یک عهد الهی و استمرار رسالت پیامبر است و از طریق نص تعیین می شود و مشروط به عصمت است. به همین دلیل، سیره امام، منبعی از منابع تشریع به شمار می رود. بنابراین، اندیشه سیاسی در مکتب امامیه، از پشتوانه معنوی کارآمدی بهره مند است؛ زیرا امامت را یک منصب الهی می داند که تا پایان تاریخ، امامی حاضر یا غایب، این رسالت را بر دوش دارد. حکومتی هم که در زمان غیبت بر پا می شود، امتداد امامت و جانشین آن است. پس از بیان تفاوت های اندیشه سیاسی مکتب اهل بیت و مکتب خلفا، به سیر تکامل اندیشه سیاسی شیعه می پردازیم. تاریخ اندیشه سیاسی امامیه را می توانیم به سه مرحله تقسیم کنیم. در ادامه، هر یک از این مراحل را به صورت فصل های جداگانه بررسی خواهیم کرد:

۱. دوره سیاست تقیه و مطرح نشدن آشکار نظریه های سیاسی؛

۲. دوره ظهور مبانی نظریه های سیاسی؛

۳. دوره تکامل نظریه های سیاسی شیعه.

۱- عبدالقادر عوده، التشریع الجنائی فی الاسلام، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۶۴.

فصل اول: دوره سیاست تقیه و مطرح نشدن آشکار نظریه های سیاسی

۱. تقیه

اشاره

پیش از پرداختن به ویژگی های این مرحله، شایسته است به مسئله تقیه، تعریف، انواع و علل آن اشاره شود.

الف) تعریف تقیه

تقیه به معنای حفظ نفس و بروز ندادن ایمان در برابر خطر احتمالی است. این مقوله در میان شیعیان که همواره در اقلیت بوده اند، ظهور و بروز زیادی داشته و فقیهان شیعه نیز بدان توجه کرده اند. شیخ صدوق در کتاب هدایه، بابی با عنوان تقیه آورده است و در آن تقیه را واجب دانسته است. وی معتقد است:

تقیه در دولت ظالمان بر ما طایفه امامیه واجب است و هر کس تقیه را ترک کند، با دین امامیه مخالفت کرده و از آن جدا شده است... . تقیه واجب است و ترک آن جایز نیست، تا آنکه امام منادی قیام (الامام القائم) خروج کند. بنابراین، هرکس تقیه را ترک کند، داخل در نهی خداوند عزوجل و نهی رسول اللّه و ائمه علیهم السلام شده است.(۱)

۱- شیخ صدوق، الجوامع الفقهیه، تهران، انتشارات جهان، قطع رحلی، بی تا، ص ۴۷. برگرفته از: فصل نامه علوم سیاسی، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۱۸، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۱.

امام خمینی رحمه الله نیز درباره تقیّه چنین می فرماید:

در تقیه خوفیه، فقهای دیگر می گویند، هنگامی که خوف بر جان یا مال باشد، انسان می تواند عمل به وظیفه شرعی نکند و برای حفظ جان و آبروی خود، از عمل به وظیفه شرعی صرف نظر کند. آنها می گویند انسان مؤمن از کعبه یا قرآن بالاتر است که در روایت هم داریم که احترام مؤمن از کعبه و یا قرآن بالاتر است.(۱)

البته امام معتقد است که اگر احکام ضروری و مهم در معرض خطر باشد، تقیه جایز نیست. ایشان در این مورد، بیان روشنی دارد:

تقیه را از آن جهت جعل و تشریع کرده اند که مذهب باقی بماند و اصول دین حفظ شود و مسلمین پراکنده گرد هم آیند و دین و اصول دین را اقامه کنند، ولی اگر منتهی به انهدام دین و اصول دین شود، تقیه جایز نیست و این امر واضح و روشن است.(۲)

ب) انواع تقیه

اشاره

چهارگونه تقیه وجود دارد:

یک _ تقیه اکراهیه

عمل کردن شخص مجبور به دستور جابر، هنگام اکراه و اجبار، برای حفظ جان و دیگر شئون خود؛

دو _ تقیه خوفیه

انجام اعمال و عبادت ها برابر فتاوای اهل سنت (در محیط آنها) و احتیاط گروه اقلیت در روش زندگی و معاشرت با گروه اکثریت، برای حفظ جان و دیگر شئون خود و هم مسلکانشان؛

ص: ۳۷

۱- فصل نامه علوم سیاسی، ش ۶، ص ۲۲.

۲- امام خمینی رحمه الله، الرسائل، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۵ ه . ق، ص ۱۷۴، برگرفته از: فصل نامه علوم سیاسی، ش ۱۸، ص ۳۲.

سه _ تقیه کتمانیه

کتمان مرام برای حفظ مسلک؛

چهار _ تقیه مداراتیه

حسن معاشرت و زندگی با اهل سنت (اکثریت جامعه اسلامی) و حضور در مجامع و محافل عمومی و اجتماعی آنان، برای حفظ وحدت اسلامی و تشکیل یک دولت یا قدرت اسلامی.

لازم به یادآوری است که تقیه مداراتی، شامل مماشات با ظالم نیز می شود که هدف در آن، اتحاد مسلمانان در تمام شئون عبادی و اجتماعی است و در اثر آن، تمام مذاهب اسلامی، با گرایش های گوناگونی که دارند، به صورت یک واحد یک پارچه در می آیند و دولتی بزرگ و مستقل تشکیل می دهند. در این صورت، کافران و بیگانگان به احکام و قوانین اسلام و ثروت های خدادادی مسلمانان چشم طمع نمی دوزند و فکر استثمار و استعمار مسلمانان را در مخیله خود نمی پرورانند.(۱)

مواردی که می توان برای تقیه برشمرد عبارتند از:

۱. حاکمیت اهل سنت و فشارهای همه جانبه علیه تشیع؛

۲. در اقلیت قرار داشتن شیعیان؛

۳. حفظ سرمایه های مادی و معنوی جان ها از خطر حکومت؛

۴. حفظ عالمان اسلام به عنوان استوانه های علمی و فکری؛

۵. حفظ وحدت اسلامی و یک پارچگی دولت اسلامی.

همه این موارد را می توان به صورت پراکنده در مرحله اول دید. شروع این دوره با عصر حکومت عباسیان هم زمان بوده است که به دشمنی با

۱- نک: علی تهرانی، تقیه در اسلام، مشهد، فیروزبان، چ ۴، صص ۹ و ۸۴ .

اهـل بیت عصـمت و طهارت علیهم السـلام مشـهورند و شـهادت ائمه اهل بیت علیهم السـلام در زمان حکومت خلفای عباسـی بیـانگر این مطلب است. شـرایط آن زمـان که اختنـاق عجیبی علیه تشـیع وجود داشت، اقتضا می کرد که عالمان دینی، اندیشـه های فقهی ــ سیاسـی را در لفافه بیان کرده و گاه از بیان آن خودداری کنند و با آن حکومت ها همکاری داشته باشند و شیوه دیگری برای مبارزه و فعالیت های سیاسی خود برگزینند که همان تقیه است.

۲. ویژگی های دوره

اشاره

این مرحله از آغاز غیبت کبری، در نیمه دوم قرن سوم هجری تا قرن دهم ه . ق ادامه می یابد. در این دوره، فقه شـیعی به دلیل تقیه، ورود در بحث ولاـیت فقیه را غیرضـروری می دانست و احکـام خراج، ذمه، جهاد و نماز جمعه را از زاویه تقیه بحث می کرد. در این مرحله که اختناق سیاسـی شدیدی بر پیروان مکتب اهل بیت علیهم السـلام حاکم بود، تقیه به طور مطلق بر اندیشه فقیهان امامیه حکومت داشت و پی آمدهای ویژه ای را بر اندیشه فقیهان بر جای گذاشت که نتوانسـتند بسـیاری از مسائل را به صورت شفاف و مستحکم بیان کنند. از همین رو، سیدبن طاووس، از عالمان امامیه در قرن هفتم، وقتی دید که حکومت مغول ها، نسبت به ایشان علاقه ای نشان می دهد، این رویکرد را یک عنایت الهی و مصداق اخبار غیبی می داند که امام صادق علیه السلام در مورد علایم ظهور و رویدادهای آخرالزمان به برخی از اصحابش بیان کرده است.(۱)

ص: ۳۹

۱- جمعی از پژوهشگران، دین و سیاست، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۷۵.

این مرحله را می توان به دو دوره تقیه و مماشات متناوب با ظالم تفکیک کرد که تا پیدایش دولت صفوی کم و بیش استمرار داشته و این دو مؤلفه همراه هم بوده اند. اگرچه در برخی از دوره ها مانند عصر غزنویان، تقیه اصل بوده و در برخی از دوره های دیگر مانند آل بویه و ایلخانان مغول، به ویژه در زمان خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل اللّه همدانی(۱)، مماشات اولویت می یافته است.

این مرحله از نظر تاریخی به دو دوره تقسیم می شود که هر یک ویژگی ها و شرایط ویژه ای دارد.

دوره اول: آغاز غیبت کبری تا به قدرت رسیدن ایلخانان مغول

«در این دوره، خلافت عباسی دچار ضعف و سستی شده و امپراتوری بزرگ اسلامی از هم گسیخته است و فرصتی برای پیدایش حکومت های شیعی، در گوشه و کنار سرزمین های اسلامی فراهم شده است. آل بویه در بخشی از ایران قدرت یافت و به تدریج دامنه اقتدار خود را تا بغداد گسترد. حمدانیان در موصل و شام، فاطمیان در مصر، علویان در مناطق شمالی ایران و اشراف حسنی در مکه و مدینه به حکومت دست یافتند و برای پیشرفت آیین تشیع فرصتی تاریخی فراهم آمد و دانشمندان بزرگی مانند: شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی، با استفاده از موقعیت ممتازی که نزد آل بویه داشتند، به ترویج و تبلیغ شیعه پرداختند. در همین دوره،

۱- مقاله «تاریخ اندیشه یا عمل سیاسی نقد و معرفی»، فصل نامه علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۰، ش۱۳، ص ۲۴۳.

فقه اجتهادی پایه گذاری شد و بحث های مربوط به اختیارات فقیه در لابه لای کتاب های فقهی رواج شایانی یافت و عالمانی چون سید مرتضی و سید رضی با پذیرش امارت از سوی حاکمان به اعمال ولایت نیز پرداختند».(۱)

دوره دوم: عصر ایلخانان مغول

پس از سرنگونی سلسله آل بویه، ستاره اقبال شیعیان افول کرد و بار دیگر اقلیت شیعه زیر بار خلافت قرار گرفت و دانشمندان شیعی بار دیگر ناچار شدند به زیر چتر تقیه پناه برند. نشاط علمی از حوزه های شیعه رخت بربست و دوره رکود علوم و به ویژه فقه در دنیای شیعه آغاز شد. فقیهان در این دوره به تکرار دیدگاه های شیخ طوسی بسنده کردند. در نتیجه، بحث های مربوط به اندیشه سیاسی و قلمرو اختیارات فقیه نیز به فراموشی سپرده شد، تا آنجا که برای نخستین بار سلار دیلمی، به حرمت اقامه نماز جمعه در عصر غیبت فتوا داد.(۲)

در نیمه دوم سده هفتم ه . ق، با سرنگونی خلافت پانصد ساله عباسی که نماینده رسمی مذهب تسنن به شمار می رفت، قدرت سیاسی اهل سنت به پایان رسید. ازاین رو، شیعیان مجال یافتند که پا به عرصه گذارند و برای گسترش دامنه پیروان و رواج اندیشه های خود، تکاپوی همه جانبه ای را آغاز کنند. نفوذ خواجه نصیرالدین بر هلاکو خان توانست میان

۱- یعقوب علی برجی، مقاله «رفتار سیاسی فقهای دوره میانه»، فصل نامه علوم سیاسی، نوبت ۴،تابستان ۱۳۸۰، ش ۱۴، ص ۵۵.
۲- سلار دیلمی، سلسله الینابیع الموده، به کوشش علی اصغر مروارید، بیروت، دارالاسلامیه، ۱۴۱۰ه . ق، چ ۱، ج ۹، ص ۶۷ ، به نقل از: فصل نامه علوم سیاسی، ش ۱۴، ص ۵۹.

هلاکو و شیعیان روابط نیکویی برقرار کند. تشرف غازان خان به اسلام و گرایش وی به شیعه، روند گسترش اسلام، به ویژه تشیع را در جامعه مغولی سرعت بخشید. با به قدرت رسیدن سلطان محمد خدابنده، الجایتو، ستاره اقبال شیعیان اوج گرفت و دانشمندانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، فخرالمحققین و شهید اول، بنای مذهب را بازسازی کردند و با احیای فقه شیعه، بحث های اندیشه سیاسی مانند نیابت فقیه، قلمرو اختیارات فقیه و چگونگی رفتار با حاکمان نیز رواج یافت و فقیهان در این باره اظهار نظر کردند.(۱)

۳. فقیهان و دانشمندان

الف) شیخ مفید۱ (۳۳۸ _ ۴۱۳ ه. ق)

اشاره

الف) شیخ مفید(۲) (۳۳۸ _ ۴۱۳ ه. ق)

شیخ مفید از بنیان گذاران شیوه اجتهاد در فقه امامیه به شمار می آید که با تفکر اجتهادی به مصاف اندیشه اهل حدیث رفت و پایه های فکری آنان را متزلزل کرد. او دریایی از دانش بود که از دو رود عقل و نقل پر آب می شد. وی در اجتهاد و مکتب عقل، شاگرد ابن جنید اسکافی و در حدیث، شاگرد محمد بن علی بابویه بود. افزون بر آن، کلام را نزد حسین بن علی بصری معتزلی (۲۹۳ _ ۳۶۹ ه . ق) فرا گرفت. شیخ مفید، حرکت انتقادی، در برابر گرایش حدیثی را پدید آورد و با مدافعان همه مذاهب، در عهد آل بویه مناظره کرد و همگان حتی دشمنان او به مهارت وی در مناظره معترفند.(۳)

ص: ۴۲

۱- مقاله «رفتار سیاسی فقهای دوره میانه»، فصل نامه علوم سیاسی، ص ۶۰.

۲- نک: سیدعبدالعزیز طباطبایی، حیاه الشیخ المفید و مصنفاته، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۳۷۲.

۳- مجله حوزه، ش ۵۴، ص ۱۲۵، برگرفته از: شیخ مفید معلم امت.

یک ـ جهان اسلام در عصر شیخ مفید

از میانه های قرن چهارم ه . ق، محدودیت های شیعیان و قتل و غارت آنان در کشورهای خاورمیانه کاهش یافت. از یک سو، خلفای فاطمی که شیعه اسماعیلی بودند، در مصر دولت نیرومندی تشکیل دادند که این امر به کاهش اقتدار و عظمت دربار بغداد (دولت عباسی) انجامید. از سوی دیگر، سیف الدوله حمدانی و امیران آن خاندان که در شام حکومت می کردند نیز شیعه بودند.

در کنار این دو، در شرق و جنوب شرقی و شمال ایران، غوریان، صفاریان و طاهریان و پیش از آنان، حکمرانان علوی مازندران، پرچم استقلال برافراشته و بر ضد خلفای عباسی قیام کردند. از همه مهم تر، دولت آل بویه که از شیعیان مخلص اهل بیت بودند در بخش هایی از ایران و عراق قدرت یافتند... . در این دوران، از فشار خلفای عباسی به شیعیان کاسته شد و آنان توانستند در پناه گرایش آل بویه به مذهب تشیّع و فضای سیاسی آزاد، باورهای سیاسی خویش را به دیگران ارائه دهند.(۱) در چنین فضای آرامی بود که شیعیان «با تشکیل جمعیت ها، تأسیس حوزه های علمیه و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، چهره نورانی شیعه را ظاهر ساخته و غبار غربت از صورت این مذهب همیشه مظلوم تاریخ زدودند. در این ایام، شیخ مفید، مرجعی قدرتمند و رهبری اندیشمند برای مسلمانان و شیعیان به حساب می آمد. او فقیهی ژرف اندیش بود که به نیازهای فقهی

۱- شیخ مفید معلم امت، صص ۱۲۱ و ۱۲۲.

جامعه پاسخ می گفت و عقیده شناسی زبردست بود که احتیاجات فکری _ عقیدتی افراد را برآورده می ساخت».

این دوره رشد و شکوفایی ادامه داشت تا اینکه در سال ۳۸۱ ه . ق با روی کارآمدن قادر، خلافت عباسی تجدید حیات یافت و از نفوذ آل بویه کاسته شد. در این دوران، شیعیان دوباره در تنگنا قرار گرفتند و آشوب های مذهبی میان دو گروه شیعه و سنی اوج گرفت، تا جایی که «مناطق شیعه نشین، چون کرخ و باب الطاق، بارها دچار آتش سوزی هولناک گردید و قادر، خلیفه عباسی با پشتیبانی سلطان محمود غزنوی به قتل و تبعید و حبس شیعیان پرداخت.(۱)

در این دوران پرآشوب بدخواهی ها و کینه توزی ها، شیخ مفید به عنوان رئیس طایفه امامیه مسئولیت بسیار خطیری به عهده داشت که با تدبیر عالمانه و دقیق، آن را به انجام رساند؛ او وظیفه داشت:

۱. با توجه به ورود فلسفه یونان و مطرح شدن موضوع های جدید در حوزه دانش های مسلمانان، حق بودن دین اسلام را اثبات کرده و از آن دفاع کند.

۲. در شرایطی که قدرت های سیاسی، برای استقلال و بقای حکومت خویش، وحدت اسلامی را خدشه دار ساخته و استحکام جامعه اسلامی را سست کرده بودند، شیخ مفید به عنوان رهبر امت باید در جهت برقراری وحدت میان امت اسلامی گام برمی داشت.

۱- محمدهادی معرفت، ولایت فقیه، قم، چاپ باران، ۱۳۷۷ ، چ ۱، ص ۴۴. برگرفته از: مقنعه، صص ۸۰۰ _ ۸۱۱ .

۳. او در کنار توجه به سرنوشت همه مسلمانان، باید از مذهب اهل بیت علیهم السلام و پیروان این مکتب در آن شرایط سخت و خفقان دفاع می کرد.

بر این اساس، وی «با چشمانی بصیرت آمیز به اطراف می نگریست... و نقش فسادانگیز قدرت های سیاسی را به خوبی درک می کرد. ازاین رو، بیرق مبارزه عقیدتی را در سده چهارم ه . ق به دست گرفت و با جوش و خروش فراوان [با در نظر داشتن رسالت سه گانه خویش] دست به مبارزه با باورهای انحرافی و گمراه کننده زد و... ارزش های والای اخلاقی را تبیین کرد. همچنین در عرصه های کلامی،فلسفی،سیاسی، فقهی و اجتماعی به مناظره پرداخت و با گروه ها و نحله های گوناگون به گفت وگو نشست... و سده چهارم را به گستره علوم و معارف تبدیل کرده و نقطه اعتلای تمدن اسلامی را ایجاد کرد. جایگاه عقل و اندیشه را مشخص کرد و عرفان و اخلاق را اوج و ارزش بسیار بخشید و... از هر بابی از علوم قرآن و فقه اهل بیت... رساله ای استوار، متین و دقیق نگاشت و اصول اعتقادات شیعه را با روش بدیع به نگارش درآورد».(۱)

شیخ مفید در زمان عضد الدوله دیلمی و حکومت آل بویه که شیعه بودند با عظمت و جلال می زیست و برای انجام وظیفه از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمی کرد، ولی این دوران پایدار نماند؛ زیرا گاهی حسادت ها و آتش کینه بدخواهان، آرامش و امنیت شیخ را برهم می زد و زمینه های دستگیری و تبعید این عالم فرزانه را فراهم می کرد؛ به گونه ای که پس از

۱- محمد بن محمد نعمان شیخ مفید، مقنعه، قم، دفتر نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ه . ق، چ ۱، صص ۵ و ۶ .

عضدالدوله _ و حتی از زمان خود وی _ به خاطر درگیری های شیعه و سنی چند بار دستگیر و تبعید شد.

این عالم وارسته پس از خدمات فراوان در سال ۴۱۳ ه . ق درگذشت. شیخ مفید دارای آثار فراوانی در علوم اسلامی است که ما به سه مورد از آثار آن بزرگوار اشاره می کنیم: شرح عقاید صدوق در کلام؛ المقنعه در فقه؛ امالی در حدیث و... .

دو _ دیدگاه های سیاسی

اشاره

شیخ مفید از واژه های «امام»، «سلطان» و «فقیه» بسیار استفاده کرده است و این عنوان ها زمینه مناسبی را برای اظهارنظرهای این فقیه در زمینه های سیاسی فراهم ساخته است. ایشان بحث مفصلی در مورد امامت و امام و وظایف او دارد.(۱)

«سلطان» لفظی است که نخستین بار شیخ مفید در فرهنگ فقهی شیعی وارد کرد. البته منظور وی، سلطان عادل و یا سلطان اسلام است؛ همچون امامان شیعه، امیران و کارگزارانی که از سوی آنان نصب می شوند. «فقیه» عنوان سومی است که در تعبیرهای شیخ مفید به کار رفته و ایشان وظایف فراوانی برای او برشمرده است.(۲)

اول _ ولایت از طرف سلطان جور

ایشان در زمان غیبت، ولایت فقهای مدبر و عالم را مورد تأکید قرار داده و می فرماید:

۱- همان، ص ۸۱۲.

۲- احمد لقمانی، «تفکرات کلامی شیخ مفید»، مجله حوزه، ش۵۴، صص۸۹_۹۲، برگرفته از: شیخ مفید معلم امت.

هنگـامی که سـلطان معصوم غـایب باشـد، [در هر زمینه ای که مربوط به حکومت و حاکمیت است] فقهای اهل حق که دارای تدبیر، صـلاحیت عقلی و فضـیلت [علمی و معنوی]هستند، می توانند متولی اجرای اموری گردند که سلطان معصوم [امامان بر حق] در اختیار داشتند.(۱)

شیخ مفید و بعضـی فقیهان هم دوره اش، آشـکارا اعلام کردند که در هنگام انتصاب از سوی سـلطان ستمگر، فقیه در ظاهر از سوی حاکم جائر منصوب می شود، ولی پـذیرش ولایت از حاکمان جور، در حقیقت، بخشـی از حقوقی است که معصومان به فقیهان تفویض کرده اند.

ایشان با بیان شیواتر و صریح تر می فرماید:

هر کسـی از اهـل حق که از سوی ظـالمی به امـارت نصب شود، گرچه در ظـاهر از جـانب ظـالم امیر شـده، ولی در حقیقت از جانب صاحب الامر [که به او چنین اجازه و اذن داده] امیر است، نه از سوی آن ظالم سلطه گر گمراه.(۲)

دوم ــ ولایت فقیه

نخستین فقیهی که به نظام ولایت فقیه به عنوان یک نظام الهی تصـریح کرده شـیخ مفید است. وی بر این باور بود که «ولایت، یک نظام حکومتی است و فقیه به عنوان سـلطان اسـلام، حاکم و نایب سـلطان اسـلام تعبیر شده است. این منصب به وراثت از امام معصوم به فقیهان انتقال یافته؛ زیرا «العلماء ورثه الانبیاء». در این باره اخبار صحیحی در دست است.(۳) به تعبیر

۱- شیخ مفید معلم امت، ص ۱۲۲.

۲- احمد لقمانی، شیخ مفید معلم امّت، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، چ ۱، صص ۲۴ و ۲۵.

۳- شیخ مفید معلم امت، صص ۱۲۱ و ۱۲۲.

دیگر، «ولایت و سلطنتی که برای فقها وجود دارد، همان ولایت رسول اللّه صلی الله علیه و آله، امام و حکومت آنها است که با این ولایت، اطاعت مطلق مردم از آنها لازم خواهد بود.»(۱) او درباره ولایت فقیهان می گوید:

اجرای حدود و احکام انتظامی اسلام، وظیفه سلطان اسلام است که ازجانب خداوند منصوب گردیده و منظور از سلطان، ائمه هدی علیهم السلام یاکسانی که از جانب ایشان منصوب گردیده اند، می باشند و امامان نیز این امر را به فقهای شیعه تفویض کرده اند تا در صورت امکان، مسئولیت اجرایی آن را برعهده گیرند.(۲)

ب) سید مرتضی علم الهدی (۳۵۵ _ ۴۳۶ه. ق)

اشاره

سید مرتضی، فرزند سید حسین موسوی بغدادی، در دوره خلافت مطیع للّه عباسی و پادشاهی بهاء الدین بویهی در بغداد به دنیا آمد. سید مرتضی بر خلاف پدرش _ که منصب قضاوت در حکومت داشت _ هیچ گونه منصب سیاسی را نپذیرفت. با این حال، پس از شیخ مفید، رهبری شیعیان بغداد را به عهده گرفت و برخلاف میل باطنی، پس از مرگ برادرش سید رضی، عهده دار منصب های امارت حج، دیوان مظالم و نقابت طالبیان شد. او در رشته های گوناگون علوم معقول و منقول صاحب نظر بود. سید را می توان پدر عقل گرایی در مکتب شیعه دانست. کتاب شافی سید، ردّیه ای بر نظریه ضد شیعی قاضی عبدالجبار معتزلی است. با این همه، او را به معتزله منتسب کرده اند. بهترین توجیه در این باره این است که گفته شود: او با

۱- همان، ص ۱۲۲

۲- محمدهادی معرفت، ولایت فقیه، قم، چاپ باران، ۱۳۷۷ ، چ ۱، ص ۴۴ . برگرفته از: مقنعه ، . صص ۸۰۰ ۸۱۱

روش معتزله آشنا بود و آن را به خوبی بر ضد آن مکتب به کار می برد. او پس از شیخ مفید، پرچم دار اصولی ها شد و در دانش اصول، کتابی مستقل به نام الذریعه نوشت. سیدمرتضی در سنگر دفاع از تفکر عقلانی، آرای اهل حدیث و اخباری مسلکان را نقد کرد و آثار بسیاری، در رد آنها نگاشت. از بررسی آثار و سخنان وی چنین استنباط می شود که کتاب های شیعه و نیز مخالفانش از احادیثی انباشته شده است که همه نوع خطا و گفته ناحق در آن وجود دارد. بدین ترتیب، ناگزیر باید هر حدیث را نخست با عقل مقایسه کرد و در صورت نداشتن تعارض با آن، با سند معتبری مانند قرآن، سنجش انتقادی کرد.

از آثار وی می توان به: جوابات الموصلیات الثالثه؛ رساله فی ابطال العمل باخبار الآحاد؛ رساله فی رد علی اصحاب العدو؛ رساله فی العمل مع السلطان؛ دیوان؛ امالی در فقه؛ تفسیر شافی و... اشاره کرد.

دیدگاه های سیاسی سید مرتضی

به باور سیدمرتضی رحمه الله در صورت موجود بودن وجوه عقلایی و شرعی، شخص پذیرنده مسئولیت، نه نماینده حاکم جائر، بلکه نماینده امامان حق است:

صالحان و دانشمندان در عصرهای مختلف، دائما چنین بودند که از سوی ستمگران به خاطر بعضی از دلایل مسئولیت می پذیرفتند. پذیرش مسئولیت ــ اگر در آن، وجه نیکویی وجود داشته باشد ــ هر چند در ظاهر از سوی حاکم ستمگر است، ولی در باطن از سوی امامان حق می باشد.(۱)

۱- محمود شفیعی، مقاله «رساله فی عمل مع السلطان»، فصل نامه علوم سیاسی، ص ۹۲، برگرفته از: رسائل سیدمرتضی، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۲۶۰.

ج) شیخ طوسی (۳۸۵ _ ۴۶۰ ه. ق)

اشاره

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، در رمضان سال ۳۸۵ ه . ق در طوس چشم به جهان گشود. به سال ۴۰۸ ه . ق، یعنی در سن ۲۳ سالگی به شهر بغداد هجرت کرد. در آن روزگار، متکلّم و فقیه بزرگ شیعی، محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید، پیشوای مذهب جعفری بود. وی تا سال ۴۱۳ ه . ق که شیخ مفید درگذشت، از محضر او بهره برد. پس از او، ریاست مکتب شیعه جعفری به سید مرتضی رسید و شیخ طوسی از محضر سید ۲۳ سال بهره برد. سید به او علاقه فراوان داشت و به او مهر می ورزید. پس از سید مرتضی رحمه الله، شیخ به طور رسمی مشعل دار شیعه و شریعت شد، تا جایی که بالاترین کرسی علمی آن زمان؛ یعنی کرسی تدریس کلام را به او واگذار کردند و کسی بالاتر از او در میان شیعه و سنی نبود. همواره شیخ الطایفه، پیشوای زمان و گرامی ترین فرد دوران خویش بود تا اینکه طغرل بیک، سر سلسله سلجوقیان، در سال ۴۴۷ ه . ق، وارد بغداد شد و بر شیعیان یورشی سخت برد و دستور سوزاندن کتاب خانه آنان را صادر کرد. کتاب خانه های بسیار بزرگ و ارزشمند شیعه، در محله های کرخ بغداد در آتش سوخت و آشوب سلاجقه چنان بالا گرفت که شیخ الطایفه و یارانش نیز از آن در امان نماندند و کتاب خانه و منبر شیخ را که برای تدریس کلام بر آن می نشست، سوزاندند. چون شیخ خود را در مخاطره دید، به نجف اشرف هجرت کرد و در جوار مرقد امیرمؤمنان علی علیه السلاممأوا گزید و آنجا را به پایگاه دانش و مکتب جعفری تبدیل کرد و دانشگاه شیعه را بنیان نهاد؛ به

گونه ای که اهـل تحقیق، آنجـا را خاسـتگاه آمـال خویش یافتنـد و به آن روی آوردنـد. سـرانجام پس از سال ها تلاش در راه خدمت به فرهنگ اسلام و تربیت شاگردان فراوان، در سال ۴۶۰ ه . ق درگذشت.(۱)

درباره جایگاه علمی شـیخ طوسی، معروف به شیخ الطایفه، باید گفت نهال علم اصول که فقهای پیشین امامیه کاشته بودند، به دست وی آبیاری شد و به بارنشست.

شیـخ طوسـی، با نگارش کتاب العـده فی الاصول و کتاب المبسوط فی الفقه، این دو علم را به دوره جدیدی از پختگی فکری رسانـد. او نخسـتین مجتهـدی است که اسـتنباط احکـام شـرعی از اصول کلی آن را وارد فقه شـیعه کرد. کتـاب مبسوط شـیخ، نخستین کتـابی است که به صورت فقه اسـتدلالی و با اسـتفاده از قواعـد و اصول کلی و ارجاع های فروع فقهی به اصول کلی، تدوین شده است. هرچند عملکرد شیخ طوسی در دو شاخه فقه و اصول، این دو شاخه را به اوج خود رساند، ولی پس از شیخ طوسـی به مـدت دو سده، شاهد ایسـتایی نسبی در دانش اصول و فقه هستیم. آیت اللّه سـید محمدباقر صدر رحمه الله علل این ایستایی را عوامل زیر می داند:

۱. هجرت شیخ از بغـداد به نجف و ناهمگـامی و ناهمـاهنگی حوزه نجف با انـدیشه های متعالی شـیخ به دلیل نوبنیادی حوزه نجف؛

۲. مقام والای شیخ و جایگاه مقدس او نزد شاگردان؛

۳. توقف اجتهاد در نزد اهل سنت.

۱- آقا بزرگ طهرانی، حیاه الشـیخ الطوسـی مقدمه کتاب شریف تفسیر التبیان، به کوشش: علی رضا میرزا محمد و سید حمید طبیبان، تهران، ۱۳۶۰، چ ۱، صص ۴ _ ۱۲.

آثار شیخ بسیارند؛ برخی از آنها عبارتند از: التهذیب؛ الاستبصار؛ تلخیص الشافی؛ المبسوط؛ الخلاف؛ الرسائل العشر؛ عده الاصول؛ النهایه و ... .

دیدگاه های سیاسی شیخ طوسی

یک ولایت سلطان جائر

نظر شیخ طوسی در این باره، همان نظر فقیهان پیش از او، مانند شیخ مفید و سید مرتضی است. افزون بر اینکه، وی از زاویه فقه و کلام در تبیین حوزه اختیارات حکومت بسیار کوشید. وی همچنین در این زمینه، برای رهروان خود، تکالیفی ارائه داد و در حوزه حکومتی و به تعبیر فقیهان شیعه «حکومت جائر»، راه کارهایی را برای مردم و فقهای دین مطرح کرده است.

دو _ حکومت مطلوب

حکومت مطلوب و مشروع از نظر شیخ، حکومتی است که بر پایه حاکمیت خداوند، تحقق یافته است و خداوند نیز در دنیا انجام این نقش مهم را بر عهده پیامبران و امامانی نهاده است که دارای ویژگی خاصی هستند تا جامعه در پرتو آنها، بدون انحراف از قوانین و احکام الهی رشد کند و به شکوفایی رسد. در حقیقت، خداوند این لطف را در مرحله تمییز و تشخیص امام و حاکم جامعه اسلامی توسط مردم، بر خود واجب کرده و با ارائه طریق، مردم را در شناخت آن رهبر، ارشاد کرده است. (۱) شیخ طوسی، اصل وجوب و وجود حکومت و رهبری در جامعه را، بحثی

۱- شیخ ابوجعفر طوسی، عده الاصول، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ه . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۵۱.

عقلانی دانسته که با نبود آن، جوامع به فساد خواهند گرایید، ولی تعدد یا وحدت رهبری در جامعه اسلامی را برخاسته از شرع و بر پایه آموزه های دینی می دانـد. وی بر این باور است که از نظر عقل، تعـدد رهبر در یک منطقه منعی ندارد و این قوانین و آموزه های شرعی است که بر وحدت آن تأکید دارند. (۱)

سه _ هدف های حکومت اسلامی

۱. تأمین و حفظ مصالح عمومی؛ (۲)

۲. برقراری نظم و امنیت؛ (۳)

۳. بسط عدالت اجتماعی؛ (۴)

۴. تأمین رفاه نسبی و عمومی جامعه؛ (۵)

۵. استقلال و عزت اسلامی. (۶)

چهار _ وظایف و اختیارات رهبر

۱. تبیین احکام الهی (افتاء) و قانون گذاری؛(۷)

۲. قضاوت

شیخ طوسی بر این باور است که قاضی باید دارای دو صفت باشد: عالم به احکام الهی؛ داشتن عدالت. وی درباره ویژگی اول می نویسد:

۱- همان، ج ۲، ص ۴۲

۲- شیخ طوسی، المبسوط، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ه . ق، چ ۱، ج ۳، ص ۳۱۹ و ج ۷، ص ۲۴.

۳- شیخ طوسی، الاقتصاد الهادی، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ه . ق، چ ۱، ص ۱۸۳.

۴- همان.

۵- شیخ طوسی، تلخیص الشافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ ه . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۷۰.

۶- الاقتصاد الهادی، ص ۱۸۳.

۷- عده الاصول، ج ۲، ص ۶۲.

کسانی می توانند متولی قضاوت گردند که به تمامی موارد مسئولیت خود (احکام الهی و آداب قضاوت) عارف و آگاه باشند (و در کار خود از دیگران تقلید نکنند). (۱)

قضاوت در عصر غیبت، بر پایه نظر بیشتر علما و صاحب نظران، بر عهده فقیهان شیعه است و شیخ الطایفه نیز این منصب را واگذار شده از سوی امامان شیعه می داند و می فرماید:

آن گاه که امکان قضاوت برای امامان شیعه ممکن و مقدور نباشد (مثل عصر غیبت)، این مسئولیت را به فقیهان شیعه واگذار کرده اند و آنان موظفند که در صورت امکان به انجام آن مبادرت ورزیده (و در برابر انجام دادن آن دارای اجر و ثواب زیادی گردند). (۲)

در گسترش قلمرو اختیارات حکومت و نظام سیاسی تحت فرمان امام یا جانشین او، شیخ این نکته را بیان می کند که در یک جامعه سیاسی، امیران، حاکمان و رؤسایی هستند که همگان از سوی امام قدرت می یابند و با استناد به این مشروعیت، درباره مسائل سیاسی و اجتماعی تصمیم می گیرند. البته وجود صفت عصمت در آنها، ضرورتی ندارد؛ زیرا امام معصوم در مرتبه ای فراتر از آنان، بر اعمال و رفتارشان نظارت دارد و بالاتر از او کسی نیست. در زمینه اختیارات و وظایف رهبری به نمونه هایی اشاره می شود که از دیدگاه شیخ، اساسی هستند:

یک _ گماردن امیران و حاکمان ولایت ها و مناطق مختلف (اعطای ولایت)؛(۳)

۱- المبسوط، ج ۷، ص ۲۳.
۲- شیخ طوسی، النهایه، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۰ ه . ق، چ ۱، ص ۳۰۱.
۳- شیخ طوسی، الرسائل العشر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ ه . ق، چ ۱، ص ۱۱۱.

دو ــ تعیین قاضی در امور دادرسی و قضایی؛ (۱)

سه ــ اجرای حدود و احکام الهی؛ (۲)

چهار ــ اعلان جهاد و مبارزه با دشمنان؛

پنج ــ دفاع از حقوق شهروندان. (۳)

شش ــ ایجاد ساختار مالی برای نظام سیاسی؛ (۴)

هفت ــ ولایت بر افراد بدون ولیّ و وراثت از افراد بدون وارث؛ (۵)

هشت ــ تقویت بازار اسلامی و مبارزه با عوامل و بحران های اقتصادی. (۶)

د) محقق حلی (۶۰۲ ــ ۶۷۶ه. ق)

اشاره

نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن، معروف به محقق حلی (محقق اول)، فقیه بلندمرتبه و از دانشمندان بنام شیعه است. وی در سال ۶۰۲ ه . ق در شهر تاریخی و فقیه پرور حله به دنیا آمد. او در دوران خویش، مرجعیت و رهبری شیعه را عهده دار بود. در عصر محقق حلی، جامعه اسلامی دچار اضطراب و خفقان بود. لشکر مغول به تاخت و تاز در جوامع اسلامی پرداخته و برای فرهنگ و تمدن جامعه اسلامی مشکلات و معضلاتی به بار آورده بودند؛ از جمله این آسیب ها می توان به آتش کشیده شدن

۱- همان، ص ۱۱۱.
۲- شیخ طوسی، الخلاف، تهران، چاپ خانه رنگین، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۲، ص ۳۶۹.
۳- همان، ج ۲، ص ۸.
۴- همان، ج ۲، ص ۲۴۸.
۵- النهایه، ص ۷۲۹.
۶- همان، ص ۳۷۴.

کتاب خانه ها، زندانی شدن علما و اندیشمندان اسلامی و حتّی کشته و شهید شدن عده ای از آنان اشاره کرد.

با وجود چنین اوضاع و احوالی، محقق حلی توانست خدمات بزرگ علمی و فرهنگی از خود به یادگار بگذارد. در زمینه خدمات بزرگ علمی او می توان به آثاری مانند: شرایع الاسلام؛ المختصر النافع؛ المعتبر فی شرح المختصر؛ المسائل الغریه و نکت النهایه اشاره کرد. وی سرانجام در ماه ربیع الاول سال ۶۷۶ ه . ق درگذشت.

دیدگاه های سیاسی محقق حلی

یک _ حکومت عادل

محقق حلی در بحث های فقهی خود، درباره وظایف و اختیارات سلطان عادل سخن گفته و ولایت از سوی سلطان عادل را جایز و در موردی واجب دانسته است. ایشان در آثار خود، مواردی را که از اختیارات امام معصوم یا نایب خاص ایشان است، از اختیارات امام عادل برشمرده و از سوی دیگر، در مواردی که اذن فقیه جامع الشرایط را در آن کافی می داند نیز، اذن را از سوی سلطان [حاکم]عادل دانسته است؛ یعنی از دیدگاه ایشان، حاکم، تنها امامان معصوم و نایبان خاص یا عام ایشانند. وی از فقیه جامع الشرایط با این تعبیر یاد می کند: «مَن اِلَیهِ الحُکمُ بحَقِّ النِّیابَهِ؛ کسی که حکومت به خاطر حق نیابت از آن اوست».(۱)

درباره حکومت فقیه عادل، محقق معتقد است که چون تشکیل

ص: ۵۶

۱- روح اللّه شریعتی، مقاله «حکومت در اندیشه سیاسی محقق حلی»، فصل نامه علوم سیاسی، سال چهارم، ۱۳۸۰، تابستان، ش ۱۴، صص ۷۰ و ۷۱، برگرفته از: شرایع الاسلام محقق حلی، ص ۳۸.

حکومت، برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر است و این هـدف حتی ولاـیت از سوی جـائر را که حرام نیست، جایز می کنـد، پس چنان که فقیهی بتواند حکومت تشکیل دهد و در قالب آن امر به معروف و نهی از منکر کند، نه تنها حکومت وی مشروع است، بلکه نسبت به دیگران اولویت دارد؛ زیرا:

نخست اینکه، با امر به معروف و نهی از منکر می خواهد احکام شـرع را اجرا کند و وی آگاه ترین فرد به احکام شرع، به ویژه مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر است.

دوم اینکه، فقیه از سوی امـام معصوم ـ در مواردی که در عصـر حضور امـام شـرط است ـ مجـاز است. پس با توجه به مبانی محقق، می توان گفت که تنها حاکمی که می تواند با بسط ید حکومت کند، فقیه جامع الشرایط است.

دو ـ حکومت جائر

از دیدگاه محقق حلی، هر حاکمی که شـرایط لازم را برای حکومت نداشته باشد، حاکم جائر است و حکومت وی نامشروع و کمک به وی و قبول ولایت از سوی وی نیز حرام است و اگر به عـدم ارتکاب حرام اطمینان داشـته باشد، پذیرش ولایت جایز است.

به باور ایشان، جهاد همراه با حاکم جائر جایز نیست، مگر آنکه برای دفاع از کیان اسـلام باشـد، همچنین کمک به حاکم جائر از نظر ایشان حرام است.(۱)

ص: ۵۷

۱- حکومت در اندیشه سیاسی محقق حلی، ص ۷۳.

ه_) علامه حلی (۶۴۸ _ ۷۲۶ ه. ق)

اشاره

حسن بن یوسف بن مطهر، معروف به علامه حلی، در شب ۲۹ رمضان سال ۶۴۸ ه . ق در شهر حله به دنیا آمد. پدرش، شیخ یوسف سدیدالدین حلی، در زمان خود یکی از دانشمندان بنام و فقیهی محقق و بزرگوار بود که در بعضی از دانش های اسلامی مقام استادی داشت. پس از درگذشت محقق حلی و انتقال مرجعیت و زعامت به علامه حلی، با تلاش خستگی ناپذیری، در نشر علوم و فقه اسلام بر اساس مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کوشید و تحولی در فقه به وجود آورد و شیوه نویی ارائه کرد؛ به گونه ای که پیش از او، فقه جایگاهی این چنین نداشت و این به سبب شهامت، شجاعت علمی و اندیشه پویای وی بود. وی نخستین فقیهی است که ریاضیات را در فقه وارد کرد و تحولی در فقه استدلالی پدید آورد. عصر علامه را باید عصر توسعه فقه شیعه، حقانیت مذهب اهل بیت و دوران پیشرفت علم و دانش در گوشه و کنار جهان اسلام نامید. سلطان محمد خدابنده (الجایتو) به دست علامه حلی به اسلام و تشیع گرایید. در این زمان، شهر حله به دلیل در امان ماندن از تهاجم مغول، پذیرای فقیهان و طلابی شد که از بغداد مهاجرت کرده بودند. بدین سان، مکتب حله نقش شگرفی در دگرگونی فقه و اصول امامیه ایفا کرد. در مکتب حله با پرچم داری مجتهدان اصولی، بسیاری از عناصر زنده ای که شیخ طوسی از گفتمان فقه سنی به فقه شیعه منتقل کرده بود، گردآوری و به صورت اصول و منطقی جدید مرتب شد. بدین ترتیب بار دیگر

اجتهاد که از کالبد جامعه شیعه، رخت بربسته بود، به آن بازگردانده شد.(۱) این عـالم ربانی و فقیه بزرگوار پس از یک عمر تلاش، در سال ۷۲۶ ه . ق درگذشت.

او کتاب های چندی در زمینه فقه و اصول دارد که عبارتند از:

در فقه: منتهی المطلب؛ تلخیص المرام؛ غایه الاحکام؛ مختلف الشیعه؛ تبصره المتعلمین؛ تذکره الفقهاء.

در اصول: النکت البـدیعه؛ غایه الوصول؛ مبادی الوصول الی علم الاصول؛ تهذیب الاصول؛ نهایه الوصول؛ نهج الوصول؛ منتهی الوصول.

دیدگاه های سیاسی علامه حلی

یک _ ولایت

ایشان در زمینه ولایت می فرماید:

اجرای احکام انتظامی اسلام، در عصر حضور با امام معصوم یا منصوب از جانب او، و در عصر غیبت با فقهای شیعه می باشد و همچنین گرفتن و تقسیم زکات و خمس و تصدی منصب افتاء... .(۲)

دو _ امامت

ایشان می فرماید:

الامامه رئاسه عامه فی امورالدین و الدنیا... نیابه عن النبی و هی واجبهٌ عقلاً لان الامامه لطف... و هو واجب... .(۳)

امـامت، ریاست کلی در امور دین و دنیای مردم است... امامت نیابت از پیامبر است که عقلاً واجب است زیرا از مصادیق لطف شمرده می شود و

۱- محمد حسن امانی، علامه حلی رایت ولایت، قم، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۳، چ ۱، صص ۸ و ۲۵.
۲- همان، ص ۵۲۲.
۳- همان، ص ۴۵۲.

لطف بر خداوند واجب است... .

سه _ صفات حاکم اسلامی

علامه حلی در کتاب تذکره، شرایط حاکم اسلامی را چنین بر می شمارد:

۱. مکلف باشد؛

۲. مسلمان باشد؛

۳. عادل باشد؛

۴. آزاد باشد؛

۵. مرد باشد؛

۶. عالم باشد؛

۷. شجاع باشد؛

۸. در مسائل، صاحب نظر باشد و کفایت اداره امور را داشته باشد؛

۹. گوش و چشم و زبانش سالم باشد تا بتواند امور را حل و فصل کند؛ (اینها شرایطی است که در آن اختلافی نیست و همگان پذیرفته اند).

۱۰. اعضای رئیسه بدنش مانند دست و پا و گوش سالم باشد؛

۱۱. به دلایل عقلی و نقلی باید از همه مردم زمان خویش، برتر باشد تا از دیگران ممتاز گردد؛ زیرا از نظر شیعه برخلاف بسیاری از عالمان اهل تسنّن، جایز نیست که فرد مفضول یعنی کم فضیلت بر فاضل مقدم داشته شود.

افضلیت نیز بر اساس علم، زهد، پارسایی، شرافت خانوادگی، شجاعت و دیگر اخلاق پسندیده مشخص می شود.

ص: ۶۰

۱۲. از ارتکاب اعمال قبیح منزه باشد؛ زیرا که در صورت آلوده شدن به کارهای قبیح، مورد اهانت و انکار قرار می گیرد و جایگاه او در دل های مردم سست می شود و در نتیجه، فایده گماشتن او از میان می رود.

۱۳. از دون همتی و رفتارهای ناپسند پاک باشد و از پستی خانوادگی از ناحیه پدر و آلودگی از ناحیه مادر مبرا باشد که عامه (اهل سنت) با همه اینها مخالفند.(۱)

چهار _ امور حسبیه

امور حسبیه از مسائلی است که تمام فقیهان آن را نوعی ولایت شمرده اند و از ضروری ترین وظایف و اختیارات فقیه دانسته اند. امور حسبیه، آن دسته از امور عام المنفعه است که برای حفظ مکتب و سرزمین های اسلامی باید به آن توجه جدی شود، مانند:

تصرف های ضروری در اموال صغار و تعیین قیم برای آنها، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، اجرای حدود و قصاص و برخی امور که همه فقها و از جمله علامه حلی(۲) از موارد ولایت فقیه دانسته اند و اثبات آن به اقامه دلیل نیازی ندارد. به هر حال، امور حسبیه از واجبات کفایی شمرده می شود و متصدی آن در عصر غیبت مجتهد جامع الشرایط است.

و) شهید اول (۷۳۴ _ ۷۸۶ ه. ق)

اشاره

شیخ شمس الدین محمد بن مکی عاملی، معروف به شهید اول، شاگرد

۱- همان، ص ۴۴۷.

۲- علامه حلی، تذکره، قم، بعثت، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۵۰.

فخرالمحققین و از فقیهان بزرگ شیعه است.

وی در سال ۷۳۴ ه . ق در منطقه جزین جبل عامل به دنیا آمد و نزد عالمان بزرگی مانند پدر دانشمندش، فخر المحققین و نیز برخی عالمان سنی تحصیل کرد.(۱) از وی آثار با ارزش فراوانی در زمینه فقه، اصول، کلام و شعر به یادگار مانده است که کتاب اللمعه الدمشقیه از جمله آنهاست که به درخواست سلطان علی بن مؤد، حاکم سربداران خراسان نوشت.

شهید اول، معاصر با دوران ایوبیان بود و حاکمان منصوب آنها پیوسته فقیهان شیعه را زیر نظر داشتند و در پی متهم کردن آنها بودند. سرانجام، شهید اول با اتهامی واهی (عقاید ضد اسلامی) و شاید هم به دلیل رابطه با سربداران و ایفای نقش در خاموش کردن فتنه «یالوشی»(۲) روانه زندان شد و پس از محاکمه صوری، در سال ۷۸۶ ه . ق به شهادت رسید.(۳)

آثار او عبارتند از: القواعد و الفوائد؛ الدروس الشرعیه؛ اللمعه الدمشقیه؛ ذکری الشیعه؛ غایه المراد؛ البیان.

دیدگاه های سیاسی شهید اول

یک _ حکومت

شهید اول، حکومت ها را به دو نوع شایسته و ناشایسته تقسیم می کند و افراد را به پیروی از حکومت شایسته فرا می خواند و از مقدم داشتن

ص: ۶۲

۱- علی دوانی، مفاخر اسلام، تهران، چاپ سپهر، چ ۱، ج ۴، ص ۳۳۰.

۲- فردی که موجب انحراف در دین شده بود.

۳- همان، ص ۱۴۴.

حاکمـان ناشـایست بر امامان معصوم برحـذر می دارد.(۱) در واقع، تأییـد فقیهان شـیعه بر پـذیرش ولایت و مسـئولیت از سوی حاکمان عادل و نپذیرفتن مسـئولیت از سوی سلطان های جائر، نشانه تفکیک این حکومت هاست. شهید اول نیز، این مسئولیت پـذیری از سوی سـلطان عادل را در ابتـدا جایز و حتی در مواردی واجب می دانـد؛ در حالی که این عمل را در مورد حاکمان غیر عادل، حرام می داند.

دو _ حکومت شایسته

به نظر شـهید، حکومت شایسـته بر پایه حاکمیت الهی و تجلی آن در حکومت پیامبر، امامان معصوم و نایبان خاص و عام آنان است. شهید اول در این باره می گوید:

آنچه پیـامبر به عنوان رهبر سیاسـی اجتمـاعی انجـام داده و امکان مشارکت انحصاری امام در آن وجود دارد، همان وظایف بر عهده امام نیز هست؛ زیرا پیامبر نسبت به مؤمنان از خود آنان بیشتر ولایت دارد، این نکته در امام نیز حاصل است.(۲)

سه _ حکومت نایب امام

شهید در راستای تثبیت ولایت برای فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت می نویسد:

حـدود و تعزیرات بر عهـده امـام و نـایب خـاص و عام وی است؛ پس در عصـر غیبت برپایی احکام انتظامی اسـلام در صورت امکان برای فقیه

۱- همان، ص ۱۷۴.

۲- همان، ج ۳، ص ۱۷۴.

جامع الشرایط جایز است و در صورت امنیت، فتوا دادن هم بر او واجب است.

شهید در جایی ولایت فقیهان عصر غیبت را از طریق «امر به معروف و نهی از منکر» ثابت می کند. به این صورت که در مراحل تشدید این اصل و مرحله عملی آن، فقهای شیعه به دلیل اختیارات حکومتی به انجام آن مبادرت می کنند.

چهار _ نماز جمعه و ولایت فقیه

شهید در تبیین جواز نماز جمعه در عصر غیبت، چنین استدلال می کند:

فقهای زمان غیبت به واسطه اجازه دادن امام معصوم به انجام اعمالی فراتر و بزرگ تر از برپایی نماز جمعه، مانند صدور حکم قضایی و افتاء اقدام می کنند. پس به طریق اولی مجاز به اقامه این نماز هم هستند.(۱)

شهید، این اشکال را که مقصود از نایب امام، نایب خاص است و فقها را شامل نمی شود، رد می کند و بر این باور است که: «حکم فقیه عصر غیبت، همان حکم نایب خاص امام علیه السلام است».

پنج جایگاه عدالت در مفتی

با توجه به اهمیت فتوا و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی انسان ها و اینکه بر اساس این فتواها، چگونگی خط مشی زندگی سیاسی، اجتماعی فرد و جامعه انتظام می یابد، شهید اول، علت اهتمام خود به اعتبار عدالت در

۱- همان.

مفتی را چنین تبیین می کند:

پس اعتبار عدالت فتوا دهنده، به دلیل ضرورت وجودی آن است؛ زیرا با عدالت وی احکام الهی مصونیت یافته و جان، مال و ناموس مردم محافظت می گردد.(۱)

شش _ ملزومات حکومت

مقصود از ملزومات، مواردی است که بدون آنها تبیین حکومت امکان پذیر نیست، مانند اینکه کارویژه های حکومت، موارد عزل حاکم، نقش مردم در حکومت و سهم آنان در اداره امور جامعه چگونه ترسیم می شود.

هفت _ کارویژه های حکومت

«کارویژه» کارهایی است که در حوزه وظایف و اختیارات حکومت قرار می گیرد و حاکم جامعه با استفاده از این صلاحیت ها، نظم را در جامعه برقرار و با متخلفان برخورد می کند.

هشت _ اختیارات فقیه

اشاره

شهید اول در این زمینه می گوید:

اجرای حدود و تعزیرات با امام و نایب خاص و عام اوست. از این رو، فقیه می تواند در دوران غیبت و در صورت امکان، حدود را اجرا کند و بر مردم است که وی را یاری کرده و از چیرگی سایرین بر وی جلوگیری کنند و نیز بر او واجب است که در صورت مساعدت شرایط، فتوا داده و مردم نیز بایستی در مرافعات به وی مراجعه کنند.(۲)

از این بیان، استنتاج می شود که منصب های اساسی فقیه جامع الشرایط

۱- همان، ص ۱۶۹.

۲- الدروس، ج ۲، ص ۶۵

از دیدگاه شهید اول عبارتند از: مرجعیت فتوایی در سطحی عام؛ مرجعیت قضایی در حل و فصل اختلافات؛ اجرای حدود و تعزیرات.

اول _ مرجعیت فتوایی یا تقنین

شهید اول، شریعت الهی را قانون بازدارنده تعارضات و تنازعات افراد در جامعه می داند(۱) و این شریعت در تطابق با شرایط خاص هر جامعه ای نیازمند دانش فقیه است که با شناخت احکام الهی، قوانین مورد نیاز را به افراد ارائه خواهد کرد. فقیه جامع الشرایط، در شرایط مساعد، باید قوانین ومقررات جامعه را برای مردم تبیین کند.(۲)

دوم مرجعیت قضایی

شهید اول می فرماید:

قضاوت،نوعی ولایت شرعی برصدور حکم است که در جهت مصالح عمومی اعمال شده، و منصبی است که از جانب ولی امر مسلمانان باید واگذار شود.(۳)

یعنی قاضی باید از سوی معصوم با واسطه یا بدون واسطه منصوب شود.

سوم _ اجرای احکام قضایی اسلام

اجرای حدود و تعزیرات از ابزارهایی است که برای الزام آوری حکم قضایی و نافذ بودن قانون به کار گرفته می شود. شهید اول، این منصب مهم را نیز در عصر غیبت، برای فقیه واجد شرایط، مجاز می داند.(۴)

ص: ۶۶

۱- ۱. القواعد، ج ۱، صص ۳۶ و

۲- . ۲. الدروس، ج ۲، ص۴۷

۳- . ۳. همان، ص۶۵

۴- همان، ص ۴۷

چهارم _ دیگر اختیارات حاکم (فقیه)

۱. تصرف در امور مالی، مانند: زکات،(۱) خمس (۲)و ولایت بر اموال سفیه و مجنون؛(۳)

۲. بر پایی نماز جمعه.

اقتدار حاکم و مشروعیت وی در صدر اسلام با اقامه نماز جمعه از سوی او و امیرانش تجلی می یافت. از این رو، شهید اول، در عصر غیبت امام، به جواز برپایی نماز جمعه فتوا داده و در برابر اندیشه تحریم اقامه این نماز در عصر غیبت، به شدت مقابله کرده و فقیهان جامع الشرایط را شایسته برگزاری آن می داند؛ زیرا «فقیهان در عصر غیبت امام معصوم به واسطه اجازه عمومی از امام، به انجام کارهایی بزرگ تر از اقامه نماز جمعه، مانند قضاوت و افتا مبادرت می ورزند. بنابراین، به طریق اولی می توانند چنین نمازی را اقامه کنند».(۴)

نه _ موارد عزل والی یا استاندار

امام و رهبر جامعه اسلامی در چه مواردی مجاز به عزل والی منصوب خویش است؟

شهید اول در پاسخ به این پرسش، مواردی را یادآور می شود:

۱. تردید رهبر در مورد تداوم کار والی یا استاندار: هرگاه امام در مورد صلاحیت والی منصوب خویش تردید کند و بر انجام مسئولیت توسط وی

۱- همان، ج ۱، ص ۲۴۶.

۲- همان، ص ۲۶۲؛ لمعه الدمشقیه، ص ۵۵.

۳- اللمعه الدمشقیه، ص ۱۴۲.

۴- ذکری الشیعه، ج ۳، ص ۱۲۵.

یقین نداشته باشد، چون بقای وی در آن منصب احتمال فساد دارد، زعیم سیاسی جامعه مجاز به عزل وی است.

۲. وجود فرد شایسته تر از والی کنونی: اگر رهبری، با بررسی متوجه وجود فرد مناسب تر و شایسته تری از والی فعلی برای احراز این مسئولیت شد، بدیهی است که در تعارض صالح و اصلح، فرد اصلح مقدم و عزل صالح مجاز است.

۳. رضایت نداشتن مردم از والی: رضایت عمومی از والی، ابزار انجام مسئولیت هاست و هرگاه این رضایت عمومی خدشه دار شود و یا مردم از والی کنونی ناراضی باشند، حکومت نمی توانند به گونه ای مطلوب از عهده وظایف خویش برآید. شهید اول درباره مقبولیت سیاسی حاکم می گوید:

«مورد سوم از موارد جواز عزل حاکم توسط زعیم سیاسی جامعه، ناخشنودی و عدم رضامندی مردم از وی و اطاعت و اقبال به غیر است؛ زیرا منصب حاکم برای تأمین و حفظ مصالح عمومی مردم است. پس هر کجا و هر زمانی این مصلحت به شکل کامل تأمین گردد، اولویت با آن مورد است».(۱)

در غیر موارد ذکر شده، شهید اول رهبر را مجاز در عزل حاکم موجود و نصب فردی با شرایط پایین تر نمی داند؛ زیرا با مصلحت عمومی منافات دارد، بلکه حتی فردی مساوی حاکم را نمی تواند بر وی ترجیح دهد؛ چون این عمل نوعی طرفداری از فردی است که هیچ ترجیحی بر حاکم فعلی

۱- القواعد، ج ۱، ص ۴۰۵.

ندارد.(۱)

در مرحله ای فراتر، آیا حاکم (رهبر) می تواند، والی یا استاندار فعلی را بدون تعیین جانشینی برای وی عزل کند؟ شهید اول بر این بـاور است که ولایت چنین اسـتانداری به دلیل نصب اولیه تثبیت شـده و این ولایت تنها به دلیل نداشـتن گرایش رهبری به وی از بین نمی رود.(۲)

ده _ فرد و دولت

جایگـاه فرد در جـامعه سیاسـی و نقش آن در برابر حکومت و میزان مشـارکت وی در اداره امور از موضوع هایی است که در بحث انـدیشه سیاسـی به آن توجه می شود تـا در خلاـل آن بتوان به روابـط فرد و دولت دست یـافت. وظیفه اولیه حکومت در برابر مردم، همانا تأمین و حفظ مصالـح عمومی است؛ یعنی هر آنچه جزو مصـلحت عمومی مردم باشـد، جزو وظایف دولت به شمار می آیـد که در عصـر غیبت از سوی امام معصوم به فقیه جامع الشـرایط واگذار شده است.(۳) آنچه حکومت ها از مردم می خواهنـد و شـهید اول هم در مواضع مختلف بر آن تأکید کرده، پشتیبانی مردم از حکومت است که حکومت را تقویت می کنـد و مـانع چیرگی دیگر قـدرت هـا بر آن می شود.(۴) از راه هـای تقـویت حکـومت این است که مردم در امـور عمـومی و اجتماعی خودشان به حاکم اسـلامی مراجعه کننـد و از مراجعه به حکومت ظالم یا گماشـتگان آنها اجتناب ورزنـد. البته اینکه مردم

۱- همان.

۲- همان.

۳- القواعد، ج ۲، ص ۱۸۸.

۴- الدروس، ج ۲، ص ۴۷.

در حکومت چه جایگاهی دارند و به غیر از نقش حمایتی، چه حقوقی دارند و حکومت تا چه میزانی موظف به پاسخ گویی است، نکته ای است که در بحث موارد عزل حاکم به آن اشاره شد. در واقع، شهید اول می خواهد چنین مطرح کند که حتی امام معصوم که با علم خویش می تواند فرد اکمل را بشناسد و او را به حکومت بگمارد، اگر مردم خواهان وی نباشند و به فرد دیگری که از نظر کمال از نظر امام در سطحی پایین تر از حاکم موجود است، ولی حد نصاب شایستگی های یک حاکم را داراست، ابراز رضایت کنند، امام موظف است حاکم موجود را عزل کند و فرد دیگری را که مقبول عموم مردم است منصوب کند. در واقع، رأی مردم باید دارای چنین جایگاهی در نزد امام معصوم باشد. بدیهی است که رهبران سیاسی دیگر (نایبان عام امام) در عصر غیبت، باید از امام خویش پیروی کنند و انتخاب مردم را ارج نهند.

یازده _ مشارکت یا واگذاری مسئولیت ها

شهید اول در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، همانند دیگر فقها _ که تا پیش از مرحله عمل (جرح و قتل) آن را به عهده مردم می نهادند _ عمل کرده و در مرحله عملی حدود و تعزیرات را بر عهده حکومت دانسته است. آن گاه شهید، فرض دیگری را مطرح می کند که هرگاه به هنگام اجرای امر به معروف و نهی از منکر، اضطراری به جرح یا قتل پیدا شد، فرد می تواند بدون اذن حاکم اقدام کند؛ چون اگر بخواهد منتظر اذن حاکم شود، امر واجب ضایع می گردد.(۱)

۱- غایه المراد، ج ۱، ص ۵۰۹.

مسئله واگذاری اختیارات، زمانی است که حکومت از اعمال قدرت ناتوان باشد و به هر دلیلی، مانند نبود حاکم یا مشکل اعمال قدرت، نتواند به مسئولیت خود عمل کند. در این صورت، مردم می توانند در مورد آن اقدام کنند.

شهیداول،در امر نظارت و حسن اجرای وصیت که حاکم عهده دار آن است می گوید:

در صورت غیرمقدور بودن نظارت بر حاکم، برخی از مؤمنان عادل این ولایت نظارتی را بر عهده می گیرند.(۱)

دوازده _ حکومت ناشایست

بر اساس معیارهایی که برای حکومت شایسته مطرح شد، هرگاه حکومتی آن ویژگی ها، به ویژه اجازه عام یا خاص از امام معصوم را برای ولایت و سرپرستی جامعه نداشته باشد، حکومت ناشایست به شمار می آید. در این صورت، وظیفه اولیه هر فرد مسلمان، پرهیز از فرمان برداری از چنین حکومتی است و باید تا جایی که می تواند فقیه جامع الشرایط را در عصر غیبت یاری کند و مانع چیرگی سلطان حاکم بر او شود. شهید اول، مقدم داشتن حاکمان جور بر امام معصوم را از بدعت های مردم می داند و بر غصب مناصب امامان به دست سلطان های جائر تاکید کرده است. نیز مردمی را که چنین عملکردی داشته اند، در زمره بدعت گذاران دانسته است.(۲)

۱- اللمعه الدمشقیه، ص ۱۸۱.

۲- القواعد، ج ۲، ص ۱۴۴.

وی برخورد آحاد مردم با حکومت را به دو شکل تفسیر می کند: شکل اول، «مداهنه» است که در آن فرد، حاکم غیرمشروع را برای جلب منافع، یا تحصیل دوستی تعظیم و تکریم می کند؛ مانند اینکه به سبب ستم هایش، از وی تمجید می کند و آن عمل ظالمانه را به صورتی عادلانه تصویر می کند؛ این گونه رابطه با حکومت جور، حرام است.(۱) شکل دوم، «تقیه» است که نوعی سازگاری فرد با حکومت جور، برای پرهیز از مکر، حیله و توطئه بر ضد خویش است که شهید اول آن را مقبول می داند.(۲)

شهید اول در امر پرداخت وجوه شرعیه به حاکم جائر، همانند دیگر فقیهان شیعه، به حرمت آن فتوا داده است و جز در صورت تهدید جدی و اجبار، کسی را به این پرداخت مجاز نمی داند،(۳) ولی بهره برداری و خرید و فروش آنچه که حاکم به صورت مقاسمه و خراج از مردم می گیرد، جایز است.(۴)

سیزده ـ پذیرش ولایت از سوی حاکم جائر

ولایت و در اختیار گرفتن اداره بخشی از امور عمومی و حکومتی از سوی سلطان جائر، به خودی خود ناپسند است؛ مگر اینکه اجبار و اکراهی در کار باشد،(۵)

۱- همان، ص ۱۵۵.

۲- همان.

۳- همان، ص ۳۲۰.

۴- همان، ص ۱۶۹.

۵- همان، ص ۱۷۴.

ولی جنبه دیگری نیز برای پـذیرش ولایت از سوی جائر، به غیر از صورت اکراه وجود دارد و آن وقتی است که فرد بتوانـد در پرتو این ولایت، به برپایی امر به معروف و نهی از منکر اقـدام کنـد. (۱)البته این پـذیرش در مورد ولایت در قضاوت یا اجرای احکام انتظامی اسـلام، مشـروط بر این است که فرد دارای دانش دینی باشد و مجتهد به شمار آید و پذیرش این مناصب را نیز به نیابت از سوی امام عادل بداند.(۲)

۱- دروس، ج ۲، ص ۴۸.

۲- همان، ج ۳، ص ۱۷۴.

فصل دوم: دوره ظهور مبانی نظریه های سیاسی

۱. ویژگی های این دوره

این مرحله، از قرن دهم ه . ق آغاز و تا میانه قرن سیزدهم هجری ادامه می یابد. عالمان بزرگی مانند: محقق کرکی، شیخ جعفر کاشف الغطا و پسرانش، ملا احمد نراقی، میر فتاح حسینی مراغی، شیخ محمد حسن نجفی، شیخ مرتضی انصاری، سید محمد آل بحرالعلوم و دیگران در این دوره ظهور کردند.

در قرن دهم، محقق کرکی (۸۷۰ تا ۹۴۰ ه . ق) نیابت فقیه از امام را هسته اولیه در نظریه سیاسی اسلامی می داند. ایشان در رساله ای در باب نماز جمعه نوشت:

اصحاب ما اتفاق نظر دارند بر اینکه فقیه عادل، امامی جامع الشرایط فتوا که از او به مجتهد در احکام شرعی تعبیر می شود، نایب است از طرف ائمه هدی علیهم السلام در زمان غیبت،در همه آنچه که نیابت از امام در آن دخالت دارد.(۱)

سخن ایشان، بیانگر این مطلب است که اصل این اندیشه، از نوآوری های وی نیست، بلکه در متون فقهی پیش از ایشان [چنانچه گذشت] مانند تذکره علامه و شرایع محقق هم موجود بوده و آنچه جدید است، تبلور ظهور و تبیین این اندیشه به عنوان هسته یک نظریه سیاسی به وسیله محقق کرکی است؛ به گونه ای که شاه طهماسب، به حق او در حاکمیت چنین اعتراف کرد: «تو نایب امام هستی و من تنها از کارگزاران

۱- محقق کرکی، رسائل، قم، انتشارات کتاب خانه آیت اللّه مرعشی، ۱۳۷۳، چ ۱، ج ۱، ص ۱۴۲.

توأم که اوامر و نواهی تو را به اجرا می گذارم».(۱)

محقق کرکی بر اساس همین اختیارات، شاه را در موقعیتش ابقا کرد تا زیر نظر مرجع دینی کشور را اداره کند. بدین ترتیب، نظریه سیاسی در مکتب اهل بیت علیهم السلام، در یک چارچوب صحیح و اصیل عملی شود؛ زیرا این اندیشه، در فضای پیروی حاکم از فقیه، زاده شد، نه در فضای تبعیت فقیه از حاکم؛ چنان که در مذاهب چهارگانه اهل سنت چنین بود.

در قرن سیزدهم، شیخ جعفر کاشف الغطا (م ۱۲۲۷ ه . ق) بر اندیشه نیابت فقیه از امام تأکید کرد. به همین دلیل، به فتحعلی شاه قاجار اجازه داد که جنگ آزادسازی شمال ایران را که روس ها اشغال کرده بودند، اداره و فرماندهی کند.(۲)

تحول نظری بسیار مهمی که در این مقطع پدید آمد، این بود که ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵ هـ . ق) کتابی به نام عوائد الایام نوشت که در آن عنوانی به نام «فی تحدید ولایه الحاکم» وجود داشت. ایشان در ذیل این عنوان، یادآور شد که در زمان غیبت امام عج الله تعالی فرجه الشریف همیشه صلاحیت ها و اختیاراتی به فقیه واگذار می شود. از اینجا بود که اندک اندک عنوان ولایت فقیه، توجه فقها را جلب کرد و فراتر از عنوان «نیابت از امام»، به عنوان یک نظریه سیاسی در فقه امامیه، مورد بحث، استدلال، نقد و بررسی قرار گرفت.

۱- محمد امین، اعیان شیعه، لبنان، دارالتعارف المطبوعات، ۱۴۰۹ ه . ق، چ ۱، ج ۸، ص ۲۰۹.

۲- همان، ج ۴، ص ۹۹.

۲. فقیهان و دانشمندان

الف) محقق کرکی (۸۷۰ _ ۹۴۰ه. ق)

اشاره

نورالدین علی بن عبدالعالی، مشهور به علی بن عبدالعالی، محقق ثانی(۱) و خاتم المجتهدین در حدود سال ۸۷۰ ه . ق در منطقه جبل عامل در کرک نوح زاده شد و در سال ۹۴۰ ه . ق درگذشت.(۲)

محقق، دوره اصلی تحصیلات خود را در کرک نوح گذراند. از مهم ترین استادان او پس از پدر، علی بن هلال جزائری (م ۹۲۸ ه . ق)، عالم بزرگ آن عصر بود که کرکی بسیار به او احترام می گذاشت.(۳) حوزه های شیعی جبل عامل در این زمان، تحت تأثیر مکتب فکری شهید اول بودند. از ویژگی های این مکتب فکری، شیوه اصلی اجتهادی و تأکید بر اختیارات فقیه در مقام نایب امام است. همچنین هم زیستی نه چندان مسالمت آمیز اهل سنت، عالمان شیعه این ناحیه را به فراگیری مذاهب فقهی و کلامی اهل سنت و حتی تدریس آنها وا می داشت.(۴) مجادلات کلامی شیعه و سنی در جبل عامل و تعصب های مذهبی حاکم بر این ناحیه به شدت عالمان شیعه را تحت فشار قرار داده بود و همچنین اندیشه های شهید اول بر کرکی تأثیر زیادی گذاشت. کرکی همانند بسیاری از عالمان شیعه این منطقه، برای فراگیری کتاب های اهل سنت به دمشق، مصر و مکه سفر

۱- در منابع فقهی شیعه از قرن دهم تا روزگار حاضر، او را محقق ثانی نامیده اند. نک: علوم سیاسی، ش ۱۳، ص ۸۲ .

۲- محمد باقر خوانساری، روضات الجنات، قم، مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۷۴، چ ۲، ج ۳، ص ۴۴۷.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۵، صص ۳۱ و ۷۱.

۴- البرت حورانی، مقاله «هجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران»، ترجمه: مرتضی اسعدی، کیهان فرهنگی، سال سوم، ش ۸، ص ۱۴.

کرد و سال ها نزد علمای اهل سنت تحصیل کرد و از چند تن از عالمان بزرگ آنها اجازه نقل حدیث گرفت.(۱) سرانجام پس از کسب اجازه نقل حدیث و اجتهاد از استاد بزرگ خود علی بن هلال جزائری در سال ۹۰۹ ه . ق به نجف آمد. در این زمان، وی مجتهدی بزرگ به شمار می آمد و به تدریج آوازه او در نجف پیچید. در این سال ها، فعالیت های شاه اسماعیل صفوی سیر تاریخی تشیع را تغییر داد. وی پس از سلطه مقتدرانه بر ایران، مذهب شیعه را، مذهب رسمی ایران اعلام کرده بود و به شدت بر آن پای می فشرد. تا اینکه در سفر فتح عراق در سال ۹۱۴ ه . ق بود که شاه اسماعیل، کرکی و عالمان دیگر را برای تبلیغ تشیع به ایران فراخواند.(۲) کرکی که خاطره تلخ مظلومیت ها و تلخ کامی های جامعه شیعی جبل عامل را با خود داشت، از این پیشامد استقبال کرد. در مورد این دعوت، دیدگاه های مختلفی بیان شده است. برخی برآنند که شاه با هدف تبلیغ مبانی مذهب شیعه و با توجه به محدودیت های علمی و شمار اندک عالمان شیعی ایران، علمای عرب تبار شام و عراق را فراخواند. برخی دیگر، آن را در راستای تلاش برای تقویت پایه های مشروعیت دولت صفوی تحلیل کرده اند. به هر حال، اگر قرار بود تشیع مذهب رسمی دولت صفوی باشد و در مسجدها و بر منبرها، تبلیغ و در مدرسه ها، تدریس شود و در نظام قضایی، اسلامی و اقتصادی جامعه مبنای عمل باشد، ناگزیر باید عالمانی برای تبلیغ این مذهب و فقیهانی برای تبیین

۱- بحارالانوار، ص ۴۷.

۲- همان، ص ۳۱.

احکام آن وجود می داشتند.(۱)

در این ایام، شمار این علما در ایران بسیار کم بود؛ به گونه ای که حتی یافتن کتاب های فقهی شیعه چندان آسان نبود.(۲) تحلیل دیگر نیز این دعوت را تلاش شاه اسماعیل برای کاهش قدرت قزلباشان ارزیابی کرده است. البته این موضوع در مورد شاه طهماسب به واقعیت نزدیک تر است. همچنین نباید از تسلط علمای عرب تبار بر مبانی فقهی و کلامی اهل سنت و مجادلات نظری آنها با اهل سنت غافل شد. بی گمان، این توانایی ها می توانست دولت صفوی را در رویارویی نظری با اهل سنت یاری دهد. به هر حال، کرکی وارد ایران شد و دعوت شاه را اجابت کرد. سید نعمت اللّه جزایری می گوید: «وقتی کرکی وارد قزوین، پایتخت آن روز صفویه شد، شاه خطاب به وی گفت که شما نایب امام و شایسته تر به حکومت هستید و من یکی از کارگزاران شمایم و امر و نهی های شما را اجرا می کنم. کرکی فرمان ها و دستورهایی را به کارگزاران در شهرهای ایران نوشت و در آن یادآور شد که آیین دادگری در میان مردم برقرار دارند و با مردم به خوبی سلوک کنند. همچنین طرز گرفتن مالیات، مقدار و مدت آن را برای آنان تعیین کرد. به ویژه دستور داد علمای مخالف را از کار برکنار سازند تا از ایجاد اختلاف و انحراف فکری و عقیدتی در میان شیعیان جلوگیری شود. نیز فرمان داد تا در هر شهر و دهکده ای امام

۱- هجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران، ص ۱۵.

۲- حسن بیک روملو، احسن التواریخ، تهران، چاپ سهند، ۱۳۶۰، چ ۱، ص ۸۶.

منصوب شود تا نماز جماعت به پای دارند و شرایع اسلام را به مردم بیاموزند.»(۱) جزایری می گوید: «من بعضی از این فرمان ها را دیده ام، شاه صفوی نیز در تأیید دستورهای محقق، نامه ای به کارگزاران خود نوشت تا اوامر او را امتثال نمایند و اطمینان داشته باشند که اوامر و نواهی کرکی به خواست سلطنت صادر شده است».(۲)

بیشترین فعالیت کرکی در این دوره، در زمینه امور دینی و مذهبی است. حسن بیک روملو، در احسن التواریخ می نویسد: «وی در جلوگیری از فحشا و منکر و ریشه کن کردن اعمال نامشروع، مانند شراب خواری، قمار بازی و ترویج فریضه های دینی و پاسداشت اوقات نماز جمعه و جماعات، بیان احکام نماز و روزه، تفقد از دانشمندان، رواج اذان در شهرهای ایران و قلع و قمع مفسدان و ستمگران، مراقبت های سختی به عمل آورد. به نظر وی، پس از خواجه نصیر، هیچ کس به اندازه محقق کرکی در اعتلای مذهب شیعه نکوشیده است».(۳)

البته این دوره حضور کرکی نیز چندان به درازا نکشید و او خسته از دشمنی های حاکم بر دربار صفوی در سال ۹۳۹ ه . ق به نجف بازگشت. شاه طهماسب که خود با تقاضای رفتن او موافقت کرده بود، دوباره درصدد برآمد تا او را بازگرداند و از تمام کرده های خود توبه کند. او شراب خواری را ترک کرد و با یک فرمان پرآب و تاب رسمی، او را به

۱- همان.

۲- روضات الجنات، ص ۲۵.

۳- هجرت علمای شیعه، ص ۳۴۹.

ایران فرا خواند و به او اختیارات فراوان داد. کرکی با این اختیارات می توانست نقطه عطفی در تاریخ ایران به وجود آورد، ولی تقدیر، تاریخ را به گونه ای دیگر رقم زد و او یک سال پس از این فرمان به دیار باقی شتافت. پدر شیخ بهایی، مرگ کرکی را ناشی از مسمومیت می داند و معتقد است گروهی از بزرگان دولت که از ورود کرکی به ایران زیان می دیدند، وی را مسموم کردند.(۱) آنچه از رفت و آمدهای کرکی به ایران آشکار می شود، این است که وی همیشه و به هر قیمتی حاضر به همکاری با سلطنت نبود و هر زمان خود را در محدودیت می دید، از دربار کناره گیری می کرد. گرچه در این هنگام نیز بنا به مصلحت تشیع، مخالفت آشکاری با دربار صفوی نداشت. نکته مهم در این زمینه این است که وی حتی پس از صدور فرمان دوم با آن همه اختیارات، چندان عجله ای برای رفتن به ایران نداشت و یک سال صبر کرد و شاید اگر زنده می ماند، هیچ گاه به ایران باز نمی گشت.(۲)

جایگاه علمی _ سیاسی محقق کرکی

اشاره

کرکی، افزودن برداشتن فعالیت های سیاسی، از فقهیان بزرگ شیعه به شمار می آید. به همین دلیل، پس از محقق حلی به محقق ثانی ملقب شده است. او بنیان گذار یک مکتب فقهی است که در دوره صفویه رواج یافت. مکتب فقهی او دو ویژگی دارد:

۱. او با قدرت علمی خویش، مبانی فقه را مستحکم کرد. ویژگی اصلی

۱- همان، ص ۳۳۴.

۲- همان، ص ۳۳۵.

فقه او استدلال های قوی در هر مبحث است. او هم دلایل و دیدگاه های مختلف را به دقت مطرح کرده و هم نظر خود را در هر مورد با استدلال های محکم اثبات کرده است.

۲. او به برخی مسائل که دگرگونی های سیاسی و اجتماعی در ایران ایجاد کرده بود، توجه خاص داشت؛ مسائلی مانند حدود و اختیارات فقیه، نماز جمعه، خراج و مقاسمه که پیش از آن به دلیل نبود نیاز، جایگاهی در فقه نداشتند. بیشتر فقیهان و مجتهدان شیعه پس از کرکی تا پایان دوره صفوی از فقه او تأثیر پذیرفتند. فاضل هندی، آقا حسین خوانساری، آقا جمال خوانساری، سلطان العلما، شیخ بهایی، حسین بن عبدالصمد پدر شیخ و میرداماد از شاگردان مکتب فقهی او به شمار می آیند.(۱)

از نظر سیاسی، او رواج دهنده نظریه ولایت فقیه در ایران است. این نظریه پس از او نیز در دوره صفوی رواج داشت و برخی از علما، بدان اشاره کرده اند؛ گرچه مدت ها طول کشید تا این نظریه گسترش یابد و به نظریه حکومتی تبدیل شود. همچنین سیره عملی محقق کرکی، در همکاری با دولت صفوی را بیشتر عالمان شیعه آن عصر پذیرفتند و با پشتیبانی از صفویه، هم بقای تشیع در ایران تضمین گردید و هم انحراف های فکری و مذهبی صوفیان صفوی اصلاح شد. ازاین رو، بخشی از فکر و فرهنگ امروزی، مدیون عالمانی چون کرکی است که با واقع بینی، اجتهاد و زمان شناسی، اهداف خود را پی گیری کردند.

۱- همان، ص ۵۵.

دیدگاه های سیاسی کرکی

۱. حکومت آرمانی (امامت)

اندیشه سیاسی شیعه همواره تحت تأثیر نظریه امامت بوده است؛ یعنی عصر حضور، در عمل بر ذهن و فکر اندیشمندان شیعی، در عصر غیبت سایه انداخته است. بحث هایی که فقیهان و متکلمان شیعی در جدال با اهل سنت در مسئله امامت داشته اند، بسیاری از پس زمینه های اندیشه سیاسی آنان را روشن می کند؛ گرچه در این میان نباید تفاوت های دوره حضور و غیبت را نادیده گرفت. به هر حال، امامت، زمینه فکری و سابقه ذهنی مطرحی در نزد متفکران شیعی بوده است. ازاین رو، به نظر می رسد طرح مبحث امامت در مقدمه، برای فهم اندیشه سیاسی شیعه، ضروری است. افزون بر این، بحث های کرکی درباره امامت، دربردارنده نکته های مهمی از مبانی اندیشه سیاسی او در عصر غیبت است.

به نظر محقق کرکی، منصب امامت، همانند منصب نبوت عظیم است. (۱)ازاین رو، کسانی باید عهده دار آن باشند که شرع را بشناسند و شایستگی احراز این مقام را داشته باشند. به نظر وی، اهل سنت، آنچنان این مقام را خوار و کوچک شمردند که فاسقان و شراب خواران بنی امیه نیز مدعی آن شدند و بر اهل بیت پیامبر جفا کردند.(۲)وی به اهل سنت اعتراض می کند که چرا هدف امامت را حفظ نظام دنیایی مردم دانسته و آن را به رأی مردم وابسته کرده اند؛ به گونه ای که حتی فاسق هم می تواند عهده دار امر مهم

۱- محقق کرکی، نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت، به کوشش: محمدهادی امینی، . ۴۹ و ۶۹ ، تهران، مکتبه نینوا، ۱۳۷۵ ، چ ۱، صص ۴۷

۲- همان، صص ۴۰ و ۷۰

امامت شود. به نظر اهل سنت، اگر گروهی از بزرگان با شخصی بیعت کنند، امام خواهد شد و در صورت تسلط نیز، حتی اگر مغلوب، امام عادل و غالب، بدترین مردم باشد، امام عادل عزل و فاسق عهده دار امامت می شود. کرکی پس از بیان مبانی مشروعیت سیاسی از دید اهل سنت، از نگاه دنیوی آنها به مسئله امامت خرده می گیرد که اگر امامت دنیوی است، چگونه می توان اختیارات پیامبر را به خلیفه نیز داد. به نظر وی، در صورت دنیوی بودن امامت و رهبری، اختیاراتی مانند پشتیبانی از اصول اسلام، حفظ شرع، عزل و نصب حاکمان، قضاوت، جهاد با کفار و بغات و اقامه امر به معروف و نهی از منکر را که همه از توابع منصب نبوت هستند، نمی توان به خلیفه واگذار کرد؛ در حالی که اهل سنت چنین کرده اند.(۱)

کرکی به اهل سنت اعتراض می کند که چگونه برای قاضی که دارای منصب خاصی است، علم و عدالت را شرط می دانند، ولی برای جانشینی پیامبر، فسق، فجور و جهل را تجویز می کنند.(۲) کرکی در مجموعه این بحث ها، به عصر حضور نگاه دارد، ولی عمومیتی که در کلام وی به چشم می خورد را می توان به عصر غیبت نیز تعمیم داد. به هر حال، اساس اندیشه کرکی از همین جا گذاشته می شود. اعتقاد به مبنای نص و نصب در مشروعیت رهبری جامعه و شایستگی فردی رهبری با صفات خاص و جدا نبودن دین از سیاست، از نکته های جالب توجه در اندیشه وی است.

۱- همان، صص ۷۴ و ۷۵.

۲- رسائل، ص ۹۱.

۲. ولایت فقیه، حکومت مطلوب کرکی در عصر غیبت

اشاره

محقق کرکی، گویا نخستین کسی است که در حوزه اندیشه سیاسی، نظریه ولایت فقیه را به طور گسترده مطرح کرد. شاید بتوان این نظریه را بزرگ ترین میراث وی دانست؛ هر چند پیش از وی در میان فقیهان شیعه، مانند: ابی الصلاح حلبی، شهید اول اشاره ها و گاه تصریح هایی به این بحث به چشم می خورد.

کرکی در چند اثر خود درباره نظریه ولایت فقیه سخن گفته است. در جامع المقاصد، در بحث نماز جمعه، نخست با برشمردن شرایط نماز جمعه که از آن شرایط، حضور سلطان عادل (امام معصوم) یا نایب اوست، حکم اقامه آن را در عصر غیبت بررسی می کند و با بیان اقوال سیدمرتضی، سلار و ابن ادریس که مخالف اقامه نماز جمعه در عصر غیبت هستند، دلایل آنها را رد می کند. وی بر این باور است که چون فقیه جامع الشرایط از سوی امام منصوب شده است، می تواند نماز جمعه را اقامه کند.(۱) همچنین چون فقیه از سوی امام برگزیده شده است، احکام او را باید پذیرفت و در اقامه حدود و قضاوت بین مردم یاری اش کرد. وی می نویسد:

نمی توان گفت فقیه فقط برای قضاوت و فتوا از طرف امام منصوب شده است و نماز جمعه شامل این اختیارات نمی شود؛ چرا که فقیه را ائمه به عنوان حاکم به نحو کلی منصوب کرده اند.(۲)

کرکی با اثبات جواز اقامه نماز جمعه که امری سیاسی به شمار می آید، برای فقیه اختیاراتی بیش از فتوا و قضاوت قایل است و نیز به نصب فقیه

۱- همان، ص ۴۷.

۲- همان، ص ۳۷۵

از جانب امام به حکومت تصریح می کند. کرکی در رساله نماز جمعه نیز نظریه ولایت فقیه را طرح کرده است:

اصحاب ما اتفاق نظر دارند که فقیه عادل، امامی جامع شرایط فتوا که از او در احکام شرعیه به مجتهد تعبیر می شود، در حال غیبت در همه آنچه نیابت در آن دخیل است، نائب ائمه علیهم السلام می باشد، چه بسا اصحاب، قتل و حدود را مطلقا استثناء کرده اند، (ولی) دادخواهی نزد ایشان بردن و اطاعت حکمشان واجب است. او حق دارد مال فردی را که از ادای حق امتناع کند، در مواردی که به آن نیاز است به فروش برساند. او بر اموال غایبان، کودکان، سفیهان و ورشکستگان ولایت دارد و می تواند در اموال ممنوعان از تصرف، تصرف کند و تمام اختیارات دیگری را که برای حاکم منصوب از جانب امام اثبات می شود [دارد].

اصل در این مسئله روایت عمر بن حنظله است که شیخ طوسی در تهذیب آن را با اسناد نقل کرده است... . مقصود از این حدیث در اینجا این است که فقیه موصوف به اوصاف معین، از جانب ائمه منصوب شده است و در همه آنچه که نیابت در آن راه دارد، نایب او محسوب می شود و به مقتضای قول امام صادق علیه السلام که فرمود: من او را بر شما حاکم قرار دادم، این نیابت کلی است.(۱)

روایتی که کرکی از آن برای بحث ولایت فقیه استفاده می کند، روایتی است که معمولاً فقیهان پس از وی نیز مستند اصلی ولایت فقیه قرار داده اند. پیش از کرکی، برخی فقیهان، این روایت را به قضاوت و رجوع به قاضیان عادل شیعی مربوط می کردند. کرکی در جای دیگری از همین

۱- جامع المقاصد، ج ۴، ص ۴۵.

رساله، به نصب فقیه از سوی امام اشاره می کند.(۱) با این حال، با وجود تأکید بر نصب کلی فقیه از سوی امام، کرکی در مناصب و اختیاراتی که برای فقیه برمی شمارد، بر مناصب شرعی تأکید می کند(۲) و با بیان منصب ها و اختیاراتی مانند فتوا، قضاوت و سرپرستی مهجوران، از ذکر اختیارات سیاسی فقیه خودداری می ورزد. این نکته در تمام مواردی که کرکی درباره ولایت فقیه بحث کرده، دیده می شود و شاید دلیل آن این باشد که بیشتر این رساله ها و آثار برای دولت صفوی نگاشته می شدند و تصریح اختیارات سیاسی فقیه می توانست در آن مقطع بر روابط مطلوب شاه صفوی با عالمان، تأثیر منفی بگذارد.

شرایط فقیه

کرکی در پایان رساله نماز جمعه، شرایط زیر را برای فقیه نایب امام در عصر غیبت برمی شمارد:

ایمان، عدالت، علم به کتاب و سنت، علم به اجماع، علم به قواعد کلامی که فقه و اصول ادامه آن به شمار می آیند، علم به منطق و استدلال، آشنایی با لغت و صرف و نحو، علم به ناسخ و منسوخ و به طور کلی اصول لفظی و همچنین دارا بودن حافظه و استعداد.(۳)

اختیارات فقیه

کرکی با وجود اینکه نیابت فقیه از سوی امام را عام می داند، در برشمردن اختیارات فقیه به اختیارات سیاسی اشاره ای نمی کند.

۱- الرسائل، ص ۷۹.

۲- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، چ ۱، ص ۱۰.

۳- همان، ص ۱۶۸

در رساله نماز جمعه، این مسئله را که فقیه می تواند حدود را اجرا کند و قضاوت در میان مردم را به عهده بگیرد، دلیل بر نیابت عام فقیه در جمیع مناصب شرعیه می داند. (۱)قرینه های دیگری نیز بر منصب ها و اختیارات سیاسی فقیه در آثار کرکی وجود دارد که از آن جمله است: تأکید بر نیابت عام فقها، اطلاق سلطان عادل به امام و نایب او،(۲) تعبیر از او به امیر.(۳) وی اختیارات قضاوت، امر به معروف و نهی از منکر، دریافت و تقسیم خمس، زکات و خراج و افتا که جنبه های سیاسی دارند را نیز برای فقیه برشمرده است.

مسئله مشروعیت دولت صفوی

در عصر حضور، تنها حکومت معصومین مشروعیت دارد و دیگر حاکمان و حکومت ها ستمگر و نامشروع به شمار می آیند، ولی در عصر غیبت، هر چند به لحاظ سلبی بحث های متعددی در ابواب فقه داریم که در بردارنده ضمنی اصل مشروعیت نداشتن حکومت های موجود است، مانند بحث جواز و عدم جواز همکاری با سلاطین جور یا جواز پذیرش هدایای سلاطین. از جنبه اثباتی به نظر می رسد تا پیش از دوره معاصر، گرایش عمومی به یافتن مبانی مشروعیت از طریق نص و روایات برای ولایت سیاسی است.(۴)

بعضی از فقها از روایات، نیابت عام فقیهان از سوی ائمه را برداشت می کردند و انتقال تمام یا بخشی از اختیارات امام به فقیهان را نتیجه

۱- همان، ص ۱۶۱.

۲- جامع المقاصد، ج ۲، صص ۳۷۱ و ۳۷۵

۳- محقق کرکی، حاشیه شرایع، نسخه خطی، ش ۶۵۸۴، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی، ص ۵۷.

۴- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰.

می گرفتند و این اختیارات را به حوزه سیاست و سرپرستی اجتماعی تعمیم می دادند. بر این مبنا، سرپرستی جامعه در حوزه اختیارات فقیهان است و حکومت هایی مشروعند که تحت نظر مستقیم یا غیرمستقیم فقها باشند. کرکی از فقیهانی است که حکومت مشروع را تنها، حکومت ائمه یا نایبان عام آنها (فقها) می دانند. بر این اساس، تمامی حکومت های آن روز از جمله صفویان، از نظر او نامشروع به شمار می آمدند. کرکی مفهوم سلطان عادل را که در آثار فقیهان به کار می رود، به همان معنای رایج فقهی، امام معصوم یا نایب او می داند.(۱)

در تفسیر روایتی که در آن واژه «امیر» به کار رفته، یادآور می شود که منظور از امیر، کسی است که امارت او شرعی باشد و از سوی امام منصوب شده باشد. (۲)وی در بحث جهاد، حضور امام یا نایب او را شرط می داند.(۳)

در مورد صفویان، کرکی، با اینکه هیچ گاه درصدد توجیه مشروعیت آنها برنمی آید، چندین بار به تصریح یا اشاره، آنها را در زمره حکومت های جائر قرار می دهد. مخالفان کرکی، به ویژه، شیخ ابراهیم قطیفی، عالم مشهور معاصر وی، به پذیرش هدایا و عطایای شاهان صفوی از سوی کرکی ایراد گرفتند و دلیل آن را جائر بودن حکومت صفویه برمی شمردند. کرکی برای توجیه کار خود در این مورد هیچ گاه درصدد اثبات مشروعیت دولت

۱- جامع المقاصد، صص ۳۷۱، ۳۷۹ و ۴۸۶.

۲- حاشیه رسائل، ص ۵۷.

۳- همان، ص ۱۴۹.

صفوی بر نمی آیـد، بلکه با پذیرش جائر بودن دولت صـفویان، در صدد اثبات این است که پذیرش هدایا و عطایا از سـلاطین جور به کلی جایز است. حتی او صفویان را با معاویه مقایسه می کند تا جواز دریافت هدایای آنها را ثابت کند.(۱)

در حالی که در صورت پـذیرش مشـروعیت صـفویان، اساسا بحث جواز یا عـدم جواز پـذیرش هـدایا و یا جواز همکاری پیش نمی آیـد. بنـابراین، به نظر وی هیـچ حکومتی بـدون نظـارت مسـتقیم فقهـا، در مقـام نایبـان عام امام، مشـروعیت نـدارد. مبنای مشـروعیت نیز نصب از طریق ائمه است که با روایات (نص) اثبات می شود. به همین دلیل، کرکی همچون بیشتر عالمان عصـر صفوی، هیـچ گـاه درصـدد یافتن راهی برای مشـروع جلوه دادن دولت صـفوی بر اساس فقه شـیعه برنیامـد. در عین حال، باید تـوجه کرد محقـق کرکی بـا توجه به شـرایط زمـان، برای طرد و اثبـات صـفویان نیز نمی کوشـید و در بسـیاری از موارد بـا بی تفاوتی از کنار آن می گذشت؛ روشی که به نظر می رسد بیشتر عالمان عصر صفوی نیز در پیش می گرفتند.

مسئله خراج

بـا توجه به اعتقـاد به جائر بودن حکومت ها، مسـئله پرداخت خراج و بهره گیری شـیعیان از آن، از مسائلی است که به ویژه در دوره صـفویه درباره آن بحث بسـیاری صورت گرفته است. شـماری از فقیهان، رأی به تحریم در هر دو مورد دادند و شـماری دیگر هم حلیت را پذیرفتند. محقق

۱- رسائل، رساله خراجیه، ص ۳۷.

کرکی در سال ۹۱۶ ه . ق، رساله ای به نام «قاطعه اللجاج فی تحقیق حل الخراج» در دفاع از جواز پرداخت خراج به جائر و جواز بهره گیری شیعیان از آن نگاشت. این رساله بیانگر آن است که این بحث در آن زمان بسیار مطرح بوده است. کرکی در مقدمه رساله اشاره می کند که به دلایلی به اقامت در عراق مجبور شده و در آنجا از هدایا و مستمری شاه اسماعیل صفوی استفاده می کند و این مسئله مخالفت هایی را برانگیخته است.(۱)

باید دانست که شاه اسماعیل، سالیانه هفتاد هزار دینار برای کرکی معین کرده بود. بعدها شاه طهماسب نیز درآمد یک قریه را برای وی مقرر کرد؛ همین مسئله، مخالفت برخی از علما را برانگیخت. به نظر وی ائمه اجازه داده اند که شیعیان، در عصر غیبت، از درآمد خراج استفاده و از سلاطین جور هدایا و عطایایی را که ناشی از خراج است دریافت کنند.(۲)

کرکی به شیوه عالمان سلف اشاره می کند؛ برای نمونه، سید مرتضی و سید بن طاووس از این هدایا بهره مند بوده اند.(۳) به نظر کرکی به تصریح اصحاب، آنچه دولت جائر از زمین هایی که خراج به آنها تعلق می گیرد، به اسم خراج یا انواع دیگر مالیات می گیرد، حلال است.(۴) مبنای استدلال کرکی این است که خراج، حقی شرعی است که بر عهده زارع گذاشته شده و پس از تعلق گرفتن به شخصی، در حقیقت از ملکیت او خارج

۱- همان، ص ۵۵.

۲- همان، ص ۸۵.

۳- همان، ص ۸۹.

۴- همان، صص ۷۴ و ۷۵.

می شود و بایـد آن را بپردازد تا در مواردی که شـرع معین کرده، به مصـرف برسـد. از این موارد می توان، حفظ مرزها، هزینه رزمنـدگان و حقوق قضات، کارمنـدان و والیان را نام برد. به نظر کرکی خراج بایـد به طور کلی در مصالح عمومی مسـلمانان هزینه شود. و به لحـاظ اینکه مورد مصـرف خراج در عصـر غیبت نیز وجود دارد و مسـتحقان آن موجودنـد، نمی توان به بهانه غیبت امام آن را تحریم کرد.(۱)

همچنین وی بر آن است، پرداخت خراج حتی به دولت جـائر نیز واجب است و از اسـتاد خود علی بن هلال جزائری نقـل می کند که او جایز نمی دانست کسی که خراج به عهده اوست، از پرداخت آن خودداری کند؛ زیرا خراج حقی است که بر عهده او ثابت است و بایـد بپردازد و با پرداخت آن به دولت جائر، بری الذمه می شود.(۲) وی در حاشیه بر ارشاد می گوید: «زکات را بعـد از جـدا کردن مالیات حکومت و پرداخت آن باید مطالبه کرد.»(۳) به طور کلی، کرکی پرداخت خراج را یـک واجب شرعی می دانـد که به شخصـیت حقوقی دولت که عهـده دار مصالـح عـامه مسـلمانان است، تعلق می گیرد. دولت جـائر نیز با وجود جائر بودنش، به دلیل تأمین مصالح مسلمانان، از این قاعده مستثنا نیست و باید مالیات را به آن پرداخت. وی حتی اجازه حاکم جور را در مسئله خراج شرط می داند؛ هر چند در جایی می گوید در صورت امکان می توان امر خراج را بر عهده

۱- رسائل، ص ۹۱.

۲- همان، ص ۴۷.

۳- همان، ص ۷۴.

فقیه گذاشت.(۱) در یکی دیگر از آثار خود نیز استفاده و دریافت خراج را برای جائر حرام می داند.(۲)

۲۴. جامع المقاصد، صص ۳۷۱، ۳۷۹ و ۴۸۶.

۲۵. حاشیه رسائل، ص ۵۷.

۲۶. همان، ص ۱۴۹.

۲۷. رسائل، رساله خراجیه، ص ۳۷.

۲۸. همان، ص ۱۶۱.

۲۹. جامع المقاصد، ج ۲، صص ۳۷۱ و ۳۷۵.

۳۰. محقق کرکی، حاشیه شرایع، نسخه خطی، ش ۶۵۸۴، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی، ص ۵۷.

۳۱. همان، ص ۱۶۸.

۳۲. محقق کرکی، جامع المقاصد، قم، آل البیت، ۱۴۰۸ ه . ق، چ ۱، ج ۲، ص ۳۷۱.

۳۳. همان، ص ۳۷۵.

۳۴. الرسائل، ص ۱۴۲.

۳۵. همان، ص ۱۴۳.

۳۶. همان، ص ۱۶۱.

۳۷. محقق کرکی، نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت، به کوشش: محمدهادی امینی، تهران، مکتبه نینوا، ۱۳۷۵، چ ۱، صص ۴۷، ۴۹ و ۶۹.

۳۸. همان، صص ۴۰ و ۷۰.

۳۹. همان، ص ۶۸.

۴۰. همان، ص ۷۰.

۴۱. حسن مدرسی طباطبایی، زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ج۲، ص ۷۲.

ب) شهید ثانی۱ (۹۱۱ _ ۹۶۶ ه. ق)

اشاره

ب) شهید ثانی(۳) (۹۱۱ _ ۹۶۶ ه. ق)

شهید ثانی در روز ۱۳ شوال سال ۹۱۱ ه . ق در دهکده «جبع» جبل عامل، دیده به جهان گشود. شهید ثانی و شهید اول از مردم جبل عامل واقع در جنوب لبنان و از نوابغ و مفاخر مجتهدان شیعه بوده اند. هر دو به جامعیت در علوم اسلامی مشهورند و هر دو نیز به جرم تشیع در راه دین به شهادت رسیده اند.(۴) شهید به اندازه ای در علوم مختلف جامعیت داشت که پیشوای همه فرقه های اسلامی شناخته می شد و به مسائل هر فرقه، بر پایه فقه آن فرقه پاسخ می داد. سرانجام مورد کینه دشمنان قرار گرفت و پیش پادشاه روم (عثمانی) از او بدگویی کردند و او را در بازگشت از حج دستگیر کردند تا پیش پادشاه عثمانی ببرند، ولی در مسیر راه با تحریک عده ای، آن عالم عالی مقام را به شهادت رساندند».(۵)

برخی از آثار ایشان عبارتند از: الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه؛ روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان؛ مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام؛ تمهید القواعد؛

۱- جامع المقاصد، ج ۴، ص ۴۵.

۲- الرسائل، ص ۷۹.

۳- برای تفصیل بیشتر نک: سیدمحمدرضاموسویان، اندیشه سیاسی شهیدثانی، پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، چ ۱.

۴- مفاخر اسلام، ج ۴، ص ۴۵۴.

۵- علی صادقی، شهید ثانی، مشعل شریعت، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۹۸.

حاشیه الارشاد؛ حاشیه علی الشرایع؛ منیه المرید؛ مسکن الفؤاد.(۱)

دیدگاه های سیاسی شهید ثانی

اشاره

شهید ثانی در مورد برخی از موضوع های سیاسی، مانند احکام انتظامی اسلام، حکومت و رهبری و... نظری همانند شهید اول و محقق حلی دارد.

۱. نقش فقیهان در زمان غیبت در مورد اقامه حدود

«در زمان غیبت امام علیه السلام، اقامه حدود بر فقیهان مشروع است، مگر آنکه از زیان این عمل در امان نباشند؛ همچنان که حکومت و قضاوتشان در نزد مردم جایز است؛ به شرط آنکه دارای صفات مفتی (فتوا دهنده) باشند. این صفات عبارتند از: ایمان (شیعه بودن)؛ عدالت؛ علم (اجتهاد).

البته شهید در مسئله قضاوت، اجتهاد مطلق را لازم نمی داند، بلکه تجزّی در اجتهاد را نیز مجاز می داند؛ یعنی شخصی در بعضی احکام صاحب نظر و در پاره ای مقلّد باشد».(۲)

۲. نقش فقیهان در حل منازعات

ایشان در شرح مطالب شهید اول می نویسد: بر مردم واجب است که در حل مرافعات خود به فقها رجوع کنند. بنابراین، کسی که با حکم ایشان مخالفت کند عاصی و فاسق است؛ چون رد کردن گفتار فقیهان را به منزله رد کردن کلام پیامبر و امام می داند و آن را در حد کفر می شمارد.

از کلام شهید ثانی چنین بر می آید که قضاوت و اجرای حدود در زمان غیبت تنها باید از سوی مجتهد انجام گیرد و غیر از او، کسی صلاحیت

۱- سید محمد کلانتر، شرح اللمعه الدمشقیه شهید ثانی شرح لمعه ده جلدی، بیروت، دارالعلم الاسلامی،ج ۱، مقدمه، ص ۱۷۴.

۲- همان.

قضاوت را ندارد.(۱)

ج) وحید بهبهانی (۱۱۱۷ _ ۱۲۰۵ ه. ق)

اشاره

ج) وحید بهبهانی (۱۱۱۷ _ ۱۲۰۵ ه. ق)

محمـد بـاقر بن محمـد اکمـل، معروف به «وحیـد بهبهانی» از فقیهان بزرگ شـیعه در سـده دوازدهم هجری است. وی در سال ۱۱۱۷ ه . ق در اصـفهان به دنیا آمد(۲) و در سال ۱۱۳۵ ه . ق، پس از تهاجم افغان ها و سـقوط اصفهان، به بهبهان و سپس به نجف هجرت کرد و سـرانجام در کربلاـ مقیم شـد. در زمان زنـدگانی او، اوضاع سیاسـی ایران بسـیار آشـفته بود و جنگ ها و درگیری ها بین خان ها و ایلات تـداوم داشت. او شاهـد حکومت آخرین شاه صـفویه، افغان ها، افشاریه، زنـدیه و پیروزی آغا محمـدخان قاجـار بـود. علاـمه بهبهـانی از سیاست کنـاره می گرفت؛ به گونه ای که در طول حیـاتش هیـچ گونه همکـاری با پادشاهـان زمـان خود نـداشت؛ در حـالی که شاهـان به دلیل شـهرت و جایگاه علمی وحیـد می کوشیدند با او مراوده کننـد و هدایای گران بهایی برای او می فرستادند ولی نمی پذیرفت.(۳) البته نداشتن رابطه حسنه او با شاهانی چون نادرشاه را می توان توجیه کرد، ولی بی توجهی به شاهان زندیه که به دین داری و عدالت شـهرت داشتند، جای تأمل دارد. از نکته های جالب در زندگی او این است که در آثار علمی اش هرگز درباره شاهان معاصـر اظهارنظر نکرده و آنها را مدح یا ذم نگفته است. علامه وحید، در دوران اقامت در کربلا، نماز جمعه اقامه می کرد. او

۱- همان، صص ۴۱۷ و ۴۱۸.

۲- فصل نامه علوم سیاسـی: ش ۲۱، ص ۷۵ به نقل از: عبدالرحیم عقیقی بخشایشـی، فقهای نامدار شـیعه، قم، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۲۷۱.

۳- علی دوانی، وحید بهبهانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۴۲.

زنـدگی بسـیار زاهـدانه، بی آلایش و ساده ای برای خود برگزیده بود.(۱) بایـد گفت که هر چنـد بهبهانی خود وارد سیاسـت نشـد، با احیای علم اصول و تربیت شاگردان اصولی که عقل را در اسـتنباط احکام دخالت می دادنـد، راه طرح مسائل سیاسـی در حوزه های شـیعه، به ویژه نجف را گشود و فقیهان و عالمان اصولی، طلایه داران تحولات سیاسـی ـ اجتماعی ایران و حتی عراق شدند. در زمانی که اصولی ها در انزوای شدید علمی قرار داشـتند و شـیوه اخباری در حوزه های شیعی در ایران و عراق سیطره کامل داشت، وحید حوزه کربلا، مرکز اخباریان و محل اقامت رئیس آنان، شیخ یوسف بحرانی، صاحب حدائق را برای مبارزه با اخباریان برگزید. او با تلاش های علمی و اسـتدلال های محکم عقلی و نقلی به سـیطره یک صد ساله مکتب اخباری بر حوزه های شیعه پایان داد. علامه بهبهانی پس از نود سال زندگی و تربیت ده ها شاگرد در سال ۱۲۰۵ ه . ق در کربلا چشم از جهان فروبست.(۲)

دیدگاه های سیاسی وحید بهبهانی

اشاره

از نگاه وحید بهبهانی، رابطه دین و سیاست، یک رابطه ماهوی و تفکیک ناپذیر است. تجلی کامل این پیوستگی و هم بستگی در نظریه امامت شـیعی و نیز احکام فقه سیاسـی آشـکارا مشهـود است. وی نیاز به حکومت و قوانین مدنی را برای تدبیر جامعه سیاسی، ویژه زمان خاص و

۱- احمد کرمانشاهی، مرأت الاحوال جهان نما، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵، چ ۲، ص ۱۲۷.

۲- مرأت الاحوال، ص ۱۳۲.

مکـان معینی نمی دانـد و همه زمان ها و مکان ها و احوال مردمان را در نیاز فطری به نظم، قانون، مجری قانون و برقرار کننـده نظم، یکسان می بیند.(۱)

به بـاور وی، در عمل به قوانین و حقوق سیاسـی اسـلام هیـچ گونه تفاوتی بین زمان حضور و غیبت امام معصوم نیست و غیبت معصوم نه تنها به معنای تعطیل شدن احکام حکومتی اسـلام نیست، بلکه خلأ حضور معصوم با معرفی فقیهان جامع الشـرایط به نیـابت عـام امـام غایب عـج الله تعالی فرجه الشـریف ، جبران شـده است. به بیان دیگر، همان طور که فقهای شـیعه در اسـتنباط احکـام فقه عمـومی، بسته بـودن بـاب اجتهـاد را نمی پذیرنـد، در احکـام فقه سیاسـی نیز از این شـیوه علمی پیروی می کننـد. بنابراین، شـیعیان از لحاظ نظری در تعیین نوع حکومت و شـیوه انتخاب و تعیین رهبر سیاسی و شرایط و وظایف حاکم اسلامی در بن بست فکری قرار ندارند و از لحاظ عملی نیز در شـیوه برخورد با حاکمان سیاسی در عصر غیبت که به جز حکومت فقیه جـامع الشـرایط، حاکمان جور به شـمار می آینـد، راه کارهایی برای تعامل با ایشان در قالب قواعـد و قوانین فقهی تعیین شـده است که نظر وحید بهبهانی در این زمینه، همانند دیگر فقهاست که نیازی به تکرار آن نیست.

۱. شرایط حاکم اسلامی

وحید بهبهانی از میان شـرایط معتبر برای حاکم اسـلامی، بر سه شـرط اساسی تأکید می کند. این شرایط عبارت اند از: اعلمیت حاکم، عدالت،(۲)

۱- حاشیه مجمع الفائده و البرهان، ص ۵۶۰.

۲- همان.

ایمان.(۱)

۲. همکاری با حاکم جائر

یکی از فتاوای وحید بهبهانی که می تواند اصل فقهی عامی در تبیین همکاری با حاکم جائر به شمار آید، «حرمت اعانه بر اثم»(۲) و «حرمت اعانت ظالم»(۳) است. این قواعد، بی گمان در اقدام فردی محدود نمی شود، بلکه می توان گستره اجتماعی برای آن در نظر گرفت که در این صورت، بر حرمت هر نوع همکاری با ظالمان می توان تأکید کرد.

۳. تقیه (جامعه پذیری سیاسی در حکومت جور)

«تقیه» یکی از اصول و احکام قطعی فقه سیاسی در عصر حاکمیت حاکمان جور، در عصر حضور و غیبت امام معصوم است. بر اساس این اصل کاربردی فقهی و سیاسی، ترک و ارتکاب تمام واجبات و محرمات شریعت در شرایط اضطراری جایز می شود؛ از احکام جزئی فرعی مانند شرب خمر گرفته تا نفی و انکار اصول دین، مانند اصل نبوت و رسالت پیامبر، تعامل با حاکم جائر و پذیرفتن احکام قضایی و مالی او، مشمول قانون تقیه و از مصداق های آن به شمار می آید. از نظر وحید بهبهانی، خاستگاه وجوب عمل به تقیه و حکمت تشریع آن، حفظ نفس مکلفان است. او اصالت حفظ نفس را بر همه احکام شرعی مقدم می داند و برای اثبات ادعای خود احادیثی مانند «لا دِینَ لِمَنْ لا تَقیَّهَ له» و «التَّقیهُ دینی و دینُ

۱- رساله اصول دین، مبحث امامت، نسخه خطی.

۲- همان، ص ۳۹۴.

۳- همان، ص ۵۸۲.

آبـائی» و آیه «إِلاّـ مَنْ أَكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمانِ» (نحل: ۱۰۶) را می آورد. حـتی وی حفـظ نفس را بر اصول دین هم ترجیح می دهد.

۴. ارزش احکام قضایی حاکم جور

از نظر وحید بهبهانی، احکام قاضـی جور به دلیل نداشـتن شرایط کافی و لازم، اعتباری ندارد. از این رو، اگر برای تصدی مال شخص محجور (سفیه) قیم نصب کند، به حکم او اعتنا نمی شود.(۱)

۵. پی آمدهای حکومت غیر معصوم

به اعتقاد بهبهانی، تصدی افراد فاقد صـلاحیت در طول تاریخ، پی آمدهای سیاسـی، اجتماعی، دینی و فرهنگی مهم و پایداری را بر جای گذاشت. برخی از این پی آمدها عبارتند از:

الف) شهادت امام حسن و امام حسین علیهماالسلام و دیگر ذریه پیامبر؛

ب) تعطیل شدن احکام شریعت و اجرای حدود الهی؛

ج) گسترش ظلم و جور در دنیا.(۲)

۶. امر به معروف و نهی از منکر

از موارد مهم دیـدگاه وحیـد بهبهانی درباره امر به معروف و نهی از منکر، این است که وی از حسن و قبـح عقلی برای صدور حکم جـواز برخی از مصـادیق امر به معروف و نهی از منکر اسـتفاده می کنـد. در این راسـتا، او کشـتن کـافران فـاجر، ظـالم و مفسدان فی الارض را که مؤمنان را می کشند و اموالشان را به غارت می برند، زنان و فرزندان آنها را اسیر

۱- همان، صص ۷ و ۴۰.

۲- رساله اصول دین، مبحث امامت، نسخه خطی بدون شماره صفحه.

می کنند و نیز جهاد با آنان را از نظر عقلی از افعال حسن محض می داند و کشتن مرتکبان این امور را قبیح نمی شمرد.(۱)

تمسک بهبهانی در اثبات جواز امر به معروف و نهی از منکر به موضوع حسن و قبح عقلی جالب است. بر اساس این تحلیل، هر امری که از نظر عقلی دارای حسن فعلی باشد، معروف است و هر آنچه دارای قبح فعلی باشد، منکر به شمار می آید. با این تحلیل، امر به معروف و نهی از منکر بسیار توسعه می یابد و اجرای این اصل مهم را برای آمران به معروف و ناهیان از منکر از جنبه نظری و شرعی آسان می کند.

یکی دیگر از نکته های قابل توجه در دیدگاه وحید بهبهانی در مورد امر به معروف و نهی از منکر، قول او به وجوب مقدمه واجب است. بنابراین، اگر امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر انجام امور حرامی شود و ذی المقدمه اهم باشد، در این صورت محذورات شرعی مباح و چه بسا واجب می شود؛ مانند کشتن مؤمنان زاهد و عابد و زنان و اطفال ایشان در هنگامی که کفار از آنها به عنوان سپر دفاعی استفاده کنند.(۲)

از نظر عقلی، هر چند قبح ذاتی امور حرام که به واسطه مقدمه واجب اهم، مباح شده اند تبدیل به حسن ذاتی نمی شود، با حفظ قبح ذاتی آنها، این امور حرام می تواند به عنوان واجب توصلی و مقدمی برای امتثال واجب مهم تر و در امر شارع قرار گیرد؛ مانند دروغ گفتن برای نجات جان

ص: ۹۹

۱- حاشیه مجمع الفائده و البرهان، چاپ قدیم، ص ۸۰.

۲- همان، صص ۳۲ و ۳۳.

نبی یا مؤمن دیگر.(۱)

۱۵. وحید بهبهانی، رساله اصول دین، مبحث امامت، نسخه خطی.

د) شیخ جعفر کاشف الغطا (م ۱۲۲۸ ه. ق)

اشاره

د) شیخ جعفر کاشف الغطا (م ۱۲۲۸ ه. ق)

از بزرگ ترین فقیهانی که در قرن سیزدهم هجری زندگی می کرد، مرجع عالی قدر جهان تشیع، حضرت آیت اللّه العظمی شیخ جعفر بن خضر بن یحیی مالکی جناجی است. او در روستای جناجیه، یکی از قریه های حله عراق به دنیا آمد. بدین دلیل، او را مالکی می گویند که نسب آن بزرگوار به فرمانده دلیر اسلام، مالک اشتر نخعی، می رسد. به دلیل تألیف کتابی با نام کشف الغطا عن مبهمات الشریعه الغراء به وی «کاشف الغطاء» می گویند.(۲) او از شاگردان ممتاز آیت اللّه وحید بهبهانی، دانشمند سترگ شیعه بود و مانند استاد خود همان شیوه افتا را در برابر اخباری[ها] برگزید و برای زنده نگه داشتن اجتهاد در حوزه های علمیه، گام های استواری برداشت.(۳) شاگردان و نیز پژوهشگرانی که درباره او و موضع گیری مؤثر سیاسی و اجتماعی اش تحقیق کرده اند، او را دارای شأن و منزلت علمی ـ اجتماعی بسیار والایی دانسته اند.

ملا علی علیاری در بهجه الآمال پس از تعریف و تمجید فراوان می گوید:

این شیخ در فقه، داناترین فرد زمان خودش بود که نمی توان مانند او را یافت... و مورد قبول پادشاه و رعیت بود و عرب از او نهایت اطاعت را می نمودند. حتی فتحعلی شاه قاجار و همه فرزندان او و رجال دولتی

۱- همان

۲- شیخ جعفر کاشف الغطاء، کشف الغطاء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ ه . ق، چ ۱، ج ۱، ص ۴.

۳- محمدرضا سماک امانی، کاشف الغطاء و سوره خشم، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۱، ص ۱۸.

نهایت اطاعت و فرمان برداری از او به عمل می آوردنـد تا جایی که او از سـلاطین و بزرگان عجم و ثروتمندان، اموال فراوانی را می گرفت و تمام آن را در همان مجلس و در همان روز بین فقرا تقسیم می کرد.(۱)

این عالم بزرگوار پس از خدمات فراوان علمی و اجتماعی، عاقبت در سال ۱۲۲۸ ه . ق درگذشت.

شیـخ جعفر کـاشف الغطـاء شـاگردان فراوانی داشت که از جمله آنها فرزنـدان بزرگوار او هسـتند که هر یک مظهر علم، تقوا، فضـیلت و وجاهت به شـمار می رفتند: شیخ موسی النجفی (م ۱۲۴۲)؛ شیخ علی (م ۱۲۵۳)؛ شیخ حسن (م ۱۲۶۲)؛ شیخ محمد (م ۱۲۴۷).

عصـر شیخ جعفر کاشف الغطاء، عصر نهضت علمی و شکوفایی فقه و اصول بود که سلسله جنبان این حرکت و نهضت علمی، آقا محمد باقر بن محمد اکمل، معروف به وحید بهبهانی است. این نهضت در عصـر شیخ جعفر و سید مهدی بحرالعلوم تکامل یافت و تا عصر شیخ انصاری ادامه یافت.

برخی از آثـار علمی او عبارتنـد از: کشف الغطـاء عن مبهمـات الشـریعه الغراء؛ غـایه المـأمول فی علم الاـصول؛ غایه المراد فی احکام الجهاد؛ مشکاه الهدایه؛ مختصر کشف الغطاء.

او جایگـاه اجتمـاعی بسـیار رفیعی در زمـان خـود داشت. برای نمـونه، در زمـانی که شورش هـای زیـادی از سوی دولت هـای خارجی و نوکران داخلی شان برای ضربه زدن به اسلام و مسلمانان به وجود آمده بود، به

۱- همان.

فتحعلی شاه قاجار اذن دفاع داد و او را تقویت کرد و اینها به دلیل مصلحت عموم مسلمانان بود.

دیدگاه های سیاسی شیخ جعفر کاشف الغطاء

الف) راهکار تعامل با شاهان در اداره امور جامعه

۱. اذن و اجازه داشتن شاه (سلطان) در اداره نیروی نظامی و تدبیر امور برای تقویت افراد و امکانات حکومت برای دفاع از سرزمین مسلمانان و آبروی آنها؛

۲. وجوب اطاعت از سلطان هنگامی که وی از سوی حاکم شرعی و فقیه جامع الشرایط اذن داشته باشد؛

۳. توصیه سلطان و کارگزاران حکومت به رعایت تقوا، عدل، برابری، شفقت و نیز توصیه به مردم در زمینه برادری و مهربانی با یکدیگر، مانند اعضای یک پیکر؛

۴. وجوب قیام مجتهدان، برای اقامه جهاد دفاعی برای حفظ حوزه اسلام و مسلمانان و نیز برای کسانی که از سوی آنها اجازه دارند، تا جایی که می فرماید:

افضل و اعلم باید در رأس قرار گیرد و اگر چنانچه آنها نتوانند، باید کسی که از سوی آنها اذن دارد، انتخاب شود و برای دیگران جایز نیست و مردم باید از آنها اطاعت کنند و اگر کسی مخالفت کند، مانند این است که با امام و پیشوایشان مخالفت کرده است.(۱)

جهاد دفاعی بر همه کسانی که توانایی دارند، واجب و لازم است.

۱- کشف الغطاء، ج ۴، کتاب جهاد، ص ۳۳

وقتی به فتحعلی شاه اجازه جهاد می دهد، همه را به پیروی از دستورهای شاه در این زمینه فرمان می دهد و یاری رساندن به شاه را در صورت احتیاج به کمک مردم واجب شرعی می داند.

۵. وجوب کمک به شاه در صورت اجازه داشتن از سوی عالمان اسلام.

وی در این باره می نویسد:

بر مردم واجب است، در صورتی که شاه به آنها و کمک و یاری آنها احتیاج داشته باشد، او را یاری رسانند و کسی که مخالفت کند، در حقیقت مخالفت علمای اسلام را نموده است و کسی که مخالفت علمای اعلام را نماید، به خدا سوگند که مخالفت امام را نموده است و کسی که مخالفت امام را بنماید، مخالفت رسول خدا را نموده است و کسی که مخالفت رسول خدا را بنماید، مخالفت خداوند را نموده است.(۱)

همچنین وی درباره لزوم پیروی از امر سلطان می نویسد:

واجب است بر تمام کسانی که متصف به اسلام هستند و تصمیم به اطاعت از پیامبر و امام را دارند که سلطان را اطاعت کنند و در زمینه جهاد با دشمنان خدا با او مخالفت نورزند و امر کسانی را که او را بر آنها نصب کرده [علما] و به عنوان سپر بلای آنها قرار داده، اطاعت و امتثال نمایند و مخالفت با او [در این امر] مخالفت با خدا و استحقاق غضب و عذاب الهی است.(۲)

ب) فرق اطاعت پیامبر و امام با اطاعت سلطان مدافع حریم اسلام

کاشف الغطاء با تبیین این مطلب که علت اجازه او این است که شاه

۱- همان، ج ۱، ص ۲

۲- همان..

قصد دفاع از حریم اسلام و مسلمانان را دارد و یاری رساندن به او، کمک به دین خداست، تفاوت این دو اطاعت را این گونه بیان می کند:

تفاوت میان اطاعت پیامبر و سلطان مدافع دین، این است که وجوب اطاعت پیامبر و امام ذاتی است، نه به اعتبار اغراض و جهات، ولی اطاعت سلطان تنها به دلیل رسیدن به غرض و هدف است ؛ یعنی وجوب اطاعت او، وجوب عرضی است. مانند وجوب تهیه اسلحه، جمع آوری افراد جنگ جو و تهیه مقدمات جنگ و نیز مانند انجام مقدمات واجب.(۱)

ج) مسئله جهاد

کاشف الغطاء، نخست جهاد را با توجه به اختلاف در متعلقاتش به اقسام زیر تقسیم می کند:

۱. جهاد برای حفظ ارکان اسلام: این جهاد هنگامی واجب است که کفار قصد حمله به سرزمین ها و قریه های مسلمانان را داشته باشند و تمام تجهیزات خود را در این زمینه به کار بندند تا کفر را بر اسلام مسلط کنند.

در اینجا واجب، واجب کفایی است و اگر گروهی برای انجام آن قیام کردند، از دیگر مکلفان ساقط می شود. بر همگان (همه مسلمانان) واجب است به اندازه قدرت و توانایی خود در راستای شکست دشمن بکوشند و هر کسی توانایی جمع آوری نیروی نظامی دارد، باید از امام اجازه بگیرد هرچند در صورت غایب بودن امام این مسئله جای تأمل دارد.

۲. جهاد برای رفع فتنه اشرار و جلوگیری از تسلط آنها بر جان و خون و آبروی مسلمانان: این گونه جهاد بر همگان چه افراد غایب و چه حاضر،

۱- همان، ص ۳۶۷.

واجب و لازم است و جایز است فرمان روای جامعه اسلامی مقداری از بیت المال را برای این کار هزینه کند و برای دفع اشرار قیـام کنـد. همچنین اولی است در زمـان حضور امام علیه السـلام از او اجازه بگیرنـد و در زمان غیبت نیز با اجازه مجتهـد جامع الشرایط باشد که او نایب امام علیه السلام است.

۳. جهاد برای دفع مسلمانانی که با کفار رابطه دارند و هم پیمان شده اند.(۱)

۴. جهاد برای دفع و اخراج ستمگران از سرزمین های اسلامی و تلاش برای نجات مسلمانان از دست کافران: بر همه مسلمانان، (غاییان و حاضـران) واجب است که خانه و کاشانه خود را رها کننـد و برای دفع شـر دشـمنان خـدا از دوسـتان خدا، مهاجرت کنند و فی سبیل اللّه جهاد کنند.(۲)

۵. جهـاد بـا کافران برای از میان بردن آنها و یا هـدایت آنها به سوی اسـلام: انجام این گونه جهاد بر دوش امام و نایبان خاص امام است، نه عام.(۳)

در حقیقت، هر یک از این اقسام پنج گانه جزو جهاد فی سبیل اللّه است و کشته شدگان در این معرکه ها حکم شهید را دارند و اگر آنها خلوص نیت داشته باشند، خداوند در آخرت درجات و جایگاه رفیعی را نصیب آنها خواهد کرد.(۴)

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان، ص ۲۸۹.

د) تقسیم بندی کفار

کاشف الغطاء در یک دسته بندی جالبی از کفار، ویژگی ها، احکام و اقسام هر دسته را بیان می کند.

دسته اول: کافرانی که متشبث به اسلامند و عبارتند از:

۱. خوارج: دین دارانی که علی علیه السلام را دشمن می پندارند. اینها یک قسم از کفارند که ضروری ترین ضروریات دین را انکار کرده اند. چون مقام علی علیه السلامرا نادیده گرفته و هتک حرمت مولا را کردند. در نتیجه، به طور غیرمستقیم هتک حرمت خدا و رسول را کردند و این کفر است.(۱)

۲. ناصبین: کسانی که بغض و کینه امیرمؤمنان را در سینه دارند. اینها نیز به همان دلیل بالا کافرند.(۲)

۳. غلات: کسانی که قایل به خدایی و الوهیت امام علی اند. کفر اینها روشن تر از کفر دیگران است.(۳)

دسته دوم: بغات. وی، نخست معنای بغات و بغی را بیان می کند و بعد تکلیف مسلمانان را در قبال آنان یادآور می شود: هر ظالمی، باغی است و یاری مظلوم در قبال ظالم واجب کفایی است و نیز جنگ و محاربه با او نیز دارای همین وجوب است.(۴)

سپس احکام مسلمانان با بغات را بیان می کند و تقسیم های زیر را برای این دسته ارائه می دهد:

۱- همان، ص ۳۶۳

۲- همان، ص ۳۶۵

۳- همان، ص ۳۶۶

۴- همان، ص ۳۶۷

۱. کسی که از بیعت سرپیچی کند و در میان مردم داخل شود؛

۲. افرادی که دارای قدرت هستند و دفع آنها به آسانی ممکن نیست و نیاز به جنگ دارد؛

۳. فرد یا افرادی که شبهه و سؤالی در ذهن دارند و به همین دلیل، از بیعت با امام سرباز زده اند؛

۴. افرادی که با مناظره و پند و نصیحت، هدایت نمی شوند.

۵. می توان با ایجاد اختلاف و دو دستگی بین آنها، آنها را به شکست وا داشت.(۱)

در هر کدام از صورت های پنج گانه بر خلیفه واجب است که آنها را به هر شکل ممکن به سوی حق برگرداند. حتی می تواند با آنها محاربه و قتال کند و از اهل ذمه در مقابل آنها کمک گیرد. اگر یکی یا شماری از آنان را اسیر کردند، باید آنها را توبه بدهد و اگر توبه کرد، از حکم بغی خارج می شود و اگر توبه نکرد تا پایان جنگ او را نگه دارد و باز هم توبه کردن را به او پیشنهاد کند. اگر توبه نکرد و امکان اغتشاش داشت، در این صورت باید او را زندانی کرد. در غیر این صورت، می تواند آزادش کند.

دسته سوم: کافرانی که متشبث به اسلام نیستند؛ مانند دولت های کافری که قصد تجاوز به کشور اسلامی را دارند. جهاد در مقابل آنها نیز از واجبات مؤکد است.

دیدگاه های سیاسی کاشف الغطاء بسیار گسترده تر از آن است که در

۱- همان، ص ۳۶۸

این مجال اندک بگنجد. برای ترسیم اندیشه های سیاسی وی، به تحقیقی جداگانه و گسترده نیاز است.

۱۴. همان، ص ۲۹۰.

۱۵. کشف الغطاء، ج ۱، ص ۲۶.

۱۶. کشف الغطاء، ج ۴، کتاب جهاد، ص ۳۳۳.

۱۷. همان، ج ۱، ص ۲۶.

۱۸. همان.

ه) ملا احمد نراقی۱ (۱۱۸۵ _ ۱۲۴۵ ه. ق)

اشاره

ه) ملا احمد نراقی(۱) (۱۱۸۵ _ ۱۲۴۵ ه. ق)

حاج ملا احمد نراقی، به سال ۱۱۸۵ ه . ق، در روستای نراق، از توابع کاشان به دنیا آمد. پدرش از دانشمندان و فلاسفه بزرگ ایران و اسلام بود و بیشترین تأثیر را بر فرزندش گذاشت. نراقی از شاگردان کاشف الغطاء و استاد شیخ مرتضی انصاری به شمار می رود. وی برخلاف دیگر معاصرانش کمتر در حوزه درس استادان و عالمان مشهور شرکت کرده و به گفته اعیان الشیعه، بیشتر آموخته هایش از متون بوده است، نه افواه. زندگی نامه نویسان، نراقی را مرجع تقلید و مهم ترین روحانی دوره فتحعلی شاه معرفی کرده اند. وی افزون بر اینکه در معرفی آثار علمی پدر نقش مؤثری داشت، خود از اندیشه های پدر الهام پذیرفت. نراقی در سال ۱۲۴۵ ه . ق، در اثر بیماری وبا درگذشت و در شهر مقدس نجف به خاک سپرده شد.

نراقی برخلاف صاحب جواهر، تنها فقیه نبود، بلکه به دلیل تأثیر پذیرفتن از تفکر فلسفی پدرش از نگاه یک فیلسوف و فقیه به سیاست می نگریست. ازاین رو اندیشه های فقهی _ سیاسی او از اندیشه عقلی و فلسفی سرچشمه می گرفت.(۲) مهم ترین آثار ملا احمد نراقی عبارتند از:

۱- برای تفصیل بیشتر نک: سلسله مقالات کنگره فاضلین نراقی و نیز فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۷.
۲- محمد علی مدرسی، ریحانه الادب، تهران، خیام، ۱۳۶۹، چ ۲، ج ۶، ص ۱۶۱.

مناهج الاحکام فی الاصول؛ مستند الشیعه فی الاحکام الشریعه؛ عوائد الایام در قواعد فقه؛ طاقدیس در شعر؛ سیف الامه و برهان المله؛ معراج السعاده؛ خزائن در متفرقات.

اندیشه انسان شناسی نراقی

ملا احمد نراقی با دیدگاه فلاسفه یونان آشنا بود و اندیشه های خود را متأثر از آن بروز می داد. مجموعه این اثرپذیری ها، در اندیشه و دیدگاه های سیاسی او، ساختاری ویژه پدید آورده بود. او انسان را موجودی می دانست که دارای استعدادها و قوه های متضاد است و وجود انسانی را محل تنازع و تعارض نیروهای متعددی می شمرد. او مهم ترین نیروی وجودی انسان را عقل، شهوت، غضب و وهم می داند که هر کدام دارای تأثیر و تاثرهایی منحصر به فرد است.(۱) هنگامی انسان به مرحله تکامل می رسد که فعالیت های این چهار نیرو نسبت به هم به حد تعادل برسد. او جامعه انسانی را نیز همانند وجود انسان می پنداشت و همان گونه که تعادل در قوای استعداد انسان را عالی ترین مرحله تکامل انسانی می دانست، برقراری تعادل در یک جامعه؛ یعنی حاکمیت عدالت را عالی ترین فضیلت جامعه بشری تصور می کرد.

او بر آن است که منزلت اجتماعی انسان ها برابر نیست؛ زیرا استعدادهای افراد با هم تفاوت دارد. البته این تفاوت، طبیعی و ذاتی است و در آفرینش انسان ریشه دارد و نیز مصلحت حیات اجتماعی انسان

۱- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، تهران، جاویدان، ۱۳۶۸، چ ۱، ص ۳۴۸.

ایجاب می کند که ابنای بشر این گونه باشند. اصل تطابق بین شغل و وظیفه یا استعداد و سرمایه وجودی انسان در اندیشه اجتماعی ــ سیاسی نراقی، اصلی تعریف شده است. آنجایی که می گوید:

خلق را گر حق به خود بگذاشتی

گرنه هر کس را به کاری داشتی

ای بسا از کارها مختل شدی

بس دکان، بی رونق و محفل شدی

زین ره این دانای پنهان و پدید

هر کسی را بهر کاری آفرید

آری آری، هر کسی را پیشه ای است

هر دلی، اندر خور اندیشه ای است (۱)

همچنین وی انسان را موجودی بالطبع اجتماعی می داند که در زندگانی اش، نیازمند اجتماعی شدن است. وی به تفصیل درباره عوامل حیات اجتماعی انسان سخن گفته که عبارتند از:

۱. تقسیم استعدادها؛

۲. گرایش های متضاد در وجود انسان؛

۳. برقراری نظم اجتماعی برای کنترل نوع بشر. (۲)

۱- ملا احمد نراقی، مثنوی طاقدیس، به کوشش: حسن نراقی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲، صص ۳۸ و ۴۲.

۲- ملااحمد نراقی، سیف الامه و برهان الملّه، تهران، چاپ قدیم، صص ۴۵ و ۴۶.

این عوامل به نوعی متعادل کننده فلسفه وجودی دولت و حکومت در جامعه انسانی است؛ زیرا عملی شدن این عوامل تنها در حیات اجتماعی می گنجد؛ آن هم حیات اجتماعی ای که دارای ساختاری سازمان یافته باشد که در آن، قانون و مقررات حاکم است تا انسان به سوی زندگی متعادل گام بردارد؛ زیرا آسایش و راحتی او در برقراری امنیت و عدالت است. با توجه به آنچه گفتیم برخی از دیدگاه های سیاسی محقق نراقی را بررسی می کنیم.

اندیشه های سیاسی محقق نراقی

۱. تشکیل دولت و تأسیس جامعه سیاسی

نراقی وجود دولت و حکومت، یعنی وجود حاکم لازم الاتباع را در جامعه انسانی امری الهی به شمار می آورد و تعیین حاکم از سوی خدا را برآمده از قدرت و حکمت الهی می داند و تأکید می کند که خداوند بالاتر از آن است که افراد جامعه انسانی را با این همه تنوّع در آثار و اندیشه ها، بدون سرور و فرمانروا رها کند و آنها را که همچون گله های گوسفند در بیابان وحشتناک دنیا به سر می برند، بدون شبان در چنگال گرگان درنده هوا و هوس رها سازد. (۱)

این عبارت، همچنین بیانگر این مطلب است که وجود حاکم به امنیت، آرامش روحی و روانی افراد جامعه می انجامد و در کل، فلسفه وجودی حکومت ها و دولت ها، برقراری ثبات و امنیت سیاسی و اجتماعی و حفظ جامعه از گزند آشوب طلبان و اخلال گران است؛ یعنی حاکم پاسدار تمامی

۱- همان.

اجتماع است.

او حاکم غیرالهی را در حفاظت افراد اجتماع از گرفتاری های فردی و اجتماعی ناتوان می داند؛ زیرا او به خیر و شر بشر آگاه نیست و تنها خداست که آگاه و عالم مطلق است و به تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان آگاهی دارد. بنابراین، گماشتن چنین فردی بر پایه قاعده لطف، بر خدا واجب و لازم است.

پس اگر کسی اعتراض کند و بگوید: از برای تأسیس قواعد به جهت رفع نزاع و مفاسد و نگهداری بنی نوع از قتال و جدال، از نصب رییس مدبر و سروری دانا و ماهر گریز و گزیری نیست، و لکن چه ضرورت دارد که این سرور، رسول و نبی از جانب خداوند اکبر بوده باشد. چه همین امر از حکمای باهوش و فطنت و سلاطین با فرهنگ و شوکت صورت پذیر گردد. گوییم: با وجود اینکه از برای بیان تکالیف که اشاره به آنها شد، وجود حکیم و سلطان بی فایده است؛ (به علاوه) دانستی که نصب چنین شخصی و برانگیختن آن بر خدا لازم است.(۱)

۲. عدالت و نقش آن در مشروعیت

الف) مشروعیت حاکم یا حاکمان عصر غیبت

از نظر محقق نراقی، تنها دولتی که می توان به عنوان بهترین دولت از نظر حاکمیت اندیشه الهی معرفی کرد، دولت نبی گرامی اسلام است، ولی در عصر غیبت که مردم به حاکم الهی دسترسی ندارند، نمی توان انتظار جامعه سیاسی آرمانی داشت و نیز نمی توان به فاسد و ظالم بودن چنین جوامعی حکم داد، بلکه اگر بتوان در چنین جوامعی عدالت را از طریق

۱- سیف الامه و برهان المله، ص ۴۹.

برقراری نظم و انضباط اجتماعی، حتی به طور نسبی جاری کرد، می توان بسیاری از گرفتاری های فردی و اجتماعی را فرو نشاند. او حاکم اسلامی را حاکمی می داند که از صفت عدالت برخوردار است. بنابراین، از نظر او حاکمان در عصر غیبت، کسانی هستند که نخست عدالت شناس و سپس مجری عدالت باشند. (۱)

تعریف نراقی از عدالت چنین است:

عدالت، عبارت است از هماهنگی نیروها و قوای انسانی در عدالت فردی و هماهنگی بین نیروهای اجتماع در عدالت اجتماعی. به عبارت دیگر، عدالت فردی، اطاعت مطلق تمام قوای انسانی از عقل است و عدالت اجتماعی با پیروی مطلق همه نیروها و گروه های انسانی از فرمان روای عادل جامعه است.(۲)

ب) ملاک سنجش عدالت و عادل

نراقی، شناخت عدالت را به شناخت تعریف دقیق آموزه ها وابسته می داند و بر آن است که عدالت با افراط و تفریط سازگار نیست، بلکه عدالت همان شناخت امر بین الامرین در پدیده ها و تنش های فکری و اجتماعی است؛ یعنی عدالت، همان شناخت حد وسط هاست و اینکه چگونه می توان حد وسط امور را تشخیص داد. او آشنایی با آموزه های دینی و الهی را شاخص معرفی می کند و می گوید:

به منظور شناخت معیار حد وسط و ملاک عدالت _ اعم از اجتماعی و فردی _ آشنایی با قواعد شریعت الهی و علم به سنت نبویه ضروری است.

۱- معراج السعاده، ص ۴۶.

۲- همان، ص ۵۱.

پس بر عادل واقعی است که حکیمی باشد دانا به قواعد شریعت الهی و عالم به نوامیس نبویه. (۱)

در نظریه نراقی، نظم درست جامعه وقتی محقق خواهد شد که حاکمان جامعه با درک عدالت واقعی، عادل واقعی شوند یا آنان که عادل واقعی هستند، حاکم جامعه شوند. بنابراین، مهم ترین ویژگی عادل واقعی این است که با دانستن قواعد شرع، معیار عدالت را در دست داشته باشد و خود و دیگران را اصلاح و هدایت کند. (۲) او به این نتیجه می رسد که اصلاح جامعه به اجرای عدالت وابسته است و درک عدالت نیازمند درک شریعت و درک شریعت نیز نیازمند علم ویژه است و علم فقه، تنها دانشی است که عهده دار شناخت شریعت است و استنباط احکام شرعی فرعی از منابع احکام اسلامی را بر عهده دارد. به بیان دیگر، به نظر نراقی، اصلاح جامعه به اجرای عدالت مشروط است و آن ممکن نیست مگر اینکه حاکمان فقیه شوند یا فقها حاکم جامعه گردند؛ در نتیجه، شناخت عدالت، منوط به فقاهت است و اداره امور دولت ها و کشورها باید به فقیهان سپرده شود و تمام اختیارات پیامبر و امام ـ جز موارد استثنایی ـ باید به فقها واگذار شود. او برای عملی تر ساختن نظریه خود، ولایت فقیه اعلم را پیشنهاد می کند و شناخت آن را به عهده مردم و خبرگان می گذارد. (۳)

۳. تعامل بین فقیهان و پادشاهان

با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که نراقی، حکومت دوران غیبت

۱- همان، ص ۴۷.

۲- همان.

۳- ملا احمد نراقی، عوائد الایام، تهران، چاپ قدیم، ص ۱۸۷ به بعد.

را به فقیهان عادل می سپارد و در این باره دو قاعده فقهی نیز در عوائد الایام تدوین می کند.(۱)

پرسشی که در اینجا مطرح است اینکه، با توجه به اختصاص حکومت به فقیهان عادل، حکومت حاکمان غیرفقیه را چگونه می توان توجیه کرد. مرحوم نراقی بر این باور است که برای اداره جامعه سیاسی، نه شخص و عنوان که اجرای عدالت مهم است. از منظر نراقی، عدالت، زمانی برپا می شود که شریعت به دست فقیه یا به دستور فقیه در جامعه پیاده شود و هرگز لازم نیست که فقیه به طور مستقیم حاکم باشد، بلکه همین که حاکم از فقیه تقلید کند و نظر او را اجرا کند، عدالت تحقق پیدا خواهد کرد. آنچه مهم است، دانستن شریعت و اجرای آن است.

او به اندازه ای به عدالت بها می دهد که وجه تمایز میان سلطان جائر و سلطان ظل اللّه را این گونه بیان می کند: «عدالت، تاجی است وهاج که تارک مبارك هر پادشاهی به آن مزین گشت به منصب والای ظل اللّهی سرافراز می گردد.» (۲) نیز گوید:

چو نیت نیک باشد پادشه ها

گهر خیزد به جای گل گیه ها

فراخی ها و تنگی های اطراف

۱- لازم به یادآوری است که نراقی در کتاب عوائد الایام، اندیشه ولایت عام و مطلق فقیه را به صورت مستقل و هماهنگ توضیح داده است.

۲- معراج السعاده، ص ۳۴۷.

ز عدل پادشاه خود زند لاف (۱)

با این همه، عدالت سلطان در اندیشه نراقی مفهوم ویژه ای دارد. عدالت سلطان، امری قائم به شخص و اراده او نیست، بلکه به عدالت اولیه و بزرگ تری وابسته است که همانا شریعت الهی و طریقه و سنت نبوی است. سلطان عادل، نه اینکه اولین عادل باشد، بلکه در مهم ترین حالت، عادل اوسط و مجری شریعت است. به هر حال، نراقی با اشاره به آیه ای از سوره حدید، شریعت الهی را عادل اکبر و سلطان عادل را که تاج شریعت مصطفویه است،عادل اوسط معرفی می کند که آن خلیفه ملت و جانشین شریعت است.(۲)

۴. امر به معروف و نهی از منکر

نراقی پس از آنکه وجوب امر به معروف و نهی از منکر را موضوعی می داند که علمای عامه و خاصه بر آن اتفاق دارند،(۳) آن را نمونه بارز مشارکت سیاسی و اجتماعی برمی شمارد. وی گستره امر به معروف و نهی از منکر را فراتر از مسائل فردی می پندارد و جایگاه اجتماعی و سیاسی آن را چنین یادآور می شود و می گوید:

بدان که ضد کوتاهی در امر به معروف و نهی از منکر، سعی و اجتهاد در آنهاست و این اعظم شعایر و اقوا علامت شریعت و آیین است و آن مقصد کلی است از بعثت انبیاء و نصب ائمه و اوصیا و نایب گردانیدن متدینین از علما، بلکه مدار گردش جمیع ادیان است و اختلال آن موجب

ص: ۱۱۶

۱- . همان، ص ۵۱.

۲- همان، ص ۴۷.

۳- معراج السعاده، ص ۳۹۴.

باز ماندن از دوران است. (۱)

او اجرای سنت امر به معروف و نهی از منکر را هدف اساسی ارسال رسل می داند و آن را نقطه اشتراک تمامی مذاهب و ادیان بر می شمارد و کوتاهی در آن را موجب عقب ماندگی و فروپاشی جوامع می داند. وی در این زمینه می گوید:

آنچه در امثال این روزگاران، در میان مردم شایع شده و رسوم ایشان بر آن جاری گشته، بی شمار و احصای آنها به طریق تفصیل ممکن نیست... پس اگر از برای مؤمن دین داری میسر شود که بعضی از اینها را دفع کند، برای او جایز نیست که در خانه بنشیند و از مردم کناره جوید، بلکه بر او واجب است که بیرون آید و دامن بر میان بندد و دین خدا را اعانت کند. (۲)

محقق نراقی، مشارکت سیاسی را مشروط به اصلاح فرد می داند و افراد فاقد صلاحیت فردی را از دخالت و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی برای اجرای عنصر امر به معروف و نهی از منکر برحذر می دارد و می گوید:

بدان، کسی که قوه و صفات خود را اصلاح نکرده باشد و در مملکت بدن خود عدالت را ظاهر ننموده باشد، قابلیت اصلاح دیگران و اجرای حکم عدالت در میان سایر مردمان را ندارد؛ نه قابلیت تدبیر منزل خود را دارد و نه شایستگی سیاست مردم را؛ نه لایق ریاست شهر است و نه سزاوار سروری مملکت. (۳)

۱- همان، ص ۳۹۲.

۲- همان، صص ۵۲۰ و ۵۲۱.

۳- همان، ص ۸۷.

او تساهل و تسامح را برای حاکمیت دین و به وجود آوردن جامعه دینی جایز نمی داند و غیرت دینی و نهراسیدن از شکوه پادشاهان را چنین مطرح می کند:

... مؤمنین باید... به جهت تحصیل رضای پروردگار جبار، غیرت دین و عصبیت، چنان بر آنها مستولی گردد که از کثرت و قوت مخالفان حق نهراسند و به مهابت و سطوت ملوک و سلاطین التفات نکنند و در نصرت حق از مال و جان و آبرو مضایقه ننمایند.(۱)

بی گمان، تلاش برای احقاق حق و اجرای عدالت، واکنش برخی از افراد سودجو و انحصارگر را در پی خواهد داشت، ولی این طبیعی است و در این راه، با تمام وجود باید کوشید. بدین دلیل، محقق نراقی بذل جان، مال و آبرو، یعنی تمام هستی را لازم می داند.

۵. تعامل بین ملت و دولت

از سوی دیگر، مردم، زمانی باید از حاکمان (دولت)، فرمان برداری کنند که قدرتمندان و ثروتمندان، حقوق شهروندی ملت، مانند برقراری عدالت، دادرسی و رسیدگی به امور و مشکلات مردم، به ویژه طبقات ناتوان و محروم را رعایت و اجرا کنند. در این صورت است که مردم باید فرمان بردار فرمانروایان باشند:

بر شهریاران و ملوک معدلت گستر و رعیت پرور، لازم و متحتم است که سایه شفقت و مرحمت بر سر کافه خلایق بگسترانند، همچنین بر کافه رعایا و عامه واجب است که از جاده اطاعت و انقیاد ایشان، انحراف جایز

۱- همان، ص ۲۲.

ندانسته، همواره طریق یک رنگی و اخلاص ملوک دارند. (۱)

مردم در دیدگاه محقق نراقی، جایگاه ویژه ای دارند. او فلسفه حاکمیت و حکومت را رعایت حال مستمندان و بیچارگان جامعه می داند و یاری رساندن آنها را وظیفه انسانی، اجتماعی و قانونی حکومت بر می شمارد؛ زیرا بر آن است که بی توجهی به مردم، نداشتن مشروعیت مردمی حکومت را در پی خواهد داشت؛ یعنی در یک کلام، بین مردم و حاکم، قانون کنش و واکنش وجود دارد؛ یعنی کنش و توجه، همراه با یاری فرمان روا و حاکم، واکنش همراه با فرمان برداری رعیت را در پی خواهد داشت. او می گوید:

حشمت فرمان روایی و شوکت جهان بانی، مانع از دادرسی بیچارگان نشود و از فریاد دادخواهان روی نگرداند و از نامه ستم دیدگان نرنجد. به تظلم بی ادبانه فقیرانی که خدا امرشان را به او محول فرموده، گوش دهد و فغان بی ادبانه ضعیفانی که پروردگار، ایشان را به او محتاج کرده، استماع نماید. به دور باش عظمت و جلال، بی سر و پایان شکسته حال را از درگاه خود نراند و راه آمد و شد گدایان پریشان را به یساولان درشت خو برخود نبندد. آری، هر که سر شد، بر زیردستان بایدش بخشید، اگر او فریاد ایشان را گوش نکند؛ چه بزرگی بر ایشان فروشد و اگر به داد ایشان نرسد، چه خراج از ایشان بستاند؟ نام سروری بر او رواست، اگر نام ایشان را بخواند. سلطان، حکم آفتاب را دارد. باید پرتو التفات خود را از هیچ ذره بی مقدار دریغ ندارد و این شیوه را منافی بزرگی نداند. (۲)

او فلسفه حکومت و دولت را، دستگیری از بیچارگان جامعه و توجه

۱- معراج السعاده، ص ۴۹۶.
۲- همان، ص ۴۹۴

به وضـعیت عامه مردم می دانـد که از فروعات عدالت است؛ زیرا بزرگی اقتضا می کند که کوچک ترها را نوازش کند و اگر چنیـن امری را رعـایت نکنـد، دیگر چه تفـاوتی بین او و دیگر خلاـیق است. پس مقـام سـلطانی، مقـام و مرتبه خـدمت به خلق خداست.

و) سید محمد مهدی طباطبایی، بحرالعلوم (متوفا ۱۲۱۲ ه. ق)

اشاره

و) سید محمد مهدی طباطبایی، بحرالعلوم (متوفا ۱۲۱۲ ه. ق)

وی فرزنـد سـید مرتضـی و از شـاگردان برجسـته وحیـد بهبهانی و از بزرگان عالمان امامیه و دارای مقام بسـیار رفیعی است؛ به گونه ای که شیخ عباس قمی، در «هدیه الاحباب»، در شرح حال او می نویسد:

السـید الاجـل، سـید علمـاء الاعلاـم و مولی فضـلاء الاسـلام علامه دهره و زمانه و وحیـد عصـره و آوانه العالم الربانی آیت اللّه محمد مهدی بن المرتضی بن محمد الطباطبایی البروجردی الغروی جلالت شأن معظم. از آن گذشته که مثل من بتواند مدح او گویـد، چه گویم در حق آن کسـی که به آن مرتبه رسـیده که شـیخ اکبر، جنـاب حـاج شـیخ جعفر، بـا آن فقاهت و ریاست و جلالت، پاک کند خاک نعلین او را به حنک عمامه خود و به تواتر رسیده باشد تشرف او به ملاقات امام عصر عجل اللّه فرجه و مکرر نقل شـده باشد کرامات باهره از او به حدی که شـیخ اعظم، صاحب جواهر در حق او فرماید: صاحب الکرامات الباهره و المعجزات القاهره، ولادت شریفش در کربلای معلی سنه ۱۱۵۵ ه . ق و وفاتش در نجف اشرف سنه ۱۲۱۲... .(۱)

از آثار آن بزرگوار، کتاب شریف فوائد است.

۱- شیخ عباس قمی، هدیه الاحباب، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۱۰۳.

ولایت فقیه

سید محمدمهدی بحرالعلوم، درباره ولایت فقیه می فرماید:

بحث مهم تر، دربـاره ولایـت فقیه است. ثبوت ولایـت برای فقیه، فی الجمله، جـای گفت وگو نـدارد. مطلـبی است که اجمـاع محوری و منقول بر آن اقـامه شـده است. بحث مهم در این است که آیـا ادله ولایت فقیه، بر عام بودن آن دلالت دارد یا خیر؟ در پاسـخ می گوییم: امـام، ریاست جامعه اسـلامی را بر عهـده دارد. همین موجب می شود که مردم در هر امری که به مصالح آنـان مربوط شود، ماننـد امور مربوط به معـاد و معـاش به امـام مراجعه کننـد. چنان که هر ملتی در این گونه مسائل، به رؤسای خود مراجعه می کنـد. روشن است که این، سـبب اتفاق و اسـتحکام نظام جامعه اسـلامی است که تحقق آن همواره از اهداف اسـلام بوده است. از این روی، امام باید برای حفظ نظام جامعه اسـلامی، جانشـینی برای خود تعیین کند و این جانشـین، کسـی جز فقیه جامع الشـرایط نمی توانـد باشـد. این را می توان از برخی روایات اسـتفاده کرد،ماننـد: «در رویدادها به راویان حدیث مراجعه کنیـد... .» علاـوه بر این، فقها در موارد زیادی اتفاق نظر دارنـد که بایـد به فقیه مراجعه کرد. این در حالی است که در این موارد هیچ روایت خاصـی نداریم و اینان از عالم بودن ولایت فقیه به دلیل عقل و نقل چنین اسـتفاده کرده اند. اقامه اجماع بر این مسئله بیش از حد استفاضه است. مطلب به شکر خدا واضح است و هیچ شکی در آن راه ندارد».(۱)

ز) سید میر عبدالفتاح حسینی مراغی (م ۱۲۵۰ ه. ق)

اشاره

ز) سید میر عبدالفتاح حسینی مراغی (م ۱۲۵۰ ه. ق)

درباره تاریخ زندگی و نیز خاندان حسینی مراغی (معروف به سید

۱- (البدر الزاهر تقریرات) برگرفته از: جواهر، ج ۲۱، ص ۳۹۵.

سند)، به جز مطالبی اندک که اصحاب تراجم نقل کرده اند، مطلب بیشتری به دست ما نرسیده است. در اینجا به بیان آنچه در تراجم آمده بسنده می کنیم: حسینی مراغی، صاحب عناوین الاصول، از شاگردان شیخ موسی و شیخ علی کاشف الغطاء (فرزندان شیخ جعفر کاشف الغطاء) بود. از درجه علمی مراغی تعریف و تمجید زیادی شده است؛ به گونه ای که فاضل تنکابنی که معاصر وی بود، این کتاب را از مفاخر علم می شمرد و حتی آن را از کتاب قواعد شهید و نیز کتاب عوائد الایام ملا احمد نراقی برتر می داند.

در زمینه رویدادها و دگرگونی های سیاسی زمان او، مطالبی در دست نیست.(۱)

دیدگاه های سیاسی

با بررسی زندگانی میرفتاح حسینی مراغی پی می بریم که او بحث جدیدی درباره اندیشه های سیاسی مطرح نکرده است. برای اینکه زمینه برای بیان بحث های جدید در حوزه اندیشه های سیاسی معاصر شیعه آماده شود، مهم ترین مبحث را برگزیده ایم که از نظر این فقیه بزرگوار بررسی می کنیم:

حکومت و رهبری

مراغی، ولایت و رهبری را در زمان غیبت معصوم مربوط به فقیه می داند و دلیل آن را چنین بیان می کند:

«الف) یکی از دلایل ولایت فقیه، اجماع محصل است. شاید کسی بپندارد که اجماع، امری نسبی است، ازاین رو، نمی توان بدان درموارد

۱- حسینی مراغی، العناوین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه . ق، چ ۱، ج ۱، صص ۵ _ ۹.

خلاف تمسک جست. بله، اگر مراد از اجماع، اجماع قائم بر حکم واقعی باشـد که خلاف و تخصـیص در آن راه ندارد، چنین است. ولی اگر اجماع بر قاعـده اقامه شود؛ یعنی اجماع، دلالت کند بر اینکه، در مواردی که بر ولایت غیرحاکم دلیلی نداریم، فقیه ولایت دارد. این اجماعماننـد اجماع بر اصل طهارت است و هنگام شک می توان بدان تمسک جست. تفاوت بین اجماع بر قاعده و اجماع بر حکم واضح است و کسی که در کلمات فقیهان کند و کاو کند، این مطلب بر او واضح خواهد شد.

ب) اجمـاع منقول: در سـخنان فقیهـان، بر این مطلب که فقیه در همه مواردی که بر ولاـیت غیر فقیه دلیل نـداریم ولایت دارد، بسیار نقل اجماع شده است».(۱)

ح) محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) (م ۱۲۶۶ ه. ق)

اشاره

ح) محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) (م ۱۲۶۶ ه. ق)

در مورد سال درگـذشت شـیخ محمـدحسن نجفی، صاحب جواهر، مورخان هم نظرنـد، ولی درباره سال تولد او سـخنی نگفته اند. آقابزرگ طهرانی، پس از بررسی قراین، به طور تقریبی سال ولادت او را ۱۲۰۰ یا ۱۲۰۲ دانسته است.(۲)

در زمان او، نجف اشـرف جایگاه عالمان و طلابی بود که از سراسـر جهان به ویژه ایران، به آنجا آمـده بودنـد. از نظر سیاسـی، بیش از دو قرن بـود که بین دولت ایران و عثمـانی برای تصـرف عراق درگیری وجـود داشت. این امر، سـبب شـده بـود که در سرزمین عراق، وضع بسیار ناهنجار

۱- عناوین الاصول، ج ۲، ص ۳۵۴.

۲- همان، ص ۳.

و نامناسبی پدید آید و انواع بیماری ها مانند وبا، فراگیر شود. در سال ۱۲۲۱ ه . ق در جنگی که میان ایران و عثمانی درگرفت، شهر نجف، به دو دلیل از غارت و دستبرد متجاوزان در امان ماند:

۱. مسلح شدن اهل نجف با دستور شیخ کاشف الغطاء و یادگیری و مهارت در استفاده از سلاح و تمرین های روزانه.

۲. کندن خندق در اطراف نجف و پاسداری آن از هجوم دشمنان و یاغیان.(۱)

به این دلیل، هیچ قدرتی توانایی فتح نجف را نداشت و شهر از گزند حوادث در امان ماند و صاحب جواهر توانست در چنین شرایطی با خاطری آرام به تدریس و تحقیق در علوم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلامبپردازد که حاصل آن، اثر ماندگار جواهر الکلام است. وی با تدوین این کتاب، فقه شیعه را وارد مرحله تازه ای از شکوفایی و ژرف اندیشی کرد؛ دیدگاه های او قرن ها پس از خودش از دیدگاه های مطرح، بنیادین و استوار در ساحت فقه شیعه امامیه است.

این فقیه عالی قدر، پس از سال ها تحقیق و خدمات فراوان علمی، در سال ۱۲۶۶ ه . ق به سرای باقی شتافت.

در ادامه برخی از دیدگاه های سیاسی او را بررسی می کنیم و برای جلوگیری از تکرار مباحث سیاسی پیشین، به مطالبی بسنده می کنیم که از نظر تحول تاریخی نیز مهمند.

۱- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ص ۱۰.

دیدگاه های سیاسی صاحب جواهر

۱. ولایت عامه فقها

صاحب جواهر پس از بیان اتفاق آرای فقها بر ثبوت ولایت و نیابت عامه فقیهان جامع الشرایط در عصر غیبت، مسئله ثبوت ولایت را آن چنان بدیهی می بیند که می گوید هر که در آن تشکیک کند، مانند آن است که بویی از فقه نبرده و هرگز با سخنان معصومین در این باره آشنایی ندارد. از همین رو، فقهای پس از صاحب جواهر نیز، ولایت فقیه را به معنای ضرورت عهده داری مسئولیت در شئون عامه پذیرفته اند که نباید مسائل مربوط به تنظیم حیات اجتماعی تعطیل شود.(۱) صاحب جواهر، قاطعانه در این زمینه مسئله ولایت عامه فقها را مطرح می کند و می نویسد:

این رأی مشهور میان فقهاست و من مخالف صریحی در آن نیافتم و شاید وجود نداشته باشد، لذا باعث شگفتی است که برخی از متأخرین در آن توقف ورزیده اند.(۲)

آن گاه روایات مربوط را بیان می کند و می نویسد:

ظهور روایت «فَإِنّی قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَیْکُمْ حاکِما» آن است که فقیهان در عصر غیبت، جانشینان امام معصوم در تمامی شئون عامه از جمله اجرای احکام انتظامی هستند. آنچه از عبارت «فقها حجت های ما هستند، همان گونه که ما حجت خدا بر شماییم» بر می آید، فراگیر بودن ولایت فقهاست؛ همان گونه که ولایت معصوم گستردگی دارد. به ویژه که در برخی کتاب ها به جای «حجتی»، عبارت «خلیفتی» به کار رفته است که گستردگی

۱- همان.

۲- همان، ج ۴۰، ص ۲۳.

ولایت فقیه را بیشتر می کند. سپس می افزاید، گستردگی دستورهای رسیده در زمینه اجرای احکام انتظامی و رسیدگی به مسائل امت، عصر غیبت را فرا می گیرد و تعطیل احکام اسلامی در این زمینه، مایه گستردگی فساد در جامعه است که شرع مقدس، هرگز به آن رضایت نمی دهد. پس حکمت و مصلحت وضع و تشریع نمی تواند مخصوص عصر حضور باشد. ازاین رو، باید اجرا گردد و این فقیهان هستند که به جای امامان معصوم، موظف به اجرای آن هستند. همچنین، نیابت برای فقها در بسیاری از موارد می رساند که هیچ گونه فرقی میان مناصب و اختیارات گوناگون امام در این جهت نیست و همه این مناصب در عصر غیبت بر عهده فقها گذاشته شده است. حفظ نظام و ایجاد نظم در امت که از مهم ترین واجبات است، ایجاب می کند که فقیهان شایسته، این وظیفه خطیر را بر عهده گیرند. سپس می فرماید: اگر ولایت فقیه گسترده و فراگیر نباشد، هر آیینه بسیاری از امور مربوط به جامعه تشیع به تعطیلی می انجامد.(۱)

ایشان در جای دیگر می گوید:

شگفت آور است که پس از این دلایل عقلی و نقلی، برخی از مردم ـ [نه فقها] ـ در این باره وسوسه و تشکیک کرده اند؛ گویی از فقاهت بویی نبرده و از فهم رموزسخنان معصومین بهره ای ندارند؛ زیرا عبارت وارده در روایات به خوبی می رساند که نیابت فقها از امامان ـ در عصرغیبت ـ در تمامی شئونی که به مقام امامت مرتبط می باشد، به عینه بر عهده فقیه نهاده شده است. و لذا مرحوم سلار در مراسم تصریح می کند که این امر به فقیهان تفویض گردیده است.(۲)

از آنچه گذشت می توان دریافت که صاحب جواهر، ولایت فقیه را یک

۱- همان، ج ۲۱، ص ۳۲۸.
۲- همان، ص ۳۹۵.

منصب شرعی می داند و آن را یک حکم وضعی می شمرد.

۲. منصب قضا

صاحب جواهر در شرح عبارت محقق که اذن امام را در قضاوت شرط می داند می گوید:

در شرط بودن اجازه ولی امر، اختلاف نظری میان فقها وجود ندارد، بلکه اجماع منقول و محصل بر آن وجود دارد؛ زیرا منصب حکومت قضایی اساسا از وظایف امام مسلمین است تا به هر که شایسته یافت، واگذار کند.(۱)

ازاین رو، منصب قضا باید با شناسایی افراد شایسته از سوی مقام ولایت امر، تفویض و واگذار شود و بدون اذن او مشروعیت نخواهد داشت.

۳. سازمان قضایی با قضاوت شورایی

در این زمینه که قضاوت باید فردی باشد یا به صورت شورایی و سازمان قضایی تشکیل شود، او معتقد است قضاوت به صورت شورایی، افزون بر اینکه برابر اصل جواز مانعی ندارد، به اجرای عدالت و استواری در داوری نیز نزدیک تر است.(۲)

ط) شیخ اعظم انصاری (۱۲۱۴ _ ۱۲۸۱ ه. ق)

اشاره

ط) شیخ اعظم انصاری (۱۲۱۴ _ ۱۲۸۱ ه. ق)

شیخ مرتضی انصاری روز عید غدیر، در شهر دزفول، در خاندان علم و فضل تولد یافت. اگرچه پیش از شیخ و پس از او عالمان برجسته ای که همواره پشتیبان دین بوده اند از این خانواده برخاسته اند، ولی وی نخستین

۱- همان، ص ۳۹۵.

۲- جواهر الکلام، ج ۲۱، صص ۳۹۳ و ۳۹۷.

شخصیت علمی معروف این خانـدان است که سالیـان دراز در رأس مـذهب شـیعه قرار گرفت و مرجع علمی و فتوایی بود.(۱) شیخ، سر آمد عالمان امامیه و کامل ترین فقیه شیعه و بی گمان یکی از نوابغ بزرگ اسلام است. به زودی آوازه علمی وی در تمامی سرزمین ها پیچید. امروزه کمتر کسی از اهل فضل است که به مرتبه فضیلت او پی نبرده باشد. بعضی از رجال و فقها او را «خاتم الفقهاء و المجتهدین» لقب داده اند. علامه حاج میرزا حبیب اللّه رشتی ــ آن مرجع عالی قدر زمان خود و شاگرد شیخ انصاری ــ درباره استاد خود می گوید: «الذی هو تالی العصمه علما و عملاً؛ یعنی شیخ دارای شخصیت و مقامی است که از حیث علم و عمل باید او را پس از معصوم دانست و بس» (مرتبه او را تنها یک درجه پایین تر از معصوم می توان تصور کرد).

شیخ در عصری زندگی و تحصیل می کرد که در میان حوزه های علمیه، افرادی چون ستارگان فروزان علم و دانش وجود داشتند. با این همه، او توانست در عالم علم و دانش جایگاهی برای خویش پدید آورد؛ به گونه ای که دیگران تحت الشعاع وی قرار گرفتند. مرحوم نراقی، استاد وی می گوید: «در مسافرت های گوناگونی که نمودم، زیاده بر پنجاه مجتهد مسلم دیدم که هیچ کدام از آنها به مثل این جوان نبودند».(۲)

سرانجام، آن عالم وارسته پس از سال ها تعلیم و تربیت نوابغ و

۱- شیخ مرتضی انصاری، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، قم، کنگره شیخ اعظم انصاری، مؤسسه الهادی، ۱۳۷۳، چ ۱، ص ۷۷.

۲- زندگی و شخصیت شیخ انصاری، صص ۹۷ و ۹۸.

برجستگان بی شمار در شب هجدهم جمادی الثانی به سال ۱۲۸۱ ه . ق در سن ۶۷ سالگی در نجف اشرف درگذشت و جهان اسلام را برای همیشه در عزای خود سوگوار کرد.(۱)

استادان شیخ عبارت اند از: شیخ حسین انصاری دزفولی؛ شریف العلمای مازندرانی؛ شیخ موسی کاشف الغطاء و برادرش، شیخ علی؛ سیدمحمد مجاهد؛ حاج ملا احمد نراقی.

شیخ نوشته های فراوانی دارد که برخی از آنها چنین است: فرائد الاصول (رسائل)؛ مکاسب یا متاجر؛ کتاب رجال؛ کتاب القضاء؛ اصول الفقه در یک مجلد در بردارنده ۶۲ مبحث از مباحث اصول؛ کتاب طهارت، شرح بر ارشاد علامه.

دیدگاه های سیاسی شیخ اعظم

۱. تقیه

در طول تاریخ شیعه، به ویژه پس از غیبت، عنصر تقیه و جایگاه استوار آن سبب شد که بسیاری از عالمان و فقیهان با دست آویز قرار دادن آن از بیان برخی دیدگاه ها و اجرای برخی از فعالیت های سیاسی بپرهیزند. از این عنصر، افزون بر دارا بودن وجوه مثبت فراوان، در طول تاریخ سیاسی شیعه، برداشت های نادرستی شده و مستمسک برخی از افراد اهل تساهل و تسامح گردیده است. در این باره، شیخ انصاری، تقیه را به اعتبار احکام خمسه (وجوب، استحباب، اباحه، کراهت و حرمت) تقسیم کرد و این موضوع را به روشنی بیان نمود و برای هر یک از اقسام پنج گانه تقیه مثال هایی هم آورد. تقیه تنها یک اجازه موقت است و نباید توجیه گر

۱- همان، ص ۱۶۹.

ترس و ریا و گریز از تکالیف به نحو هوس آلوده باشد.(۱)

۲. ولایت فقیه

شیخ اعظم انصاری را از جمله مخالفان نظریه ولایت فقیه دانسته اند. وی در زمینه نیابت عامه و ولایت فقیه معتقد است اثبات نیابت عامه و ولایت فقیه، به عنوان منصب از راه دلایل یاد شده مشکل است. ولی با این مسئله که تصدی امور عامه و به ویژه در رابطه با احکام انتظامی اسلام در عصر غیبت، وظیفه فقیه جامع الشرایط و مبسوط الید است، مخالفتی ندارد، بلکه به صراحت آن را از ضروریات شرع می داند.

توضیح اینکه امور حسبیه، مانند ایجاد نظم و پاسداری از مصالح همگانی، از ضروریاتی است که شرع مقدس، سستی در آن را جایز نمی داند و وظیفه فقهای شایسته است که آن را عهده دار شوند. بر پایه این برداشت، تصدی این امور، یک وظیفه شرعی، مانند واجب کفایی است، ولی برابر برداشت دیگر فقها، این تنها یک منصب است که از سوی شرع به آنها واگذار شده است. در هر صورت، در اینکه فقها عهده دار این وظیفه خطیرند همگان هم نظرند؛ خواه این امر یک وظیفه تکلیفی صرف باشد یا منصب واگذار شده از سوی ائمه هدی علیهم السلام.(۲)

۳. مناصب فقیه

شیخ انصاری، سه وظیفه برای فقیه برشمرده است که عبارتند از: افتا؛ حکومت (قضاوت)؛ ولایت تصرف در اموال وانفس.

۱- شیخ مرتضی انصاری، مکاسب، کتاب البیع، صص ۱۵۳ و ۱۵۵.
۲- شیخ مرتضی انصاری، کتاب القضا، صص ۴۷ و ۴۹.

شیخ انصاری دو منصب افتا و قضا را برای فقیه ثابت می دانـد، ولی درباره منصب سوم تأمل می کنـد و احتمال می دهـد که مسئله اجرای حدود ــ که در رابطه با ولایت فقیه است ــ از وظایف اختصاصی امام معصوم باشد و ثبوت آن را برای فقیه در عصر غیبت مشکوک می داند و با توجه به اصل جاری در مسئله ولایت (ولایت نداشتن کسی بر کسی یا کسان دیگر) بنا را بر ثابت نبودن آن می گذارد. شیخ مسائل مورد ابتلا را که مسئول مشخصی ندارد، دو گونه فرض کرده است:

۱. اموری که شرع مقدس رضایت نمی دهد که تعطیل شده و بی سرپرست بماند؛ به گونه ای که اگر فقیهان جامع الشرایط هم نباشند، مؤمنان عادل باید برای اجرای آن بپاخیزند؛ یعنی به نحو واجب کفایی باید اجرا شود. او در این گونه امور، نخست فقها را مسئول می داند.

۲. کارهایی که مشروعیت ایجاد آن به طور مطلق مشکوک است و احتمال می رود اجرای آن مشروط به اذن خاص معصوم و وظیفه خاص او باشد. در این گونه امور شیخ می گوید:

دلایل ارائه شده قصور دارد و نمی توانـد اثبات کنـد که فقیه همچون امام معصوم، مسئول اجرای آن است. لـذا ثبوت ولایت فقیه در این گونه امور، قطعی نیست؛ به ویژه که اصل جاری در مسئله، «اصل عدم» است.(۱)

از مواردی که شیخ شاهد مثال آورده است، به خوبی درمی یابیم که مناقشه ای موضوعی است. مسائلی مانند سرپرستی اموال غایب که بدون داد و ستد در معرض تلف شدن است، یا اجرای حدود (احکام انتظامی

۱- محمد هادی معرفت، ولایت فقیه، صص ۵۰ و ۵۱.

اسلام) بی گمان نمی تواند ویژه عصر حضور باشد و عموم مصلحت و اطلاق احکام یاد شده ایجاب می کند که برای همیشه ادامه داشته باشند و بی گمان مسئول اجرای آنها، فقیه جامع الشرایط است.

از این رو، شیخ در کتاب قضاء به طور کامل از این رأی عدول می کند و تمامی مواردی را که مصلحت عامه ایجاب کند که در عصر حضور وظیفه امام بوده باشد، در عصر غیبت وظیفه فقیه جامع الشرایط می داند. ایشان در این زمینه به مقبوله عمر بن حنظله استناد می کند و با یک دقت عمیق فقهی، مرجعیت عام فقیه را استفاده می کند و می گوید:

حکم فقیه جامع الشرایط در تمامی فروع احکام شرعی و موضوعات آن، حجت و نافذ است؛ زیرا مقصود از لفظ حاکم در روایات، نفوذ او در تمامی شئون و زمینه هاست و مخصوص مسائل قضایی نیست و این همانند آن است که سلطان وقت، کسی را به عنوان حاکم معین کند که مستفاد از آن تسلط او بر تمامی آنچه مربوط به شئون حکومت است، چه جزئی باشد و چه کلی و لذا لفظ «حَکَم» را که مخصوص باب قضاوت است، به کار نبرده، بلکه لفظ «حاکم» را که عمومیت نفوذ سلطه را می رساند به کار برده اند.(۱)

بنابراین، می توان گفت شیخ همان عقیده ای را برگزیده است که دیگر فقیهان بزرگوار پیموده اند؛ یعنی ولایت عامه فقیه جامع الشرایط در دوران غیبت.

ص: ۱۳۲

۱- شیخ انصاری، مکاسب محرمه، قم، مکتبه العلامه، قطع رحلی، ص ۳۲۰.

فصل سوم: دوره تکامل نظریه های سیاسی شیعه (چارچوب و مبانی نظام سیاسی)

۱. ویژگی های دوره

اشاره

این مرحله در قرن چهاردهم با نهضت تنباکو در سال ۱۳۰۸ ه . ق و سپس با انقلاب مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ه . ق آغاز شد. در این مرحله، اندیشه ولایت فقیه از یک نظریه مجمل و مبهم به یک نظریه تبیین شده تبدیل شد؛ نظریه ای که می خواهد واقعیت سیاسی امت را اصلاح کند و اداره شئون جامعه اسلامی را به دست گیرد. باید گفت اندیشه سیاسی شیعه به دلیل رشدنایافتگی فقه سیاسی شیعه تا پیش از مشروطیت گسترده نبود، ولی پس از مشروطیت شاهد توسعه یافتگی آن هستیم. پیدایش حساسیت در مقابل قدرت سیاسی و مفاهیم مربوط به آن، مانند آزادی، عدالت، برابری، قانون، مجلس، حق اکثریت، نظام شورایی، نظام مشروطه و جمهوریت و به اعتباری، واقع گرایی و خارج شدن از حالت آرمانی و گفتمان تعطیل نشدن حکومت در عصر غیبت (رفض گفتمان تعطیل حکومت) برآمده در عصر غیبت، ناشی از شکل گیری اجتهاد جدیدی در فقه و اندیشه سیاسی شیعه است. بسیاری از مسائل، بدیهی و ضروری تلقی شده و دین به عنوان نظامی از ایمان، معارف و مناسک به شمار آمده است که همه ساحت های زندگی انسان را فرا می گیرد. در ادامه، جدای از

عوامل نظری (مانند تأثیر اصول و فلسفه در اجتهاد جدید)، عوامل عینی تأثیرگذار بر دگرگونی های نظری اندیشه سیاسی شیعه را پس از مشروطیت بررسی می کنیم.

الف) جایگاه اجتماعی فقیهان

از عوامل تأثیرگذار بر دگرگونی های نظری اندیشه سیاسی شیعه، اقتدار یافتن عالمان و فقیهان در عرصه اجتماعی است. هر چند فقیهان در دوران حکومت صفوی نزد حکومت ها منزلت والایی داشتند، ولی در دوره قاجار مجال بسیار گسترده ای برای فعالیت های فکری و سیاسی و اجتماعی علما پدید آمده بود که قابل مقایسه با دوره های گذشته مانند دوره صفویه نیست. «علمای شیعه در دوره قاجار پیشرفت چشم گیری نسبت به دوره صفویه به دست آوردند. اگر در صفویه، قدرت مذهبی و فقهی علما، تحت الشعاع قدرت سیاسی شاهان صفوی قرار می گرفت، در دوره قاجار، شاهان با علمایی مواجه بودند که از صفویه تا روی کار آمدن قاجار، بر جایگاه و نفوذ اجتماعی شان افزودند و خود و حوزه هایشان را بیشتر تحکیم کردند».(۱)

جنبه دیگر قضیه نیز به همکاری میان جامعه و علما مربوط می شود. به گونه ای که مردم در مسائل سیاسی ـ اجتماعی خود به علما متوسل می شدند تا جایی که پاسخ دادن را وظیفه شرعی عالمان می دانستند و این وضعیت در نامه ها، کتاب ها و رساله ها و تلگراف های علما آشکارا بازتاب

۱- مقصود فراست خواه، سرآغاز نو اندیشی معاصر، دینی و غیر دینی، تهران، ۱۳۷۷، چ ۳، ص ۳۴۲.

دارد.

«پاسخ های علما به دل مشغولی های غالب جامعه، هم متأثر از حوادث جاری در کشور و اندیشه های وارده بود و هم مؤثر بر تحولات روز و تفکر رایج. این کنش متقابل، به غنای تفکر سیاسی شیعی جدای از نتایج بیرونی در عرصه عمل سیاسی انجامید».(۱)

ب) کنش ها و واکنش های متقابل استبداد و استعمار

با ورود علما به عرصه های سیاسی ـ اجتماعی ایران، این نکته بیش از پیش روشن شد که استبداد و نظام استبدادی به فروپاشی اجتماعی می انجامد و زمینه ساز استیلای استعمارگران بر سرزمین اسلامی می شود و همکاری استبداد و استعمار، بنای دین و دنیای ملت را بر باد می دهد. مشاهده این وضعیت، به رونق هر چه بیشتر اندیشه سیاسی فقها و علما کمک کرد و تأثیرهای فراوانی بر چگونگی اجتهاد فقها بر جای گذاشت. انقلاب اسلامی ایران، نمونه کاملی از تکامل اندیشه سیاسی در عرصه نظری و عملی است.

۲. فقیهان و دانشمندان

اشاره

در این مرحله، شخصیت های علمی و فقهی بسیاری مانند: میرزاحسن شیرازی، سید جمال الدین اسدآبادی، میرزاحسین نایینی، شیخ فضل اللّه نوری، سیدحسن مدرس، سیدمحسن حکیم، سید ابوالقاسم خوئی، سید محمدباقر صدر و حضرت

۱- جمیله کدیور، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸، چ ۱، ص۲۵۷.

امام خمینی رحمه الله فقه پویای شیعه را تکامل بخشیدند.دراین پژوهش،باتوجه به مجال اندک، تنها اندیشه ها و نظریه های سیاسی برخی از این بزرگواران را بررسی خواهیم کرد.

الف) آیت اللّه میرزا محمد حسین نایینی (۱۲۷۶ _ ۱۳۵۵ ه. ق)

اشاره

آیت اللّه میرزا محمدحسین غروی نایینی، فرزند شیخ عبدالرحیم از عالمان بنام شیعه، در سال ۱۲۷۶ ه . ق، در خانواده ای روحانی در شهر نایین از توابع اصفهان دیده به جهان گشود.(۱) وی، تحصیل علم و دانش را از سنین کودکی در زادگاهش آغاز کرد و پس از آن در اصفهان، تحصیلاتش را در رشته های مختلف فقه، اصول، کلام و حکمت ادامه داد و در تمام آنها به درجه اجتهاد و استادی رسید. وی در سال ۱۳۰۳ ه . ق راهی عتبات عالیات شد و در سامرا مقیم گشت و از شاگردان برجسته میرزای شیرازی و در اواخر عمر شریف میرزا، کاتب او شد.(۲) مهارت او در اصول فقه سبب شد که به «مجدد علم اصول» شهرت یابد. حوزه درس او به دلیل «موشکافی های دقیق» و «پیچیدگی تحقیقاتش» امتیاز خاصی پیدا کرد؛ به گونه ای که افراد مبتدی و متوسط در آن شرکت نمی کردند و تنها صاحب نظران در آن حضور می یافتند. محضر درس او را از بزرگ ترین مجلس های درس و بحث در نجف اشرف شمرده اند.(۳)

نایینی در مکتب میرزای شیرازی تربیت شد و با بینش اجتماعی _

۱- حسین نایینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق: سید جواد ورعی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۱۱.

۲- همان، ص ۱۲.

۳- همان، ص ۱۳.

سیاسی او انس گرفت. او در نهضت تنباکو از مشاوران میرزای شیرازی به شمار می رفت و همواره در عرصه های سیاسی و اجتماعی حضور فعالی داشت. حضور وی در رویدادهای مهم سیاسی آن عصر، همچون انقلاب مشروطیت در ایران، جهاد بر ضد استعمار انگلیس، تجاوز روسیه و نهضت اسلامی در عراق که به تبعیدش انجامید، گواه بر شخصیت اجتماعی و سیاسی اوست.(۱) او را از بزرگ ترین حامیان مشروطه شمرده اند؛ زیرا نگارش کتاب مشهور و ارزنده تنبیه الامه و تنزیه المله که مورد تأیید رهبران مشروطه، آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و ملا عبداللّه مازندرانی قرار گرفت، سهم بسزایی در این نهضت ایفا کرد.(۲) سرنوشت ناگوار مشروطه ایران که به حاکمیت استبداد سیاه خاندان پهلوی انجامید و حوزه روحانیت و رهبران مشروطه را نا امید کرد، هرگز از اهمیت این اثر نمی کاهد؛ هر چند نابینی از اینکه کتابش پشتوانه چنان مشروطه ای باشد و قدرت طلبان و فرصت طلبان مدعی مشروطه از آن بهره گیرند، ابا داشت و ناراحتی خود را از انتشار کتابش در آن شرایط مخفی نمی کرد. با این همه، سرنوشت مشروطه موجب کناره گیری کلی نایینی از عرصه های سیاسی ـ اجتماعی نشد. شخصیتی چون او نمی توانست درباره سرنوشت اسلام و مسلمانان بی تفاوت باشد. در ماجرای هجوم روسیه به شمال ایران، در سال ۱۳۳۰ ه . ق، در کنار علمای نجف به رهبری آخوند خراسانی و ملای مازندرانی برای حرکت به سمت ایران آماده شد.

۱- همان، ص ۱۵.

۲- همان، ص ۱۶.

همچنین در ماجرای جنگ جهانی اول و اعلان جهاد بر ضد انگلیس در عراق، در سال ۱۳۳۳ ه . ق، در شمار علمایی بود که در جبهه و جهاد حضور جدی داشتند.(۱) سرانجام این عالم بزرگوار، پس از هشتاد سال عمر با برکت، در ۲۶ جمادی الاول سال ۱۳۵۵ ه . ق دارفانی را وداع گفت.(۲)

نایینی آثار فراوانی به جا نهاد. برخی به قلم او و برخی محصول سال ها تدریس اوست که به قلم شاگردانش به رشته تحریر درآمده است. این آثار عبارتند از: وسیله النجاه؛ حواشی علی العروه الوثقی؛ رساله الصلوه فی اللباس المشکوک؛ رساله فی نفی الضرر؛ رساله فی التعبدی و التوصلی؛ تنبیه الامه و تنزیه المله.(۳)

دیدگاه های سیاسی محقق نایینی

اشاره

نایینی در مقدمه کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله، مطالب زیر را به اجمال بررسی می کند:

۱. ضرورت برپایی حکومت

۱. ضرورت برپایی حکومت

نایینی برپایی حکومت را در جامعه انسانی، به هر طریق ممکن از نیازهای حیاتی و اساسی زندگی انسان می داند و آن را سبب بقای حیات اجتماعی بر می شمارد؛ خواه این حکومت، حکومت فرد باشد یا حکومت جمع و اداره آن به حق باشد یا از راه غصب (اغتصاب)؛ از راه زور و فشار بر پا شده باشد یا به وراثت یا به انتخاب مردم.(۴)

۱- . همان، ص ۱۷.

۲- همان، ص ۱۸.

۳- همان، ص ۱۹.

۴- همان، ص ۳۹.

۲. انواع حکومت

اشاره

با توجه به اینکه استیلای سلطان از چه راهی به وجود آمده باشد، دو حالت می توان برای آن در نظر گرفت:

الف) سلطنت تملیکیه

اشاره

این سلطنت، با ویژگی هایی که نایینی برای آن بر می شمارد، همان حکومت استبداد مطلق است که در آن، فردی حکومت را حق مطلق خود می داند و از هیچ ستمی ابا ندارد و هر کاری که بخواهد، بدون در نظر گرفتن مصالح ملت می کند؛ زیرا حکومت و مملکت را دارایی شخصی و مردم را بندگان، کنیزان و بردگان خود قلمداد می کند، بلکه آنان را مانند گوسفندان و چهارپایان در نظر می گیرد که در تمام امور بر آنها چیره است. هر کس که در انجام کارهایش، با او همکاری داشته باشد، مورد محبت و مهربانی اوست و هر کس به مخالفت با او برخیزد، تبعید، اعدام و یا قطعه قطعه می شود. خلاصه آنچه از پلیدی ها و پستی ها می توان شمرد، در پرورنده اعمال او می توان دید. بنابراین، حکومت او را باید حکومت استبدادیه، استعبادیه، اغتصابیه، تسلطیه و تحکمیه نامید.

نایینی، آن گاه به اصل و ریشه این حکومت اشاره می کند و می گوید:

اصل این شجره خبیثه، فقط همان بی علمی ملت است به وظایف سلطنت و حقوق مشترکه نوعیه و قوام آن به عدم مسئولیت در ارتکابات و محاسبه و مراقبه در میان نبودن است.(۱)

مبانی سلطنت تملیکیه

مرحوم نایینی، افزون بر اینکه مطیع بودن ملت در تحت اراده سلطنت

۱- همان، صص ۴۰ _ ۴۳.

و نبود مشارکت سیاسی مردم را از مؤلفه های حکومت تملیکیه می شمارد، دو مقوله اسارت و تبعیض را نیز مبنای این گونه حاکمیت می داند.(۱)

ب) سلطنت ولایتیه

اشاره

این حکومت، ویژگی های حکومت پیشین را ندارد؛ یعنی در این حکومت، قدرت مطلقه بی معناست و اساس آن انجام وظایف، بر مبنای مصالح نوعی و مردمی است و استیلای حاکم نیز تا اندازه ای است که موجب تجاوز به حقوق مردم نشود و حکومت و اختیارات او مقید و مشروط است.(۲) این نوع حکومت را می توان حکومت مقیده، محدوده، عادله، مشروطه، مسئوله و دستوریه نامید.(۳)

یک ــ عوامل مؤثر در بقای حکومت ولایتی

اشاره

در استمرار حکومت ولایتی دو عامل نقش اساسی دارد:

اول ــ عصمت

اول ــ عصمت(۴)

نایینی، عصمت را رکن اساسی این نوع حکومت معرفی می کند. به نظر او، تنها فرد شایسته حکومت امام معصوم است. وی با تشریح اهمیت و جایگاه این مقوله به وضعیتی که مردم به معصوم علیه السلام دسترسی ندارند، یعنی عصر غیبت اشاره می کند.

دوم ــ نظارت بیرونی

دوم ــ نظارت بیرونی(۵)

در این زمان، نظارت بیرونی، یعنی گماشتن عده ای صاحب نظر که بر

۱- همان، ص ۴۹.

۲- همان، ص ۴۳.

۳- همان، ص ۴۵.

۴- همان، صص ۴۹ و ۵۰.

۵- همان، ص ۵۱.

حاکم نظارت داشته باشند و او را در انجام وظیفه راهنمایی کنند. همچنین برای مردم، آزادی در اعتراض و انتقاد معتقد باشد. نایینی اعطای آزادی انتقاد به مردم را از باب تفضل از سوی حاکم می داند، نه از باب استحقاق که مصداق آن نایاب و دست نایافتنی است.

عواملی که موجب تحقق نظارت بیرونی می شوند، عبارتند از: تدوین قانون اساسی؛(۱) تشکیل مجلس شورای ملی.(۲)

دو _ مبانی حکومت ولایتیه

نایینی رحمه الله شاخصه های این حکومت را برخلاف حکومت پیشین در نظر گرفته و آزادی قشرهای جامعه و نیز برقراری برادری و برابری در بین آنها و ارتباط بین حاکم و رعیت را اساس حاکمیت ولایی مطرح کرده است.(۳) منظور او از آزادی، همان رهایی از اسارت و بندگی است.(۴)

۳. آزادی و آزادگی امام عصر عج الله تعالی فرجه الشریف

نایینی رحمه الله با استدلال به آیه مبارکه ۵۵ سوره نور و فرازهای آخر دعای افتتاح، بیان می کند که حضرت هیچ گونه بیعتی نسبت به طاغوت های زمان ندارد و او آزاد از هر گونه قید و بند این جهان مادی است و امتیاز او آزادی و آزادگی از اسارت طاغوت های زمان است.(۵)

۴. نفی استبداد

نایینی رحمه الله با در نظر گرفتن کلام عبدالرحمن کواکبی، در طبایع الاستبداد،

۱- همان، ص ۴۶.

۲- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۴۶.

۳- همان، ص ۴۸.

۴- همان.

۵- همان، ص ۵۶.

مقوله استبداد را به دو وجه سیاسی و دینی تقسیم کرده است و ارتباط این دو را بسیار نزدیک به هم و حافظ یکدیگر دانسته و خلاصی از قسم اول را آسان تر از قسم دوم و منحصر به آگاهی ملی دانسته است.(۱)

او پیروی از استبداد را نه تنها ستم به خویشتن انسان که از مراتب شرک به ذات احدیت می داند. اعمال و رفتار غاصب را نه تنها ستم به بندگان خدا که موجب غصب مقام پروردگار و ستم به ساحت احدیت می شمارد و قیام برای رهایی از این بندگی ذلت بار را موجب خروج انسان از ورطه پست نبات و حیوان و عروج به ساحت شرف و مجد انسانیت می داند و آن را از مراتب و شئون توحید و از لوازم ایمان به وحدانیت قلمداد می کند و آزادی خدادادی را از اهم مقاصد انبیاء علیهم السلام ذکر می کند.(۲)

۵. مساوات

نایینی با استفاده از سیره و کلام معصوم علیه السلام مقوله مساوات آحاد ملت با سلطان را در سه حوزه، تعریف کرده و مصداق هر یک را بیان می کند.(۳) این سه حوزه عبارتند از: مساوات در حقوق؛ مساوات در احکام؛ مساوات در مجازات.

۶. فقها در مصاف با استبداد

نایینی با بیان این مطلب که رهایی و آزادی مسلمانان از بند ستم و استبداد و احقاق حق آنان تنها با تلاش پی گیر و همت عالی عالمان ربّانی

ص: ۱۴۲

۱- همان، ص ۵۸.

۲- همان، ص ۵۹.

۳- همان، صص ۶۰ و ۶۱.

امکان پـذیر است، آنها را به پیروی ازسیره مقدس معصومین علیهم السلامفرا خوانده و قاعده «ما لا یدرک کله لا یترک کلّه» را یـادآور می شود که در حـد توانایی دفاع از کیان اسـلام و شـعائر الهی ضـروری است. در این راسـتا، تلاش برای دگرگونی سلطنت و اصلاح مفاسد موجود را از «اهم واجبات و فرایض» می داند.(۱)

۷. استبداد دینی و آمیختن حق و باطل

نایینی، اسـتبداد دینی را شـعبه ای از همان شجره خبیثه استبداد مطلق می داند؛ زیرا این گونه استبداد در راستای تحکیم استبداد مطلق گام بر می دارد. در این نوع اسـتبداد، حاکمان غیردینی به کمک روحانیان درباری و وابسته به اسم دین برای دست یابی به هـدف های پلیـد و خودخواهانه تلاش می کننـد و مصداق کامل آیه شـریفه «وَ لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباطِلِ وَ تَکْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۴۲) است که برای کتمـان حقیقت، حق را به صورت باطل و باطل را به صورت حق درآوردن است؛ یعنی میان حق و باطـل آمیختگی ایجـاد کنـد؛ به گونه ای که تمـایز آن غیرممکن باشـد و این ممکن نیست مگر اینکه از حربه ای به نـام دین و مقدسات دینی بهره گرفته شود تا مردم به این واسـطه فریفته شوند. نایینی آن گاه آزادی و حریت را بررسـی می کند و اقامه آن را از مهم ترین مقاصد پیامبران و اولیای الهی می داند و بر ملت ایران تأسف می خورد که به دلیل حاکمیت استبداد و نیز انحطاط فکری اش آزادی انسانی آنان گرفته شده و بنده و برده ستمگران

ص: ۱۴۳

۱- همان، ص ۶۳ .

شده اند. او دلیل این وضعیت را موهوم خواندن سلب آزادی ملت ایران از سوی ستمگران و نیز فعالیت گروه های مخالف با دین و مذهب می داند و می فرماید:

اما حریت مظلومه مغصوبه ملت ایران از ذل رقیت جائرین را... به موهومش خواندن قناعت نکرده و به صورت بی مانعی فسقه و ملحدین در اجهار به منکرات و اشاعه کفریات و تجری مبدعین در اظهار بدع و زندقه و الحادش جلوه دادند و حتی بی حجاب بیرون آمدن زنان [را] ... از لوازم و مقتضیات این حریت مظلومه مغصوبه شمرده اند! .(۱)

نایینی پس از آن، آمیختگی مصداقی مساوات در قوا و حقوق را بیان می کند و نمونه آن را مسائلی مانند مساوات اهل ذمه با مسلمانان در ابواب ارث و نکاح و قصاص و دیات ذکر می کند. سپس یکسان شمردن اصناف مکلفان مانند، بالغ، نابالغ، عاقل، مجنون و... را از مساوات می داند و این اختلاط را سرزنش می کند و آن را از مصادیق همان کتمان حق می داند. آن گاه مردم را به شناخت اهداف و مقاصد خدمتگزاران واقعی دین و میهن و به پیروی راه پیامبر و ائمه هدی علیهم السلام فرا می خواند.(۲)

آنچه تاکنون به عنوان اندیشه های سیاسی نایینی مطرح شد، برگرفته از مقدمه کتاب اوست. اینک نظریه های اساسی آن بزرگوار را گزارش می کنیم:

در فصل اول کتاب، به حقیقت سلطنت [حکومت] نزد ادیان و عقلا

ص: ۱۴۴

۱- همان، ص ۶۵.

۲- همان، صص ۶۶ و ۶۷.

اشاره کرده و امانت داری را اصل تأسیس سلطنت (۱) در ترتیب قوا و وضع خراج و... می داند. نیز در همین فصل در مقام دوم، درجه محدودیت سلطنت (۲) (محدود ساختن حکومت) را بیان می کند و موضوع جلوگیری از اعمال و رفتار خودسرانه و مستبدانه حاکم را مسئله ای مورد اتفاق اهل سنت و شیعه امامیه دانسته و آن را انکارناپذیر می شمارد؛ خواه به دلیل مطرح کردن اعتبار الهه عصمت و نصب الهی باشد [نظر امامیه]، خواه به دلیل بیعت اهل حل و عقد [نظر اهل سنت]. به هر حال، به نظر او تحدید حکومت و جلوگیری از زیاده روی های بی مورد، مسئله ای است که مسلمانان درباره آن اتفاق نظر دارند.

در فصل دوم، موضوعی با عنوان تحدید سلطنت در عصر غیبت(۳) را مطرح می کند و مطالب زیر را در آن بررسی می کند: وجوب نهی از منکر؛ نیابت فقها در عصر غیبت؛ لزوم تحدید غاصب. او درباره نیابت فقها می گوید:

دومین مطلبی که از جمله قطعیات مذهب ما ــ طایفه امامیه ــ می باشد، این است که در عصر غیبت معصوم عج الله تعالی فرجه الشریف در وظایف حسبیه (اموری که شارع مقدس راضی به اهمال در آن نمی باشد) نیابت فقها قدر متیقن و ثابت است، حتی اگر ما قائل به نیابت عامه فقها نشویم؛ چون اهمال در این امر، موجب اختلال نظام و تزلزل ارکان اسلام می شود. ازاین رو، حفظ

۱- همان، ص ۶۹.

۲- همان، ص ۷۲.

۳- همان، ص ۷۵.

نظم ممالک اسلامی و تلاش در راه استحکام پایه های اسلام از قطعی ترین وظایف است. در نتیجه، نیابت فقها در انجام این وظایف از مسلمات و قطعیات مذهب است.(۱)

همچنین ایشان در مورد لزوم محدود کردن اعمال استبدادی حاکمان ستمگر می گوید:

چنانچه غاصبی بر دارایی مسلمانان تصرف عدوانی داشته باشد (تصرّفی که با زور و اجبار باشد) و جلوگیری از کارهای ستمگرانه از او ممکن نباشد، در این صورت باید با تدبیری خاص، گروهی را به عنوان ناظر موظف کرد تا جلوی بعضی از خودسری ها و رفتارهای مستبدانه او را بگیرد و همه یا قسمتی از بیت المال مسلمانان را از چنگ او برهاند. البته واجب بودن این امر، بدیهی و روشن است و نه تنها عالمان مسلمان، بلکه هیچ عاقلی در دنیا با آن مخالفت نخواهد کرد.(۲)

محقق نایینی پس از بیان این سه مقدمه به عنوان نتیجه، لزوم تحدید سلطنت ظالم و تحویل آن به مشروطه(۳) را بیان می کند و در این زمینه نیز توضیح هایی می دهد که به دلیل تکراری بودن، از بیان آن چشم پوشی می کنیم.

۸. نقش شورا و مشورت در حفظ حکومت اسلامی

محقق نایینی، علت نفوذ و گسترش اسلام را در آغاز ظهور آن، وجود عناصری مانند عدالت، شورا و نیز آزادی و مساوات مردم با حاکمان در حقوق و احکام می داند. وی علت وضعیت ناهنجار مسلمانان در دوره

۱- همان، صص ۷۵ و ۷۶.

۲- همان، ص ۷۶.

۳- همان.

خود را نیز، وجود حکومت های ظالم و مستبد بیان می کند و به همه مسلمانان هشدار می دهد:

چنانچه باز هم مسلمانان، از این سکرت و غفلت به خود نیایند و کما فی السابق، در ذلت عبودیت فراعنه امت و چپاولچیان مملکت باقی بمانند، چیزی نخواهد گذشت که _ العیاذ باللّه تعالی _ مانند مسلمین معظم افریقا و اغلب ممالک آسیا و غیر ذلک، نعمت و شرف و استقلال قومیت و سلطنت اسلامیه را از دست داده و در تحت حکومت نصاری اسیر و... خواهد گشت.(۱)

سپس دعا می کند که «وقی اللّه المسلمین عنه ولا ارانا اللّه ذلک؛ خداوند مسلمانان را از چنین عاقبتی حفظ کند و چنین روزی را به ما نشان ندهد.» پس از آن، خطر دخالت سیاسی همسایگان جنوبی و شمالی را یادآور می شود و برای دفع همه این خطرها پیشنهاد می کند که اگر حکومت از شکل ظالمانه استبدادی اش خارج شود و به شکل عادلانه شورایی درآید، کیان اسلام و مسلمانان، از استیلای کفار حفظ می شود و سپس این امر را از مهم ترین فرایض الهی می شمارد.(۲)

۹. مشروطه و تحدید سلطنت

اشاره

نایینی بخش سوم کتاب خود را به این عنوان اختصاص می دهد و آن را در سه قسمت جداگانه که هر یک دارای ویژگی های مربوط به خود است، توضیح می دهد. این قسمت ها عبارتند از: تحقق سلطنت اسلامی با

۱- همان، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- همان، صص ۷۹ و ۸۰.

مشورت عقلا؛[(۱)] نظارت بیرونی، جانشین عصمت و عدالت؛[(۲)] ضرورت تدوین قانون اساسی.[(۳)]

الف) تحقق سلطنت اسلامی با مشورت عقلا

او برای تشریح این قسمت، به تحلیل مشورت از دیدگاه قرآن پرداخته و به آیات ۱۵۹ آل عمران «وَ شاوِرْهُمْ فِی ٱلْأَمْرِ » و ۳۸ شوری «وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ» استناد می کند. سپس نمونه هایی از مشورت پیامبر با اصحاب را در سیره نبوی بیان می کند و آن گاه جایگاه نظرخواهی را در کلام امام علی علیه السلامیادآور می شود و به خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه اشاره می کند.

ب) نظارت بیرونی، جانشین عصمت و عدالت

او با بیان این نکته که در این عصر که دستمان از دامان عصمت و نیز از ملکه تقوا و عدالت و علم کارگزاران حکومتی کوتاه است و از سویی همگی درباره حفظ اسلام اتفاق نظر داریم، ناگزیریم گروهی ناظر فعال را برای جلوگیری از اعمال خلاف سلطنت تعیین کنیم تا دست کم، پاسداری از کیان اسلام و مسلمین را به عهده گیرند. وی در این زمینه، نظارت نمایندگان ملت بر مجریان امور را مطرح می کند و می گوید در صورتی نظارت نمایندگان کارساز خواهد بود که جایگاه نمایندگان در قانون اساسی که میثاق ملی است، مشخص باشد و قوه اجرایی مملکت، زیر نظر نمایندگان ملت باشد و از سوی آنها تعیین شود؛ زیرا نمایندگان از هر نظر بر آنها برتری قانونی، علمی و رسمی دارند. در غیر این صورت، امکان

۱- همان، صص ۸۳ _ ۸۷.

۲- همان، صص ۸۷ و ۸۸.

۳- همان، صص ۸۸ _ ۹۱.

بـاز گشت اوضـاع اسـتبدادی وجـود دارد و این نظـارت از نظر فرقه امـامیه، جانشـین قوه نگهبـان عصـمت و از نظر اهـل سـنت، جانشین ملکات علم، تقوا و عدالت است.

ج) ضرورت تدوین قانون اساسی

برای حفظ سلطنت اسلامی، باید قانون اساسی تدوین شود تا حدود، وظایف، اختیارات و ویژگی های هر یک از ارکان دولت مشـخص گردد و هیـچ کس حق دخالت در امور دیگر را نداشـته باشد، بلکه محدوده کاری و اجرایی هر فرد مشـخص گردد. همچنان که انجام صحیح اعمال مقلدان در زمینه عبادت ها و معاملات، بدون رساله عملیه ممکن نیست. پس قانون اساسی، در حقیقت، پایه و اساس مسئولیت ها و وظایف و تعیین حدود آن خواهد بود.

روشن است که قانون اساسـی بایـد بر اساس مقتضـیات مـذهب، تدوین و اجرا شود. در غیر این صورت، موضوعیت خود را از دست می دهد؛ زیرا هدف آن، حفظ کیان دین مبین اسلام است. نایینی درباره هدف تدوین قانون اساسی چنین می گوید:

... حفظ نحوه سـلطنت اسـلامیه از تبدل و تحفظ بر محدودیت و مسـئولیت و شورویت و سایر مقومات ولایتیه بودن آن، جز به ترتیب دسـتور محدد و گماشـتن هیئت مسدده، عادتا از ممتنعات است و دانستی که گماشتن هیئت مسدده در این باب، نه تنها برای واداری به اقامه وظایف لازمه و منع از تجاوزات و فقط از برای گماشتن هیئت نظار است برای حفظ امثال موقوفه مغصوبه از تطاول و چپاول غاصب، بلکه خیلی ارق و الطف و بالاتر از آن و بنابر اصول مـذهب ما، قـدر مقدور از جانشـین قوه عاصـمه عصمت و یا به تعبیر عامه [بنابر مبانی اهل سنت] به جای قوه علمیه و ملکه

تقوا و عدالت است... .(۱)

مسلمانان و فلسفه سیاسی(۲)

از دیدگاه علامه نایینی، مذهب شیعه، مذهب پویا و پرباری است و می توان با به کار بردن صحیح قوانین و دستورهای آن، مشکلات زندگی فردی و اجتماعی را حل کرد. نایینی به جامعه و مردم درباره شناخت آموزه های دین و مذهب، به ویژه در زمینه حفظ حریم اسلام و مبارزه با طاغوت ها و یا دست کم کنترل اعمال آنها هشدار می دهد و علت عقب ماندگی جامعه آن روز ایران را در بی خبری از اندیشه دینی و بیگانگی با آیین جهان شمول اسلام می داند و مردم را به شناخت عمیق دستورهای مذهبی فرا می خواند. او اسلام را دین جامع و دارای بینش عمیق سیاسی و اجتماعی می داند و مردم را به عدالت خواهی دعوت می کند و از یاری ستمگران باز می دارد. او در این زمینه، از آیات قرآن و کلام معصومین مدد می گیرد.

۱۰. نایینی و پاسخ شبهات۱

اشاره

۱۰. نایینی و پاسخ شبهات(۳)

علامه نایینی رحمه الله در فصل چهارم، به شبهات و مغالطات درباره بعضی از موضوعات به صورت مستدل و جامع پاسخ می گوید. او درباره مفاهیمی مانند آزادی، مساوات، قانون اساسی، هیئت نظار و مجلس شورای ملی به تفصیل سخن می گوید و شبهات مربوط به آنها را رفع می کند.

۱- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۹۰.

۲- همان، ص ۹۱.

۳- همان، صص ۹۶ _ ۱۲۱.

الف) مشروعیت مداخله نمایندگان مجلس

یک ـ مشروعیت مداخله

یک ـ مشروعیت مداخله(۱)

علامه نایینی رحمه الله، مشروعیت دخالت نمایندگان در امور حسبیه و عمومی را به اجازه حاکم شرع (مجتهد نافذ الحکومه) وابسته می داند یا پیشنهاد می کند عده ای از مجتهدان عادل و عالم به سیاست برای تصحیح و تنفیذ آرا، وارد مجلس شوند.

دو ـ شرایط نمایندگان مجلس

دو ـ شرایط نمایندگان مجلس(۲)

ایشان شرایط نمایندگان را در زمینه های مختلف مطرح و بررسی کرده است. از جمله:

اول ـ اجتهاد در فن سیاست؛

دوم ـ وارستگی از هوا و هوس؛

سوم ـ خیرخواه دین و دولت و مملکت.

سپس به مردم سفارش می کند:

در مسئله انتخاب، چشم و گوش خود را باز کنند، اغراض شخصیه و قرابت با زید و صداقت با عمرو و عداوت با بکر را در این مرحله کنار بگذارند. مصداقیت «شَرُّ النّاسِ مَنْ باعَ دینَهُ لِدنیا غَیْرِه» را مانند جمله ای از ظالم پرستان عصر بر خود روا ندارند. این معنا را خوب نصب العین خود نمایند که این انتخاب برای چه و این منتخبین را بر چه دسته مردم و از برای چه مقصدی می گمارند؟... حفظ ناموس دین مبین و تحفظ بر استقلال دولت و قومیت خود و حراست حوزه و ممالک اسلامیه را بر هر غرضی، چنانچه از سایر ملل مشهود است، مقدم دارند... .(۳)

ص: ۱۵۱

۱- همان، ص ۱۲۳.

۲-

۳- همان، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

سه _ وظایف اصلی نمایندگان

اشاره

او وظایف اصلی نمایندگان را در امور زیر می داند:

اول _ تطبیق دخل و خرج مملکت

نایینی، نخستین و مهم ترین وظیفه نمایندگان را دریافت و تعدیل مالیات ها و تطبیق دخل و خرج مملکت می داند و می گوید:

واضح است که حفظ کیان اسلام ممکن نیست، مگر اینکه قوای نظامی و انتظامی استوار باشند و امور داخلی و خارجی حکومت اسلامی بر پایه برنامه ای مشخص و معین رقم زده شود. اینها ممکن نیست، مگر با نظارت قوی بر چگونگی دریافت و میزان مصرف مالیات ها و جلوگیری از حیف و میل و مصرف شدن آن در راه ارضای غرایز شخصی و خواسته های ستمگرانه.(1)

آن گاه علامه نایینی به کلام مولا علی علیه السلام که در فرمان مبارک به مالک اشتر رحمه الله استناد می کند و قسمت هایی از این فرمان تاریخی را مستمسک خود قرار می دهد. آنجا که حضرت درباره اصلاح اوضاع مالیات و مالیات دهندگان و چگونگی مصرف آن، بیان سودمندی دارد و آن [مالیات] را موجب آسایش و آرامش جامعه می داند که باعث آبادانی جامعه می شود.(2) وی سپس بر سنت نبوی تأکید می کند و به بیان اراضی خراجیه مفتوح العنوه می پردازد و درباره آن توضیح های مفصلی بیان می کند. او سپس چگونگی مصرف خراج و مالیات را به تفصیل بیان می کند و مصرف آن را برای حفظ و نظم ممالک اسلامی و فقرزدایی می داند.(3)

۱- همان، ص ۱۲۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳، برگرفته از: تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۱۲۸.

۳- تنبیه الامه و تنزیه المله، صص ۱۲۸ _ ۱۳۰.

وی پس از بحثی درباره خراج و مقاسمه، بار دیگر به قسمت هایی از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه استناد می کند و حقوق متقابل والی و رعیت را بیان می کند و در پایان نتیجه می گیرد که این خطبه مبارکه، سرمنشأ علم حقوقی است که اروپاییان خود را مبدع آن می دانند و به آن مباهات می کنند.(۱)

دوم _ تشخیص وضع قوانین و تمییز ثابت از متغیر

اشاره

از وظایف اساسی نمایندگان، تشخیص کیفیت وضع قوانین و ضابطه انطباق آنها بر مسائل شرع و شناخت وجه تمایز مسائل قابل نسخ و تغییر از قوانین ثابت و تغییرناپذیر است. در اینجا، نخست تعریف روشنی از احکام ثابت و تغییرناپذیر و نیز احکام متغیر بیان می کنیم:

به نظر نایینی رحمه الله، احکام شرعی دو گونه اند: احکام اولیه؛ احکام ثانویه.

احکام اولیه، ثابت است و بر اساس شرایط و مقتضیات زمان و مکان تغییرپذیر نیست و چون نص شرعی است، باید به آن به طور تعبدی عمل کرد و این ویژگی ذاتی آن است.

احکام ثانویه، تغییرپذیر و تابع مصالح و مقتضیات زمان و مکان است و با تغییر آنها، آن احکام نیز تغییر می کند. در زمان حضور معصومین علیهم السلام برابر نظر و تشخیص آنها وضع و رفع می شود و در زمان غیبت، بر اساس نظر نایبان عام یا کسی که در اقامه این وظایف از سوی معصوم اجازه داشته باشد، تحقق می یابد و یا تعطیل می شود.(۲)

علامه نایینی در پایان فصل پنجم کتاب خود، چند فرع سیاسی را شرح

۱- همان، صص ۱۳۱ _ ۱۳۳.

۲- همان، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.

می دهد که عبارتند از:

۱. انطباق قوانین مجلس با احکام ثابت؛(۱)

۲. مشورت فقط در حوزه احکام متغیر؛

۳. الزام آور بودن قوانین حکومتی در احکام متغیر؛

۴. تدوین قوانین در حوزه احکام متغیر؛

۵. احکام متغیر تابع مصالح و مقتضیات زمان؛

۶ . تفکیک قوای سه گانه.

در پایان کتاب نیز دو نکته را یادآوری می کند که عبارتند از:

۱. عوامل تقویت کننده استبداد

۱. عوامل تقویت کننده استبداد(۲)

از دیدگاه علامه نایینی رحمه الله، عواملی که موجب پایداری حکومت استبدادی می شود و به بدبختی جامعه انسانی می انجامد و ریشه های پیشرفت و اعتلا را در جامعه می خشکاند عبارتند از:

الف) جهل مردم؛

ب) استبداد دینی؛

ج) شاه پرستی؛

د) اختلاف کلمه بین مردم؛

هـ) ترساندن و آزار و اذیت آزادی خواهان؛

و) عادی و طبیعی بودن زورگویی اقویا؛

ز) استفاده از امکانات مملکت برای سرکوبی ملت.(۳)

۱- همان.

۲- همان، ص ۱۴۱.

۳- ۱. همان.

۲. راه های مقابله با عوامل استبداد

او برای مقابله با این عوامل راه هایی پیشنهاد می کند که هر یک از این راه ها در فرهنگ اسلامی و قرآنی ریشه دارد و نیز در سنت نبوی و ائمه اطهار جایگاه ویژه ای دارد. این راه ها عبارتند از:

الف) آگاهی دادن به ملت؛

ب) علاج استبداد دینی با تهذیب نفس؛

ج) علاج شاه پرستی با تکیه بر شایسته سالاری؛

د) رواج امر به معروف و نهی از منکر؛

ه) وحدت کلمه.(۱)

۱۲. همان، صص ۱۴۱ _ ۱۵۸.

۱۳. همان، صص ۱۵۹ _ ۱۶۷.

ب) امام خمینی رحمه الله

۱. عوامل قیام مردمی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

اشاره

حضرت امام رحمه الله، عوامل مختلفی را برای پیدایش انقلاب اسلامی معرفی می کند که این امر، بیانگر گستردگی اندیشه سیاسی ایشان است. در ادامه، به اختصار برخی از عوامل را از دیدگاه ایشان بررسی می کنیم.

الف) اختناق و استبداد

امام، علت اصلی به وجود آمدن انقلاب را خفقان و سلب آزادی های فردی و اجتماعی در جامعه می داند و درباره عامل این اختناق می فرماید:

آنکه اساس این انقلاب است، آنکه اساس این انفجارهاست، خود این آقا (محمدرضا شاه پهلوی) است.(۲)

۱- ۱. همان، صص ۱۴۱ ۱۵۸

۲- سید روح اللّه موسوی خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۷.

آن گاه تأثیر ستم استبداد و اختناق را در دگرگونی های سیاسی و اجتماعی این گونه بیان می کند:

یکی از چیزهایی که موجب پیروزی شماها شد، همین زیادی ظلم و زیادی اختناق [بود]. این اختناق وقتی زیاد شد، انفجار از آن پیدا می شود، دنبال یک اختناق طولانی، هی عقده ها زیاد می شود و منتظرند که یک صدایی درآید، صدای اولی، فریادی درآید و دیگران دنبالش بروند.(۱)

امام رحمه الله این تحول جامعه ایران را یک روند قانون مند تاریخی به شمار می آورد و آن را قابل تعمیم به تمامی جوامع بشری می داند و این گونه به حکومت ها درباره آن هشدار می دهد:

حکومت ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد...(۲) ملت ما از آزادی ها محروم بود، کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت را از این مظالم به جان آورد و قیام کرد و یک قیام اسلامی بزرگ [پا گرفت]».(۳)

ب) ماهیت طاغوتی رژیم شاهنشاهی و روحیه طاغوت ستیزی مردم

از نگاه حضرت امام رحمه الله، حکومتی حکومت عدل است که مشی اسلامی را در همه زمینه ها رعایت کند و اگر چنین نبود و محتوای اسلامی نداشت، طاغوت است.(۴) ایشان می فرماید:

ما امیدواریم که با پیوستن به هم بتوانیم این طاغوت ها را تا آخر از بین

۱- همان، ج ۷، ص ۲۷۹.

۲- همان، ج ۷، ص ۷۳.

۳- همان، ج ۵، ص ۱۱۴.

۴- همان، ج ۷، ص ۳۱.

ببریم و به جای آن، یک حکومت عدل اسلامی که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیز به دست خودمان باشد... .(۱)

ایشان احساسات پاک ایثارگری و شهادت طلبی ملت ایران را برآمده از انگیزه مبارزاتی بر ضد طاغوت می داند و می فرماید:

این تحولی که الآن در کشور ماست، همه اش روی این مقصد است که اول فریادشان بلند بود که ما اسلام را می خواهیم، طاغوت را نمی خواهیم.(۲)

ج) اشاعه فساد و بی بند و باری و نفرت عمومی از مفاسد

ترویج فساد یکی از عواملی است که حضرت امام رحمه الله آن را در به ستوه آمدن مردم ایران دخیل می داند و آن را از عوامل به وجود آمدن انقلاب اسلامی می شمارد و می فرماید:

این فسادی که در ایران پیدا شده است؛ همه فسادها زیر سر رژیم شاهنشاهی بود. در تاریخ از اولی که رژیم شاهنشاهی پیدا شده است تا حالا که ما مشاهده می کنیم، هر چه مفسده بود، رژیم شاهنشاهی این مفاسد را ایجاد کرده.(۳)

این رژیم و این حکومت، حکومتی است که می خواهد جوان های ما را فاسد کند و این مراکز زیاد فحشا و همه اطراف و همه جوانب فحشا را رواج دادن برای این است که جوان ها را از دانشگاه ها بکشند به میخانه ها و به کارهای زشت و بد.(۴)

انقلاب ایران در اثر مفاسدی است که در هیئت حاکمه وجود دارد و همچنین بر اثر کارهای مخالف عقل است که شاه انجام می دهد و

۱- همان، ج ۵، ص ۵۸.

۲- همان، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

۳- صحیفه نور، ج ۳، ص ۶۶.

۴- همان، ص ۱۴۸.

خرابی هایی که با دست عمال شاه در سراسر مملکت انجام می گیرد.(۱) مراکز فحشا در این کشور این قدر زیاد بود که احصا نداشت. مراکز فساد این قدر زیاد بود که جوان های ما را به فساد کشاند... کاری کردند که ملت ما به جان آمد... و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند.(۲)

د) اتکا و وابستگی به بیگانگان

ایشان وابستگی به بیگانگان را موجب به تاراج رفتن سرمایه های ملی و ثروت های خدادادی کشور و از عوامل تأثیرگذار در پیدایش انقلاب می داند:

در عصر ما، ملت یافت که شاه به واسطه پیوندی که با غرب، خصوصا با آمریکا دارد و همین طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داده است، بلکه نیروهای انسانی ما را نیز به هدر داده است و فهمیدند جنایات فوق العاده ای که مرتکب می شود، به واسطه پیوندی است که شاه با ابرقدرت ها دارد. از این جهت، ملت ما به پا خاست.(۳)

[رژیم پهلوی] اقتصاد ما را به کلی به هم زد و همه چیز ایران را وابسته به اجانب کرد، همه چیز ایران به باد رفت و خسته شدند مردم. از این جهت، قیام کردند و این نهضت را به پا داشتند.(۴)

حضرت امام رحمه الله وابستگی رژیم گذشته را تنها در اقتصاد نمی داند، بلکه آن را همه جانبه بیان می کند و رژیم را در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آن وابسته می داند. همین امر، موجب جدایی

۱- همان، ص ۱۶۷.

۲- همان، ج ۱۸، ص ۲۱۹.

۳- همان، ج ۴، ص ۱۸۳.

۴- همان، ج ۷، ص ۲۳۴.

رژیم از مردم و اعمال فشار رژیم بر آنان و سرانجام بروز انقلاب شد:

فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی زدند. شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در همه ابعاد، وابسته به شرق و غرب کرده است. مردم ایران را زیر شکنجه و سیاهچال های زندان کشته است. از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام اینها موجب شده است که مردم ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند.(۱)

ه_) نداشتن پایگاه مردمی و ملی

دولت پهلوی و به ویژه شاه با اینکه سالیان دراز بر ایران حکومت کرد، هرگز به نیروی مردمی و قدرت ملی پی نبرد؛ زیرا اساسا طاغوت و طاغوتیان به مردم اهمیت زیادی نمی دهند. از سوی دیگر، شاه به دلیل وابستگی به قدرت های خارجی، جایگاه و پایگاهی در میان توده مردم نداشت و همین امر، موجب پیدایش دیوار بلند بی اعتمادی میان مردم و حکومت شد. او به اندازه ای در شناخت مردم، ناتوان و بیگانه بود که انقلاب را توطئه خارجی می دانست. در حالی که از دیدگاه حضرت امام رحمه الله، بیگانگان هیچ نقشی در پیدایش انقلاب اسلامی نداشتند:

اگر پایگاه داشت این مرد (شاه) بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضای مردم، هرگز این قدرت به هم نمی خورد(۲)... فقط آن رده های بالای ارتش و قوای انتظامی، باقی را دیگر به هیچ نمی گرفتند، نه ادارات و نه ارتش، آن رده های پایین، نه مردم و نه بازار و نه مسجد و نه روحانیت و نه دانشگاه؛ هیچ یک را به حساب نمی آوردند.

۱- همان، ج ۳، ص ۱۶۴.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۵.

اینها چیزی نمی دانستند اینها را و بزرگ تر خطای اینها همین بود که ملت را چیزی نمی دانستند. ملت همه با هم شدند، برای اینکه همه ناراضی بودند.(۱)

۲. مبانی نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

اشاره

مبانی و اصول اساسی نظام اسلامی ایران، همان شعار آرمانی است که در سال ۱۳۵۷ مردم به آن گرایش داشتند و در سخنان حضرت امام رحمه الله نیز به خوبی بازتاب یافته است.

الف) استقلال

حضرت امام در پاسخ به پرسشی درباره اهداف و برنامه های آینده شان می فرماید:

استقلال و آزادی را به وطن باز خواهیم گرداند، روابط ناسالمی را که به ضرر ملت است، اصلاح خواهیم کرد... دست دیگران را از ایران کوتاه خواهیم نمود.(۲)

باید ما توجه داشته باشیم که خودمان که هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد. اگر ما این وابستگی های معنوی را برگردانیم به حال خودش و پیدا کنیم خودمان را، می توانیم یک ملت مستقل باشیم.(۳)

ب) آزادی

حضرت امام آزادی را از طبیعی ترین و ضروری ترین حقوق انسانی دانسته و می فرماید:

مردم ایران قیام کردند برای یک مطلب واضحی که همیشه بشر قبولش

۱- همان، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

۲- همان، ج ۴، ص ۶۶.

۳- همان، ج ۹، ص ۱۱۰.

دارنـد که بایـد آزاد باشـد. نبایـد هی در حبس کننـد، نباید جلویش بگیرند که حرف نزن، بیخ گلویش را فشار دهند که نباید یـک کلمه حرف بزنی، قلمش را بشـکند که نبایـد بنویسـی... آنکه از حقـوق بشر است و از اولین حقوق بشـر است، «آزادی، استقلال و حکومت عدل» این را می خواهند مردم.(۱)

ج) جمهوریت

ایشـان ضـمن تأکیـد بر بعـد جمهوریت نظـام، آن را متکی بر آرای اکثریت جـامعه می دانـد و بر انطبـاق حکومت با شـرایط و مقتضیات زمان سفارش می کند:

امـا شـکل حکومت مـا جمهوری اسـلامی است. جمهوری به معنـای اینکه متکی بر آرای اکثریت است و اسـلامی برای اینکه، متکی به قانون اسلام است و دیگر حکومت ها این طور نیستند که تکیه به قانون اسلام داشته باشند.(۲)

ما خواهان اسـتقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد.(۳)

د) اسلامیت

اسلامی بودن از نظر ایشان اساس و تعیین کننده نوع حکومت، ملت مسلمان ایران است:

ملت ایران قیام کردنـد. حکومت اسـلامی می خواهند. می خواهند آزاد باشـند. می خواهند که مسـتقل باشـند، می خواهند که حکومتشان اسلامی

۱- همان، ج ۴، ص ۴۷.

۲- همان، ص ۳۷.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۶۰.

باشد.(۱)

۳. نظریه دولت و حکومت و نظام سیاسی از دیدگاه اندیشمندان معاصر (با محوریت اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمه الله)

اشاره

۳. نظریه دولت و حکومت و نظام سیاسی از دیدگاه اندیشمندان معاصر (با محوریت اندیشه های سیاسی امام خمینی رحمه الله)

زیر فصل ها

۱. مفهوم دولت

۲. دولت و حکومت

۳. دولت در شریعت و فقاهت

۱. مفهوم دولت

دولت، ساخت قدرتی است که در سرزمین معین، بر مردمان معین، تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی، نگهبان نظم به شمار می آید و از نظر خارجی، پاسدار تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش است. این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی فعلیت می یابد.(۲) به بیان دیگر، دولت عبارت است از ساخت قدرتی که ملت برای دفاع از خود و سرزمینشان و برای برقراری نظم در میان خود و نگهبانی نظام خود، پدید می آورد.(۳)

فعالیت دولت به سه حوزه مشخص، تقسیم می شود که عبارتند از: حیطه تقنین (قوه مقننه)؛ حیطه قضا (قوه قضائیه)؛ حیطه اجرای قوانین (قوه مجریه).

۲. دولت و حکومت

با مقایسه واژه حکومت و دولت، روشن می شود چون حکومت و حاکم از «حُکْم» که همان امر و فرمان است گرفته شده است، یک نوع برتری در مفهوم آن نسبت به دولت احساس می شود؛ یعنی حاکم کسی است که در سلسله مراتب نفوذ اقتدار، حرف آخر را می گوید؛ یعنی او

۱- همان، ج ۳، ص ۱۹۸.

۲- داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، تهران، چاپ گلشن، انتشارات مروارید، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲.

۳- همان، ص ۱۶۳.

برتر از دیگران و دارای حق صـدور امر و نهی است و از نظر حقـوق اساسـی، جایگـاه ویژه ای دارد. «در حقـوق عمـومی و از جمله حقوق اساسـی، حاکمیت به معنای قـدرت عالی و دارای صـلاحیت برای اتخاذ تصـمیم نهایی است. قـدرتی است که در رأس همه امـور قرار گرفته و هیـچ قـدرتی فـوق آن نیست. صـاحب حـاکمیت حـق صـدور امر و نهی واجب دارد و از نظر بین المللی، حاکمیت یعنی آن چنان قدرت سیاسـی که تابع هیچ قدرت دیگری که به آن دسـتور دهد یا به جای آن تصمیم بگیرد نیست».(۱)

از تعریف واژه هـای دولت و حاکمیت، روشن می شود که حاکمیت، صـفت خاص دولت است و دولت بـدون حاکمیت نمی تواند هیچ یک از وظایف خود را انجام دهد.

۳. دولت در شریعت و فقاهت

الف) پیشینه تاریخی دولت در اسلام

پیامبر اسـلام در سرزمین عربستان در آن اجتماع ابتدایی، دولت اسلامی را بنیان نهاد. «ظهور اسلام در سرزمین حجاز، علاوه بر آشـنا ساختن ساکنان بـدوی آن با معارف بلنـد توحیدی که البته به دلیل وجود مسـیحیان و یهودیان در حجاز برای آنان کاملاً جدید هم نبود، ساخت حاکمیت قبیله ای آنان را نیز متحول کرد و برای اول بار آنان را با ساخت سیاسی متمرکز آشنا ساخت. پیش تر، حجاز، هیچ گونه ساختار متمرکز سیاسی

۱- سید جلال الدین مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپخانه مهدیه، سروش، ۱۳۶۹، چ ۱، ص ۱۳۵.

در قالب دولت را تجربه نکرده بود. آنها مردمی بدوی بودند که در چهارچوب پیوندهای خویشاوندی و قبیله ای تشکل یافته و سازمان مستقل و مشخصی را که مسئولیت اداره سیاسی اجتماع کوچک آنان را به عهده بگیرد، نمی شناختند. قدرت و حاکمیت در قبیله، پیش از این از برآیندهای تفوقات نسبی و برتری های نژادی و خونی حاصل می آمد و بر پایه شیوخت و ریش سفیدی اعمال می گردید».(۱)

استاد شهید مطهری پس از برشمردن شئون نبوت پیامبر اسلام، درباره شأن سوم می فرماید:

منصب سومی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسما داشت و به او تفویض شده بود، به نص قرآن و هم عملاً عهده دار آن بود، همین ریاست عامه است. او رئیس و رهبر اجتماع مسلمین بود و به تعبیر دیگر، سائس مسلمین بود، مدیر اجتماع مسلمین بود. گفته اند آیه «اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» ناظر به این جهت است که او رئیس و رهبر اجتماع شماست.(۲)

تشکیل حکومت و سامان سیاسی در طول تاریخ اسلام، یکی از دل مشغولی های فقها و علمای اسلام بوده است. تاریخ اسلام، بیانگر آن است که پیشینه تأسیس دولت و حکومت به عصر نبوی برمی گردد. پس از آن، همچنان علما و فقهای اسلام، بر ضرورت تأسیس حکومت و تشکیل نظام سیاسی تأکید می کردند و به آن اعتقاد داشتند، ولی آنچه مورد

۱- رسول جعفریان، تاریخ تحول خلافت و دولت، قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۹، چ ۲، صص ۱۵ و ۱۷.
۲- شهید مطهری، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۴۸.

اختلاف است، چگونگی مشروعیت بخشی به دولت و حکومت است. در اینکه خاستگاه مشروعیت چیست، بین فقها و علمای شیعه و سنی اختلاف وجود دارد. شیعه با اعتقاد به اصل امامت، تنها دولتی را مشروع می داند که از سوی خداوند به امامان معصوم یا نایبان برگزیده آنها واگذار شود. در غیر این صورت، آن دولت، دولت غاصب شمرده می شود و حق ولایت و تصرف در امور را ندارد. در اندیشه شیعی، تمام صلاحیت ها و اختلافات بر مبنای ولایت دور می زند. بر این اساس، باید در رأس حکومت اسلامی، امام حضور داشته باشد و در عصر غیبت معصوم، باید نایب امام که همان فقیه جامع الشرایط است باشد؛ در حالی که روند تاریخ به گونه ای بود که این عقیده هیچ گاه عملی نشد. امامان معصوم از هر موقعیتی برای بیان حق حاکمیت خود استفاده می کردند؛ چون حکومت و امارت، حق الهی آنها بود و ایشان در بیان غاصبانه بودن حکومت های ستمگر، همواره به مبارزه علیه آنها توصیه می کردند و این مبارزه گاهی به صورت علنی بود و گاه به صورت مبارزه منفی مانند نهی از همکاری با ظالمان و نیز حرمت یاری رساندن به ظالم بود.(۱)

ب) اصطلاح های فقهی مرتبط با اندیشه دولت

اشاره

اصطلاح های فقهی که ارتباط مستقیم با نظریه دولت در اندیشه سیاسی شیعه دارند، عبارتند از:

یک _ امور حسبیه

درباره امور حسبیه، نظریه ای که بیشترین بعد حکومتی و دولتی را

۱- رسول جعفریان، «تاریخ تحول نظریه دولت»، مجله نور علم، دوره چهارم، ش ۲، ص ۱۶.

داراست، دیدگاه حضرت امام رحمه الله است. ایشان می فرماید:

امور حسبیه، اموری هستند که می توان گفت شارع مقدس راضی به وا نهادن آنها به حال خود نیست. اگر متصدی خاصی یا عامی در شریعت برایش معلوم شده باشد که سخنی نیست و اگر ثابت شود که منوط به نظر امام است، طبق ادله ولایت برای فقیه به طور قطع ثابت خواهد بود.(۱) و مخفی نماند که حفظ نظام و حفظ مرزهای اسلامی و حفظ جوانان از انحراف و جلوگیری از تبلیغات ضد اسلامی و مانند اینها، از واضح ترین امور حسبیه هستند و انجام آنها جز با تشکیل حکومت عدل اسلامی، ممکن نیست.(۲)

دو _ احکام ثانوی (احکام حکومتی)

اشاره

احکام حکومتی و ثانوی عبارت است از فرمان ها، دستورها، قوانین و مقررات کلی و شرعی که رهبری جامعه با توجه به مصلحت های کلی جامعه اسلامی و برابر اختیاراتی که شریعت به او داده است، صادر می کند. امام خمینی رحمه الله می فرماید:

دولت می تواند در تمام مواردی که مردم استفاده از امکانات و خدمات دولتی می کنند، با شروط اسلامی و حتی بدون شرط، هزینه مورد استفاده را از آنان بگیرد و این جاری است در جمیع مواردی که تحت سلطه حکومت است و اختصاص به [مواردی خاص]ندارد، بلکه در انفال که در زمان حکومت اسلامی امرش با حکومت است، می تواند بدون شرط یا با شرط الزامی این امر را اجرا کند.(۳)

۱- سید روح اللّه موسوی خمینی، البیع، قم، مطبعه مهر، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲- همان، ص ۴۹۷.

۳- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۶۵.

گستره نفوذ احکام حکومتی

حضرت امام می فرماید:

پس قیام به امر حکومت (و لوازم آن) و تشکیل دولت اسلامی، بر فقیهان عادل از قبیل واجب کفایی است. پس اگر یکی از آنها موفق به تشکیل حکومت شد، بر غیر آن فرد، پیروی نمودن واجب است و اگر تشکیل حکومت جز به اجتماع آن میسر نمی باشد، بر همه واجب است قیام کنند.(۱)

ایشان درباره علت ثبوت ولایت می فرماید:

ثبوت ولایت برای حاکم به دلیل اینکه غیر حاکم، ولایت بر دیگران ندارد، یقینی است؛ چون در موردی که احتمال داده شود به نوع حکومت و ولایت، حاکم داخل است و غیر آن داخل نیست.(۲)

سه _ نفی سبیل

به فرموده حضرت امام خمینی رحمه الله:

اگر منظور، نفی سبیل مطلق باشد و تمام راه های نفوذ مورد نظر باشد، بدین معناست که خداوند، تمام راه های سلطه کافران بر مؤمنان را بسته؛ چه از نظر تکوین و چه از نظر تشریع؛چون از نظر تکوینی خداوند حضرت رسول و مؤمنان را با امدادهای غیبی تقویت کرده... اما در جنبه تشریعی، هرگز خداوند قوانین خودش را به گونه ای وضع نکرده که کافران بر مؤمنان سلطه یابند.(۳)

چهار _ دارالاسلام

در فقه سیاسی اسلام، جهان به دو قسمت مشخص تقسیم شده است که هر یک از آن دو، احکام فقهی ویژه خود را دارد. این دو عبارتند از:

۱- البیع، ج ۲، ص ۵۴۳.

۲- همان، ص ۵۶۳.

۳- همان، ص ۵۴۴.

دارالاسلام و دارالکفر. «دارالاسلام کشور و سرزمین امت اسلامی است و آن قسمت از جهان است که در قلمرو اسلام بوده و زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلامی می باشد».(۱)

ج) نظام سیاسی در شریعت و فقه

یک _ تعریف سیاست

واژه سیاست در دو مفهوم کلی می توانـد به کار رود: نخست معادل واژه "politics" است که به معنای علم و هنر دولت و حکومت و قدرت است و دومی معادل واژه "policy" است که به معنای تدبیر، مدیریت و هدایت برنامه است.(۲) امام خمینی رحمه الله در تعریفی، سیاست را این گونه تبیین می کند:

سیاست، این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است، صلاح افراد است، صلاح ملت است و این مختص انبیا است. دیگران این سیاست را نمی توانند اداره کنند و این، مختص انبیاء و اولیاست و به تبع آن، علمای بیدار اسلام.(۳)

دو _ سیاست از دیدگاه اسلام

حضرت امام خمینی رحمه الله در راستای تبیین دینی و اسلامی سیاست می فرماید: مگر سیاست چیست؟ روابط بین حاکم و ملت؛ روابط بین حاکم و سایر حکومت ها؛ ... جلوگیری از مفاسدی که هست؛ همه اینها

۱- عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴، چ ۲، ج ۲۹، ص ۹۴.

۲- منوچهر محمدی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بی نا، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۲۳.

۳- صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۱۶.

سیاست است. احکام سیاسی اسلام، بیشتر از احکام عبادی آن است.(۱)

سه _ تعامل دیانت و سیاست

حضرت امام می فرماید:

واللّه ، اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کردند، سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می گیرد.(۲) مسجد، مرکز سیاست اسلامی بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ ها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در مسجد درست می شده است. شالوده اش همه در مسجد گفته می شده است.(۳)

چهار _ مقایسه میان اسلام و مسیحیت

ایشان برای بیان تمایزها و امتیازهای اسلام نسبت به مسیحیت می فرماید:

گمان نشود، اسلام مثل مسیحیت است؛ فقط یک رابطه معنوی مابین افراد و خدای تبارک و تعالی است و بس. اسلام برنامه زندگی دارد، اسلام برنامه حکومت دارد، اسلام قریب پانصد سال یا بیشتر حکومت کرده است، با اینکه احکام اسلام در آن وقت، باز آن طور اجرا نشده است که باید اجرا شود، لیکن همان مقدار اجرا شده اش، ممالك بزرگی را اداره کرده است، با عزت و شوکت از همه جهات، از همه کیفیات؛ اسلام مثل سایر ادیانی که حال در دست هست نیست. خصوصا مثل مسیحیت که هیچ ندارد جز چند کلمه اخلاقی راجع به تدبیر نظام و راجع به سیاست مدن، راجع به کشورها برنامه ندارد. گمان نشود که اسلام هم مثل آنها برنامه ندارد... دعا و زیارت یک باب از ابواب اسلام است، لیکن سیاست

۱- همان، ج ۱، ص ۲۳۹.
۲- همان، ج ۱، ص ۶۵.
۳- همان، ص ۱۹۹.

دارد اسلام.(۱)

پنج _ وجود نظام سیاسی و اجتماعی در اسلام

حضرت امام علیه السلاممی فرماید:

همانا اسلام، خلاصه در احکام عبادی و اخلاقی نمی شود؛ چنان که بسیاری آن را گمان کرده اند. به دلیل تبلیغات زهرآگین که به طور مداوم از طرف بیگانگان استعمارگر و دست نشاندگان آنها در طول تاریخ علیه اسلام به منظور شکست اسلام و مسلمین صورت گرفته تا اسلام را از نظرها بیندازند و نسبت به اسلام انزجار در میان مسلمین پیدا شود.ما باید این ابهام را بزداییم و زدودن این ابهام از چهره نورانی اسلام، زمانی طولانی از تلاش را طلب می کند.(۲)

ایشان در نگرش حکومتی خود چنین تصریح می فرماید:

استعمارگران به نظر ما آورده اند که اسلام، حکومتی ندارد. تشکیلات حکومتی ندارد، بر فرض که احکامی داشته باشد، مجری ندارد، خاصه اسلام فقط قانون گذار است. واضح است که این تبلیغ جزئی از نقشه استعمارگران است برای بازداشت مسلمین از سیاست و اساس حکومت. این حرف با معتقدات اساسی مخالف است. ما معتقد به ولایت هستیم و معتقدیم که باید خلیفه تعیین کند و تعیین هم کرده است. آیا تعیین خلیفه برای احکام است و برای حکومت خلیفه نمی خواهد؟ خود آن حضرت بیان می کرد همه احکام را در کتاب می نوشتند و دست مردم می دادند تا عمل کنند. اینکه عقلاً لازم است، خلیفه برای حکومت است.(۳)

همچنین می فرماید:

یکی از ابعاد انسان، بعدی است که در این دنیای مادی می خواهد

ص: ۱۷۰

۱- همان، ص ۱۱۹.

۲- البیع، ج ۲، ص ۴۶۰.

۳- امام خمینی، ولایت فقیه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۶۹، چ ۲، ص ۸۰.

معاشـرت بکند. در این دنیای مادی می خواهد تأسیس دولت کند. در این دنیای مادی می خواهد تأسیس مثلاً سایر چیزهایی که مربوط به مادی اش هست بکنـد، اسـلام این را هم دارد. آن قـدر آیه و روایت که در سـیاست وارد شـده است، در عبادت وارد نشده است. شما از پنجاه و چند کتاب فقه را که ملاحظه کنید، هفت هشت تایش کتابی است که مربوط به عبادت است. باقی اش مربوط به سیاسات و اجتماع و معاشرات و این طور چیزهاست. ما همه را گذاشتیم کنار و یک بعد را، بعد ضعیفش را گرفتیم.(۱)

شش ـ علل ضرورت استقرار نظام سیاسی

اشاره

استقرار نظام سیاسی از چند جنبه اصلی ضروری است:

اول ـ اجرای احکام شریعت

احکام شـریعت مقـدس، هرگز برای مقطع زمانی و مکانی خاص نیست، بلکه برای همه عصـرها و نسل هاست. این احکام باید ضمـانت اجرایی داشـته باشـند که تنهـا از طریق تشـکیل دولت و حکومت امکان پـذیر است. «تأسـیس حکومت دینی که برای جانشـینان خـدا و زمین ثـابت است، هـدف غایی و نهایی این است و به وسـیله همین حکومت است که حق، قوام یافته و عـدل استقرار می یابد و احکام گسترش می یابد و راه های سعادت انسان مهیا و هموار می گردد».(۲)

حضرت امام رحمه الله می فرماید:

دلیل بر لزوم تشـکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسـلام و احکام شـرع است. ماهیت و کیفیت این قوانین می رسانـد که برای تکوین یک

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۰.

۲- محمد مهدی شمس الدین، الاجتهاد و الحیات، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۱۷.

دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه، تشریع گشته است.(۱)

ایشان در جای دیگر می فرماید:

البته پیاده کردن مقاصد اسلام درجهان و خصوصا، برنامه های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه کن کردن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی، همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد. ولی ارائه طرح ها و اصولاً تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگ ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی دستی به شمار می رود.(۲)

دوم _ اقتدا به پیامبر به عنوان بنیان گذار حکومت

حضرت امام خمینی رحمه الله، به عنوان اقتدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همین شیوه را اعمال می کند و عمل پیامبر را الگوی تاریخی مؤمنان معرفی می کند:

سنت و رویه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً خود تشکیل حکومت داد و تاریخ گواهی می دهد که تشکیل حکومت داده و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته و به اداره جامعه برخاسته است. والی به اطراف می فرستاده، به قضاوت می نشسته و قاضی نصب می فرموده... ، ثانیا برای پس از خود، به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است.(۳)

۱- ولایت فقیه، ص ۳۲.

۲- صحیفه نور، ص ۳۴.

۳- امام خمینی، حکومت اسلامی، با عنوان نامه ای از امام موسوی کاشف الغطاء، ص ۲۸.

سوم _ احیای شریعت

سوم _ احیای شریعت

در نامه ای از حضرت امام خمینی به آیت اللّه خامنه ای آمده است:

حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول اللّه صلی الله علیه و آلهاست، یکی از احکام اولیه است و حتی مقدم بر احکام فرعیه مثل نماز و روزه و حج است.(۱)

باز ایشان می فرماید:

پس، قیام برای تشکیل حکومت و تشکیل اساس دولت اسلام، از قبیل واجب کفایی بر فقیهان و افراد معتمد و عادل است؛ پس اگر کسی از آنان موفق به تشکیل حکومت شد، بر دیگران پیروی از او واجب است و اگر این کار میسر نشد، مگر در صورت حرکتی اجتماعی، بر آنان قیام عمومی ضرورت دارد.(۲)

هفت _ موضوع های حکومتی و سیاسی در فقه حکومتی

در فقه حکومتی، موضوع ها و مسائلی هست که جنبه سیاسی دارد و آگاهی از آنها بیش از احکام مربوط به آنها اهمیّت دارد.

برای نمونه، برای شناخت حکم روابط دولت اسلامی با دولت های خارجی، ناگزیر باید موضوع های جدید سیاسی را به طور کامل بشناسیم؛ یعنی یک فقیه برای تشخیص حکم دقیق سیاسی و حکومتی، باید دید عمیقی به موضوع های سیاسی داشته باشد. حضرت امام، با توجه به شناخت موضوع های سیاسی، چنین بیان می کند:

اگر در ارتباطات تجاری و غیرتجاری، خوف حایل شود که همین روابط سبب استیلای سیاسی بیگانگان و موجب استعمارگری آنها و سلطه شان بشود، تمام مسلمین باید از این روابط تجاری و... دوری کنند و چنین

۱- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- البیع، ج ۲، ص ۱۶۵.

روابطی حرام است.(۱)

پس اندیشه سیاسی، امری است که به اداره جامعه و نوع رهبری آن ارتباط دارد. امام خمینی رحمه الله در این عرصه با توجه به شناخت موضوع ها، حرکتی جدید را در حوزه مسائل جامعه شناختی و درک اندیشه سیاسی اسلام آغاز کرد. ایشان در این زمینه می فرماید:

مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار [نظر] نمی کنم. آشنایی با روش برخورد با حیله ها و تزویرها، فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با فرهنگ حاکم بر جهان، شناخت سیاست ها و حتی سیاسیون و فرمول های دیکته شده آنان، درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف غول سرمایه داری که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کند، از ویژگی های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی، هوش، خواست و هدایت یک جامعه بزرگ و اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعا مدیر و مدبر باشد.(۲)

هشت _ ویژگی های حکومت در اسلام

اول _ خدایی بودن دولت

حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید:

حکومت اسلامی هیچ یک از انواع حکومت های موجود نیست؛ مثلاً استبدادی نیست که رئیس دولت، مستبد و خود رأی باشد، مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دلخواه دخل و تصرف کند. هر کس را

۱- امام خمینی، تحریر الوسیله، مکتبه الاعتماد، ج ۲، ص ۴۸۶.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.

اراده اش تعلق گرفت، بکشد و هر کس را خواست، انعام کند و به هر که خواست تیول بدهد و املاک را به این و آن ببخشد.(۱)

حکومت اسلامی، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون و فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند؛ همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم بیان شده است.(۲)

دوم _ محدود نبودن در حیطه قبیله و نژاد و طبقه خاص

حکومت اسلامی، حکومت طبقه ای خاص نیست، بلکه حکومتی غیرطبقاتی است. البته این ویژگی از همان جنبه الهی بودن آن سرچشمه می گیرد. در این حکومت، هر کس خلافی مرتکب شود، از هر طبقه و قشری باشد، مجازات می شود؛ یعنی در این حکومت، هیچ گونه تمایز طبقاتی، صنفی، نژادی، جغرافیایی و گروهی وجود ندارد.

سوم _ فرا دموکراتیک بودن دولت

دولت اسلامی، دولتی است که هدف ها و عملکردهایش فراتر از چارچوب های ساختاری دموکراسی های فعلی است؛ یعنی کاستی هایی که در دموکراسی غربی و حکومت های دیگر وجود دارد، در دولت اسلامی وجود ندارد. حضرت امام می فرماید:

اینها دشمن ترین مواد پیششان دین بود. همین ها بودند که فریاد می کردند و می نوشتند که خوب دیگر اسلام را می خواهد چه کند؟ خوب، بگویید

۱- حکومت اسلامی، ص ۵۲.

۲- همان، ص ۵۴.

جمهوری، از اسلام می ترسیدند. خوب به جای اسلام بگویید دموکراتیک. جمهوری دموکراتیک، اینها نمی فهمند که این همه دموکراسی که در عالم معروف است، کجاست؟ کدام مملکت را شما دارید؟ این ابرقدرت ها، کدام یکی شان به موازین دموکراسی عمل کرده اند؟ یک دموکراسی که در هر جایی یک معنا دارد، در شوروی یک معنا دارد، در امریکا یک معنایی دیگر دارد. پیش ارسطو یک معنایی دارد، پیش ما، یک معنای دیگر. ما می گوییم یک چیز که مجهول است و هر جا یک معنا از آن می کنند، ما نمی توانیم آن را در قانون اساسی مان بگذاریم که بعد هر کس دلش می خواهد آب خوری درست کند. ما می گوییم اسلام.(۱)

دیگر ویژگی های حکومت اسلامی از دیدگاه امام رحمه الله عبارتند از:

۱. حکومت اسلامی برابر با تمدن و ترقی است، نه مخالف با آن.(۲)

۲. حکومت اسلامی مبتنی بر حقوق بشر و ملاحظه آن است. هیچ سازمانی و حکومتی به اندازه اسلام ملاحظه حقوق بشر را نکرده است.(۳)

۳. آزادی و دموکراسی واقعی در حکومت اسلامی است.(۴)

۴. اسلام در رابطه بین دولت و زمامدار و ملت حدودی معین و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین کرده است که در صورت رعایت آن، هرگز رابطه مسلط و زیر سلطه به وجود نمی آید.(۵)

۵. در حکومت اسلامی، جو، جو محبت است بین شخص اول مملکت

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۵۵.

۲- همان، ج ۵، صص ۶۹ و ۷۰.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان، ص ۴۰۹.

با ادنی فردی که به حسب نظر مردم ادنی حساب می شود. فرق اساسی مربوط به دنیا نیست.(۱)

۶. اداره حکومت اسلامی، برای رفاه مردم است. نظامش برای رفاه مردم است. رییس جمهورش برای رفاه مردم است. نخست وزیرش برای رفاه مردم است.(۲)

نه _ نقش مردم در نظام اسلامی

اشاره

از دیدگاه دین جهان شمول اسلام، حکومت به فرد یا افراد خاصی تعلق ندارد؛ یعنی حکومت یک مقوله ارزشی است که قابل تملیک و تملک نیست. بی گمان، حاکمیت در نگاه نخستین از آن خداست «اِنِ الحُکْمُ اِلاّـ لِلّه». بدین صورت، حاکمیت مشروعیت ذاتی می یابد، مشروعیتی که نیازمند به اعتبار هیچ کس نیست و رأی مردم در حقانیت و یا عدم حقانیت آن نقشی ندارد؛ زیرا حاکمیت، ولایت قطعی الهی است که به عنوان حق اولی و ذاتی بر آحاد جامعه بشری، سلطه شرعی و الهی دارد. در حیطه زمانی خاصی نمی گنجد و برای اعمال حکم بر انسان ها و گروه های انسانی خاصی از نظر زمان و مکان و قبیله و... نیست، بلکه برای همه زمان ها و نسل ها حاکمیت خداوند قطعی است. البته اعمال چنین حاکمیتی از سوی انسان های صالح و واجد شرایطی است که به صورت مستقیم از سوی خداوند در مقام رسول و یا ولی و یا به صورت غیر مستقیم و با ملاک ها و ویژگی های متناسب، تعیین می شوند؛ پس باید

ص: ۱۷۷

۱- همان، ج ۷، ص ۲۳۳.

۲- همان، ص ۲۳۸.

گفت مردم در اصل مشروعیت حکومت هیچ گونه نقشی ندارند؛ زیرا حاکمیت الهی دارای مشروعیت ذاتی است و قابل اعتبار از سوی مردم نیست. تنها نقشی که مردم می توانند داشته باشند، «کشف مشروعیت» است؛ مردم موظفند مشروعیت ذاتی الهی حکومت را کشف کنند و وسیله کشف این مشروعیت، فقه حکومتی و فقه سیاسی اسلام است. البته مردم در راستای این امر کلی با اصل تبعیت و تقلید بر پایه شناخت و مراجعه به اهل ذکر، در این مهم مشارکت می کنند «فَاسْئَلُو اَهْلَ الذِّکْرِ اِنْ کُنْتُم لا تعلمون؛ بپرسید از اهل ذکر، اگر خودتان نمی دانید». (انبیاء: ۷) در اینجا، این پرسش مطرح است که نقش مردم در کجای این برنامه ظاهر می شود؟ در جواب باید گفت پس از آنکه مشروعیت ذاتی حکومت کشف شد، آن گاه مردم در زمینه کارآمد کردن این مشروع ذاتی، وارد میدان می شوند. پس نقش مردم، نقش کاربردی است و اگر کارآمدی آن توسط رأی مردم عملی نشود، مشروعیت وارد حیطه عمل نخواهد شد؛ زیرا اگر در حکومت الهی نیز آرای مردم نقش نداشته باشد، آن حکومت توانایی اجرای هدف های خود را نخواهد داشت. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

هیچ امری مرا به پذیرش خلافت وا نداشت، مگر آنکه دیدم مردم دور من اجتماع کردند، همچون اجتماع موهای دورگردن کفتار (کنایه از شدت ازدحام مردم). به من از هر جانب هجوم می آوردند تا آنکه حسن و حسینم زیر دست و پا رفتند و دو سوی جامه ام پاره شد. پیرامونم همچون گله های گوسفند گرد آمدند.(۱)

ص: ۱۷۸

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت، ۱۳۸۷ ه . ق، چاپ ۱، ص ۴۸.

و نیز می فرماید:

قسم به آن کسی که دانه را شکافت، اگر حضور جمعیت نبود، حجت بر وجود یار و یاور بر من تمام نشده بود و خداوند از عالمان پیمان نگرفته بود که بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم راضی نباشند، ریسمان خلافت را بر پشت و گردنش می افکندم و مهار خلافت را رها می کردم و دنیایتان را وا می نهادم که بدانید این دنیا در نظرم از عطسه بز ماده ای کم ارزش تر است.(۱)

وظایف ملت در برابر دولت

اشاره

مردم در برابر دولت مسئولیت ها و وظیفه هایی دارند تا موجب استحکام بنیه های اجتماعی دولت و جایگاه آن در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی شود. از وظایف اساسی مردم در برابر دولت می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بیعت و اعلام وفاداری و فرمان برداری

الف) مفهوم بیعت

اشاره

بیعت، نوعی پیمان است که بیعت کننده، خود را مطیع بیعت شونده می کند. راغب می گوید:

وقتی با سلطان بیعت کرد که این بیعت متضمن بذل اطاعت باشد، البته اطاعت به اندازه مشخص و مقدور. کلمه بیعت از ماده بیع گرفته شده به معنای معروف آن؛ چون رسم عرب این بود که وقتی می خواستند معامله ای را قطعی کنند، به یکدیگر دست می دادند. این به آن معنا بود که با این عمل مسئله نقل و انتقال را نشان می دادند و چون نقل و انتقال که همان تصرف است، بیشتر با دست دادن صورت می گرفت لذا به یکدیگر دست می دادند. به همین جهت، زدن دست به دست دیگری در

۱- همان، ص ۲۵.

هنگام اطاعت را مبایعه و بیعت می خواندند؛ یعنی بیعت کننده دست خود را به بیعت شونده می بخشید و می گفت: دست من مال توست، هر کاری که می خواهی با آن انجام بده.(۱)

بیعت از نظر سیاسی

بیعت، نظام حکومتی و دولت اسلامی را از پشتوانه قوی مردمی برخوردار می کند و زمینه ساز استحکام درونی دولت و اقتدار سیاسی و بین المللی آن است و سبب می شود که رییس دولت با خاطر آرام در پی انجام وظایف سیاسی ــ اجتماعی خود برآید و هیچ گونه بی اعتمادی به مردم نداشته باشد. قرآن خطاب به پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

بی گمان، کسانی که با تو بیعت می کنند، با خدا بیعت می نمایند. دست خدا بالای دست ایشان است. هر کس پیمان شکنی کند، به ضرر خودش اقدام کرده و هر کس بر پیمان وفادار بماند، خداوند پاداشی بزرگ به او عنایت خواهد فرمود. (فتح: ۱۰)

در برابر بیعت، فرد بیعت شونده نیز دارای وظایف و مسئولیت هایی است که باید به آنها عمل کند. پس از بیعت، خلیفه، نماینده یا حاکم، به حاکمیت و دولتی که به او سپرده شده به چشم طعمه نمی نگرد. حضرت علی علیه السلامخطاب به مالک اشتر می نویسد: «عمل تو وسیله لذت و خوردن نیست، و لکن در گردن تو امانتی عظیم است».(۲)

بنابراین، بر اساس مفاد بیعت، حکمران، امانتداری بیش نیست که باید

۱- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۶، ج ۱۸، ص ۲۷۴.

۲- نهج البلاغه، نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر.

با دید امانت به دولت و حکومتی که به او سپرده شده نگاه کند.

۲. اطاعت

اطاعت و اطاعت پـذیری، عنصـری است که از حاکمیت جـدایی ناپـذیر است. به این ترتیب که هر چه میزان اطاعت پـذیری و فرمان برداری مردم از فرمان روایان جامعه شان بیشتر باشـد، دولت در اجرای هـدف ها و برنامه هایش موفق تر خواهد بود. بی گمان اطاعت مردم از حاکمان الهی و رهبران دینی یک واجب قطعی و همانند اطاعت از خداست. حضـرت امام خمینی رحمه اللهمی فرماید:

اوامر رسول اکرم آن است که از خود آن حضـرت صـادر می شود و امر حکومتی می باشـد؛ مثلاًـ از سـپاه اسامه پیروی کنیـد، سرحدات را چطور نگه دارید، مالیات ها را از کجا جمع کنید، با مردم چگونه معاشرت نمایید، اینها اوامر رسول اکرم صلی الله علیـه و آلهـاست. خداونـد مـا را الزام کرده که از حضـرت رسـول اطـاعت کنیم؛ چنـانکه مـأموریم از اولی الاـمر که به حسـب ضرورت مـذهب مـا، مراد ائمه می باشـند، اطـاعت و پیروی نمـاییم. اطـاعت از اولی الامر که در اوامر حکومتی می باشـد، غیر اطـاعت خـداست. البته از بـاب اینکه خـدای تعالی فرمان داده که از رسول و اولی الامر پیروی کنیم، اطاعت از آن در حقیقت اطاعت از خدا هم می باشد.(۱)

۳. نظارت (نظارت شهروندان)

در اندیشه حضـرت امام رحمه الله، یکی از راهکارهای مهم که به نهادینه شدن نقش مردم در اصلاح دولت و حکومت و پیرو آن جامعه می انجامـد، امر به معروف و نهی از منکر قشـرهای مختلف جامعه است. این امر جایگاه والایی در اندیشه امام دارد. ایشان در جایی می فرماید:

۱- ولایت فقیه، ص ۱۱۳.

اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید، چرا پایت را کج گذاشتی. باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ امت باید نهی از منکر کند، امر به معروف کند.(۱)

حتی حضرت امام به صراحت از مردم می خواهد که در صورت فخرفروشی زمامداران و تباه شدن حقوق مردم، آنان را استیضاح کنند:

حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود، حقوق ملتی را پایمال کند. هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیما در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد.(۲)

پس یکی از وظایف مهم ملت در برابر دولت، مراقبت از زمامداران و تذکر خطاهای آنهاست:

موضع ملت طوری است که اگر یک مقام بخواهد چیزی را تحمیل کند، جلوش می ایستند، مشتشان را گره می کنند و مانع می شوند.(۳)

ده _ ویژگی های حاکمیت الهی

اشاره

حاکمیت الهی در هر مرتبه و سطحی که باشد و به دست هر کسی که عملی شود، دارای چند ویژگی آشکار است:

اول _ مطلق بودن

حضرت امام رحمه الله در این زمینه می فرماید:

حکومت اسلامی، هیچ یک از انواع طرز حکومت های موجود نیست... حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است. البته

۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۷.
۲- همان، ج ۴، ص ۱۹۰.
۳- همان، ج ۱۲، ص ۲۷.

نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آنکه تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره، مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اللّه معین گشته است. مجموعه شرط، همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت شود. از این جهت، حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است.(۱)

ایشان برای دفع این شبهه که مطلقه بودن ولایت فقیه، همان استبدادی و دیکتاتوری است می فرماید:

مع الاسف اشخاصی که اطلاع ندارند بر وضعیت برنامه های اسلام، گمان می کنند که اگر چنانچه ولایت فقیه از قانون اساسی بگذرد، این اسباب دیکتاتوری می شود؛ در صورتی که ولایت فقیه است که جلوی دیکتاتوری را می گیرد. اگر ولایت فقیه نباشد، دیکتاتوری می شود، آنکه جلوگیری می کند از اینکه رییس جمهوری دیکتاتوری نکند، آنکه جلو می گیرد از اینکه رییس ارتش دیکتاتوری نکند، رییس ژاندارمری دیکتاتوری نکند، رییس شهربانی دیکتاتوری نکند، نخست وزیر دیکتاتوری نکند، آن فقیه است.(۲)

دوم ـ جامع بودن

حاکمیت بر اساس دین الهی، فراگیر است و هر جامعه ای را در برمی گیرد و محدوده جغرافیایی، قومی، قبیله ای و... مطرح نیست و هیچ فردی از حاکمیت الهی خارج نیست. حتی پیروان اقلیت ادیان و مذاهب دیگر از آزادی های قانون مند برخوردارند؛ یعنی هیچ نکته ای را در مورد آنها فرو گذار نکرده است. «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی، صنفی

۱- ولایت فقیه، صص ۴۷ و ۴۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند؛ مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».(۱)

سوم _ انحصاری بودن حاکمیت

بر اساس دیدگاه ایشان، حکومت اولاً ـ و بالذات از آن خداست و پس از آن، از آن رسول خدا و سپس به ائمه معصومین علیهم السلامـی رسد و در زمان غیبت، به نائبان عام که همان فقها باشند، انتقال می یابد.

یازده _ شرایط حاکم اسلامی

اشاره

حاکم اسلامی باید شرایط و ویژگی هایی را داشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت به عنان گسیختگی و استبداد مطلقه او می انجامد. در نتیجه، فیلترهایی باید باشد که پیش از اعطای اختیارات باید از آن عبور کنند. ویژگی ها و شرایطی که حاکم اسلامی باید داشته باشد، عبارتند از:

اول _ پاکی و قداست

اول _ پاکی و قداست

این دو، از ویژگی های حاکم اسلامی است. پاکی، قدرت و طهارت سبب می شود که در اندیشه و عمل او دنیاگرایی، ریاست طلبی، حب قدرت و شهرت، وجود نداشته باشد. آن چنان که علی علیه السلامـی فرماید:

خدایا تو می دانی که آنچه از ما سر زده و انجام شده، رقابت برای [به] دست گرفتن قدرت [و] حاکمیت و یا چیزی از بهره مندی های دنیوی و متاع آن نیست، بلکه برای این است که نشانه های روشن دینت را به جامعه

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بیست و ششم.

بازگردانیم و اصلاح را در سرزمین هایت آشکار کنیم.(۱)

دوم _ برخورداری از ملکه اجتهاد

در مشروح مذاکرات مجلس در بررسی قانون اساسی آمده است:

ولایـت امر و امـامت، از جمله مسـائلی است که به طور صـحیح در اسـلام مطرح شـده است و در اصـل آن هیـچ گونه شک و تردیـدی نیست. فقط بحث در این است که آن مـدل دیـد ایـدئالی که در اسلام برای آن حکومت بیـان شـده است، در عمل توسط چه افرادی بهتر پیاده می شود؟ مسـلما برای پیاده کردن آن، کسانی واجد شرایط هستند که در مسائل اسلامی متخصص بوده و نسبت به مکتب آشنایی کامل داشته باشند.(۲)

بی گمان، منظور از تخصـص، همان داشـتن ملکه اجتهاد است و این از بررسـی مفاد دیگر این مـذاکرات به دست می آید.(۳) در زمینه احراز مناصب سه گانه فقیه که پیش تر بیان شد، اجتهاد ضروری و لازم است که تفصیل آن گذشت. از دیگر شرایط لازم حاکم اسـلامی می توان به شـروط زیر اشاره کرد که عبارتند از: برخورداری از علم و عدالت؛(۴) شجاعت؛(۵) هوشیاری و زیرکی؛(۶) اعتمـاد بـه نفس؛(۷) بینش صـحیح سیاسـی و اجتمـاعی (تـدبیر و شـجاعت)؛(۸) مـدیریت و قـدرت کـافی برای رهبری.(۹)

۱- نهج البلاغه، ص ۱۵۹.

۲- صورت مشـروح مـذاکرات مجلس بررسـی نهـایی قـانون اساسـی، اداره کـل امور فرهنـگ و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، جلسه یکم تا سی و یکم، ص ۳۴۰.

۳- همان، ص ۳۴۲.

۴- حکومت اسلامی، ص ۵۹؛ کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۵.

۵- حکومت اسلامی، ص ۶۰.

۶- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.

۷- نهج البلاغه، خطبه شقشقیه، ص ۴۹.

۸- قانون اساسی، اصل یکصد و نهم.

۹- همان.

هنگامی که فردی دارای این شرایط گردید، صلاحیت تصدی منصب رهبری و حاکمیت نظام اسلامی را دارد و ولایت او در تمام شئون زندگی اجتماعی جاری است و قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضاییه، باید برابر امر او حرکت کنند. حاکم اسلامی به حکم اینکه، نگهبان جامعه و مسئول اعمال نظارت و کنترل اجتماعی است، از نظر شارع مقدس مسئول است تا بر اسلامی بودن نظام نظارت کند؛ یعنی «فقیه از جانب شارع مقدس نظارت دارد بر کارهای جامعه تا در جامعه، ظلم، تعدی، حیف و میل اموال و اجحاف در کار نباشد و این مربوط است به تشخیص حقیقی عرف و عرف هم چیزی است که مربوط است به زمان و مکان خاص؛ یعنی زمان در عرفیات مدخلیت دارد».(۱)

دوازده _ فلسفه حکومت

از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله، فلسفه وجود دولت و حکومت، همان بعد خدمتگزاری آن است؛ یعنی اگر این یک ویژگی در حکومت وجود داشته باشد، هم موجب آرامش و امنیت جامعه و هم استحکام پایه های حکومت خواهد شد. ایشان می فرماید:

اسلام، حکومت به آن معنا ندارد. اسلام خدمتگزار دارد. شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. حکومت همان خدمتگزاری است.(۲)

این ویژگی اهمیت فراوان دارد؛ به گونه ای که اولیای الهی و انبیا، خود

۱- محمد هادی معرفت، مقاله «اقتراح زمان و مکان»، مجله نقد و نظر، ص ۳۰.

۲- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۰۲.

را خدمتگزار مردم می دانستند:

انبیا، خودشان را خدمتگزار می دانستند، نه اینکه یک نبی ای خیال کند حکومت دارد بر مردم. حکومت در کار نبوده، اولیای بزرگ خدا، انبیای بزرگ همین احساس را داشتند که اینها آمدند برای اینکه مردم را هدایت کنند و ارشاد کنند، خدمت کنند.(۱)

دولت ها خدمتگزار مردم هستند، نه فرمان فرما.(۲) دولت مال مردم است، نوکر مردم است،دولت ها خدمتگزارمردمند.(۳)حکومت باید در خدمت مردم باشد.(۴)

حوزه های کارآمدی حکومت از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله

۱. حوزه معنوی

الف) فتح قلوب مردم

حضرت امام رحمه الله می فرماید:

ای دولت ها، فتح مملکت که چیزی نیست، فتح قلوب مهم است.(۵) وقتی حکومتی پایه قدرتش به دوش ملت نباشد و ملت با قلبش با آن موافق نباشد، هرچه قدرتمند باشد هم نمی تواند پایداری کند.(۶) حکومت صدر اسلام، حکومت بر قلوب بود و لهذا، جمعیت های کم بر امپراتورهای بزرگ غلبه کردند.(۷)

در تمام این مطالب، حضرت امام روی یک نکته تأکید فراوان دارد و آن، به دست آوردن قلب های آحاد ملت است؛ یعنی تأثیرگذاری دولت در

۱- همان، ج ۱۵، ص ۳۵۸.

۲- . همان، ج ۹، ص ۱۸.

۳- همان، ج ۱، ص ۲۹۷.

۴- همان، ج ۱۲، ص ۳۸۲.

۵- همان، ج ۱، ص ۱۲۱.

۶- همان، ج ۷، ص ۵۱۰.

۷- همان، ج ۱۴، ص ۱۸۰.

راستای گرایش روحی ـ روانی ملت به آن، یکی از زمینه های مهم در استحکام پایه حکومت است و این امر هم موجب اطمینان جامعه به دولت و هم موجب استواری نظام خواهد شد.

ب) تزکیه نفس کارگزاران نظام

حضرت امام با تأکید بر خودسازی و تهذیب نفس مسئولان و دولت مردان به آنها هشدار می دهد:

اگر کسی که در رأس حکومت است، خودش را اصلاح نکند و تابع قوانین اسلام نباشد، قوانین اسلام را در مملکت وجود خودش اجرا نکند، این نمی تواند حکومت اسلامی باشد و حاکم اسلامی باشد.(۱) تزکیه برای دولت مردان، برای سلاطین،برای رؤسای جمهور، برای دولت ها، برای سردمداران، بیشتر لازم است تا برای مردم عادی. اگر افراد عادی تزکیه نشوند و طغیان پیدا کنند، یک طغیان بسیار محدود است، و لکن اگر طغیان در کسی شد که مردم او راپذیرفته اند، این گاهی یک کشور و گاهی کشورها را به فساد می کشد.(۲)

۲. حوزه قانون مداری

استقرار قانون

حضرت امام رحمه الله درباره حاکمیت و استقرار قانون در جامعه و نهادهای سیاسی و اجتماعی با تأکید فراوان می فرماید:

از صدر عالم تاکنون، تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده اند و اسلام برای برقرار کردن قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام، تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند.(۳)

۱- همان، ج ۱۴، ص ۴۱۴.

۲- همان.

۳- همان.

اگر همه اشخاص و همه گروه ها و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند، به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشماریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلاف از راه قانون شکنی ها پیش می آید.(۱)

در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصا قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی توانیم اسلامی حساب کنیم. کسانی که با قانون مخالفت می کنند، اینها با اسلام مخالفت می کنند.(۲)

هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفته ترین کشورها خواهد بود.(۳)

بنابراین، از دیدگاه حضرت امام رحمه الله، هدف و برنامه اصلی انبیا، بر اساس حاکمیت قانون الهی بوده است. اسلام به عنوان آخرین دین الهی، قانون جامع و کامل اجتماعی دارد. از نظر ایشان، اگر بتوان قانون اسلام را درست اجرا کرد، جامعه اسلامی از پیشرفته ترین کشورهای جهان خواهد شد؛ زیرا پای بندی به قانون و مقررات، احتمال بروز اختلاف و تفرقه را کاهش داده و جامعه را به آرامش و پیشرفت پیش خواهد برد.

۳. حوزه اقتصاد

الف) اجرای برنامه های اقتصادی اسلام

اجرای درست برنامه های اقتصادی اسلام، رفاه و امنیت اقتصادی جامعه را در پی خواهد داشت. حضرت امام خمینی رحمه اللهدر این زمینه می فرماید:

... اگر ملت ایران تسلیم احکام اسلام شوند و از دولت ها بخواهند برنامه مالی اسلام را با نظر علمای اسلام اجرا کنند، تمام ملت در رفاه و آسایش

۱- همان، ج ۵، ص ۲۰۴.

۲- همان، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳- همان، ج ۶، ص ۵۷.

زندگی خواهد کرد.(۱)

ب) قناعت کارگزاران

حضرت امام رحمه الله بر رعایت همگونی زندگی مسئولان با سطح زندگی عامه مردم تأکید داشت و آن را موجب دلگرمی مردم و سرپیچی از این اصل اساسی را از عوامل مهم نابودی حکومت ها می دانست:

اگر یک حکومت و دستگاه های حکومت، زندگی شخصی شان جوری باشد که مردم ببینند نزدیک به زندگی آنهاست، مردم قانع می شوند، مردم راضی می شوند، عصیان تمام می شود.(۲)

آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رییس جمهور از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.(۳)

ج) توجه به اقشار ضعیف

حضرت امام رحمه الله با توجه دادن دولت و دولت مردان به قشرهای آسیب پذیر و کم درآمد جامعه می فرماید:

ما باید برای این طبقه کارگر و کارمند که ضعیف هستند، طبقه ای که شما اینها را پایین می دانید، در حالی که اینها از همه شما بالاتر و بلندمقام تر هستند، باید دولت ها برای اینها کار بکنند.(۴)

۱- همان، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲- همان، ج ۷، ص ۲۵۹

۳- همان، ج ۱۷، ص ۳۷۶.

۴- همان، ج ۷، ص ۳۳۵.

دولت ها واقعا باید با تمام قدرت، آن طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می سوزاند، دل بسوزاند؛ مثل یک پدری که بچه اش اگر گرسنه بماند، چطور با دل افسرده به دنبال آن می رود که آنها را سیر کند.(۱)

د) پرهیز از سخت گیری اقتصادی بر مردم

امام خمینی رحمه الله می فرماید:

اگر دولت بخواهد مردم را در فشار قرار دهد، بازار را در فشار قرار دهد، بداند که فاتحه آن دولت هم خوانده خواهد شد.(۲) ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و برآنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند.(۳)

جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جلب نظر مردم را می کرد، دنبال این بود که مردم را جلب کند.(۴)

ه_) سهیم کردن مردم در فعالیت های دولتی

حضرت امام رحمه الله به حضور مشارکت مردمی در عرصه های گوناگون اجتماعی، به ویژه در عرصه اقتصاد تأکید می کند و دولت را از اقدامات انحصاری اقتصادی باز می دارد و آن را به استفاده از اندیشه ملی و مردمی ترغیب می کند.

دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی کنید، دولتی کردن در یک حدودی است که معلوم است، لکن مردم را شرکت دهید، بازار را شرکت دهید.(۵)

کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری

۱- همان، ج ۱۸، ص ۱۵۹.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱.

۳- همان، ج ۱۹، ص ۴۴.

۴- همان، ج ۱۷، ص ۲۵۱.

۵- همان، ج ۱۹، ص ۴۰۹.

مهلکی است که باید از آن احتراز شود.(۱)

و) برقراری نظام امن اقتصادی

دولت بایـد امنیت و ثبات اقتصادی جامعه را تضـمین کنـد تا مردم با خیال آسوده و بدون نگرانی به فعالیت اقتصادی بپردازند. حضرت امام رحمه الله در این زمینه می فرماید:

دولت اسـلامی باید مردم را در همه چیز مطمئن کند؛ در سـرمایه هایشان، در کسبشان، در کارخانه هایشان. در همه چیز، مردم در آرامش باشـند و دولت ابـدا نمی توانـد به آنهـا تعـدی بکنـد و نبایـد تعـدی بکنـد و اگر کسـی تعـدی کرد، تأدیب خواهد شد.(۲)

۴. حوزه مدیریت

الف) صالح بودن دولت و مسئولان

الف) صالح بودن دولت و مسئولان

آن چیزی که در نظام حکومت اسلامی باعث خوش بختی ملت ها می شود، صالح بودن دولت است.

بـدبختی و خوش بختی ملت ها بسـته به اموری است که یکی از مهمات آن صـلاحیت داشـتن هیئت حاکمه است. اگر چنانچه هیئت حاکمه؛ کسانی که مقررات یک کشور در دست آنهاست، اینها فاسد باشند، مملکت را به فساد می کشند، همه بعدهای مملکت را رو به نیستی و فساد می برند.(۳)

حضـرت امام رحمه الله در این راسـتا، به منظور تداوم انقلاب اسـلامی، اسـتفاده از نیروهای طبقه متوسط را سـفارش می کند و می فرماید:

اسـاس ادامـه یـک پیروزی انقلاـب در امری اسـت کـه بـه نظر می آیـد در رأس امـور واقع است و آن اینکه دولت، مجلس و کسانی که در ارتش و سپاه هستند، از طبقه متوسط و مادون باشند. مادامی که مجلس و

۱- همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۱۶۱.

۳- همان، ج ۵، ص ۳۱۴.

ارگان های دولتی از این طبقه تشکیل شود، امکان ندارد یک دولت و قدرت بزرگ اوضاع به هم بزنند.(۱)

ب) شایسته سالاری

حضرت امام رحمه الله در جایی دیگر به منظور موفقیت دولت می فرماید:

دولت بدون گزینش افراد متعهد و متخصص در رشته های مختلف موفق نخواهد شد و دولت مردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در [فکر] منافع ملت بودن تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت روسفید باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی تفکر و تأمل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است... دولت مردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند.(۲)

ج) وجدان کاری

در جامعه ای که حکومت اسلامی حاکم است، باید همه افراد آن جامعه به انجام وظیفه انسانی و اجتماعی خود، پای بند باشند. امام رحمه اللهمی فرماید:

اگر یک مملکت کارمندش و دولتش و ملتش و روحانیتش و بازارش و همه چیز، هر کدام به آن وظایفی که خدای تبارک و تعالی محول کرده بر آنها خوب عمل کردند، این مملکت بعد از چندی همه اش درست می شود.(۳)

ایشان تعهد کاری و وظیفه شناسی را موجب پشتیبانی ملت از حکومت می داند: «وقتی دولت خوب کار کند برای ملت، آنها هم پشتیبانند».(۴)

ص: ۱۹۳

۱- همان، ج ۱۶، ص ۱۹.

۲- همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.

۳- همان، ج ۹، ص ۴۸۰.

۴- همان، ج ۱۷، ص ۳۸۳.

امام برای اجرای شایسته سالاری در جامعه، مقوله استعفای مدیران ناکارآمد را مطرح و آن را عملی صالح و عبادت معرفی می کند.(۱)

د) رسیدگی به امور مردم

حضرت امام درباره موانع رسیدگی به امور مردم و نیز سرعت عمل داشتن در رسیدگی به امور مردم می فرماید:

باید تمام ادارات از تجمل پرستی و اسراف و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعا انجام دهند.(۲)

ه_) جلوگیری از فساد اداری

اصلاح دولت و اصلاح ادارات و اصلاح جامعه و بازسازی، همه اینها بر دوش شما آقایانی است که در رأس امور هستید و چنانچه همت نگمارید، چه بسا که ما قدم را به واپس برداریم.(۳)

و) زدودن فساد

دولت و همه موظفند، وقتی فسادی واقع شد، اغماض نکنند و همان یک مورد را از بین ببرند تا سرایت نکند تا اینکه یک جمهوری به فساد کشیده شود و یا در دنیا بدنام شود.(۴)

ز) خودداری از خصلت و رفتار آمرانه و تکلیفی

اگر این احساس پیش بیاید که من الآن بالا هستم و دیگران باید از من اطاعت بکنند و یک تکلیفی است و بخواهید با تکلیف و تکلف به مردم حکومت کنید، این باز به حالت سابقه بر می گردد و مردم از شما جدا می شوند.(۵)

۱- همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.

۲- همان، ج ۶، ص ۲۶۶.

۳- همان، ج ۱۵، ص ۴۹۲.

۴- همان، ج ۱۶، ص ۱۷۳.

۵- همان، ج ۱۳، ص ۳۷۱.

۵. حوزه سیاسی

الف) یکپارچگی مردم و حکومت

امام در این باره می فرماید:

اگر یک کشور بخواهد یک کشور سالمی باشد، باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد.(۱)

اگر یک مملکتی دولت و ملتش، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت با هم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو مملکتی و کشوری شکست نخواهند خورد.(۲)

حضرت امام رحمه الله سرچشمه همه گرفتاری ها در کشور را، جدایی میان مردم و مسئولان حکومت می داند و حل این مشکل را نیز به وسیله دولت ممکن می داند:

جدایی دولت ها از ملت ها، منشأ همه گرفتاری هایی است که در یک کشور تحقق پیدا می کند.(۳)

جدایی ملت از دولت، بلکه رو در رو قرار گرفتن آنها، موجب ضعف آنها و گرفتاری دولت و ملت شده است و تا این مشکل را خود دولت ها حل نکنند، روی سعادت را نخواهند دید و همیشه گرفتار دست خیانتکاران و اجانب خواهند بود.(۴)

حضرت امام رحمه الله وجود قدرت و پایگاه مردمی را بسیار مهم و بالاترین قدرت ها می داند و می فرماید:

این یک اشتباهی از حکومت ها بوده است که خیال می کردند که اگر قدرت های بزرگ را به دست بیاورند، بهتر از این است که قدرت ملت

۱- همان، ج ۸، ص ۲۳۰.
۲- همان، ج ۹، ص ۱۴۴.
۳- همان، ج ۹، ص ۱۱۸.
۴- همان، ج ۹، ص ۱۲۹.

خودشان را به دست بیاورند و این علاوه بر اینکه یک خیانت به ملت ها بوده است، آن کامیابی که باید برای یک انسان باشد و آن ارزشی که باید برای یک انسان باشد اینها از دست داده بودند.(۱)

ب) مشارکت سیاسی مردم

حضرت امام خمینی رحمه الله بر این باورند که دولت بدون مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی قادر به انجام همه فعالیت ها نیست و موفقیت دولت بسته به میزان مشارکت سیاسی مردم است:

من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند، دولت نمی تواند همه کارها را بکند، شماها باید پشتیبانی کنید.(۲)

نمی شود که ملت کنار بنشیند و بگوید دولت همه کارها را بکند. با یک همچو خرابه بزرگی را دولت به این زودی ها، اگر قدرت ملت نباشد، نمی تواند آبادکند.(۳)

مشارکت مردمی از عوامل انحطاط ناپذیری حکومت هاست:

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت.(۴)

از دیدگاه ایشان، بی توجهی به مردم، موجب از میان رفتن پشتیبانی مردمی می شود:

دولت ها خودشان را فرمان فرما و ولی امر و همه چیز می دانند و برای ملت هیچ اعتباری قایل نیستند. از این جهت از پشتیبانی ملت محرومند.(۵) ملت ها

۱- همان، ج ۱۴، ص ۲۳۲.
۲- همان، ج ۳، ص ۵۲۹.
۳- همان، ج ۱۰، ص ۳۳۲.
۴- همان، ج ۸، ص ۳۷۲.
۵- همان، ج ۱۱، ص ۹۴.

اگر با یک چیزی مخالفت کردند، دولت ها نمی توانند اجرا کنند. امروز مثل سابق نیست که یک دولتی بیاید هر غلطی می خواهد بکند. خیر، باید موافق امیال صحیحه ملت عمل بکند، نوکر ملت باشد، نه آقای ملت.(۱)

مشارکت ملی و مردمی، به شکل یک پارچه در مشاوره دولت با مردم و نمایندگان آنان تجلی می یابد و این امر، موجب کارآمدی برنامه های دولت می شود:

در حکومتی که به طور قطع باید زمامداران امور دائما با نمایندگان ملت در تصمیم گیری ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی توانند به تنهایی تصمیم گیرنده باشند.(۲)

ج) عدالت پروری

حضرت امام رحمه الله با تأکید بر رعایت عدالت از سوی دولت مردان، می فرماید: باید دولتی به وجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند و امتیاز بین قشرها ندهد، مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند.(۳)

مفاسد از حکومت ها سرچشمه می گیرد. حکومت عدل، تمام مصالح کشور را تأمین می کند و حکومت ظلم، تمام بدبختی ها را برای یک ملتی ایجاد می کند.(۴)

د) انتقاد پذیری

رهبر کبیر انقلاب اسلامی با نگاهی متواضعانه، در این زمینه می فرماید:

کوچک ترین فرد می تواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد.(۵)

۱- همان، ج ۱۵، ص ۳۷۳.

۲- همان، ج ۵، ص ۴۳۶.

۳- همان، ج ۹، ص ۱۳۵.

۴- همان.

۵- همان، ج ۵، ص ۴۴۹.

ه_) پرهیز از سیاست بازی

حضرت امام خمینی رحمه الله در این زمینه، مصلحت اسلام و نظام اسلامی را مهم دانسته و نسبت به دوری از سیاست بازی های گروهی چنین هشدار می دهند:

دولت مردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است، به پیش روند و این سیاست صحیح اسلامی است و خدای ناخواسته در سیاست بازی های گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه شوند.(۱)

ایشان همچنین همدلی و وحدت میان دولت مردان را موجب کارآمدی بهتر دولت می دانند و می فرماید:

سفارش دوم آن است که بین خودتان، بین وزرا، بین دولتی ها برادری باشد. شما برای اسلام می خواهید خدمت کنید، نمی خواهید که برای خودتان کاری بکنید. شما می خواهید برای این ملت محروم در طول تاریخ خدمت بکنید، نمی خواهید که جیب خودتان را پر کنید.(۲)

آسیب شناسی نظام اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله

اشاره

آسیب شناسی نظام اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله

در زمینه شناخت آسیب های نظام جمهوری اسلامی، باید در پی علل انحطاط و سقوط رژیم پهلوی بود؛ زیرا همان عواملی که موجب فروپاشی رژیم شاهنشاهی شد، می تواند آسیب و آفت انقلاب و نظام اسلامی نیز باشد. حضرت امام رحمه الله با توجه به اینکه در جریان دگرگونی های اجتماعی و سیاسی ایران بودند و رهبری این رستاخیز عظیم قرن را به عهده داشتند، با هوشیاری تمام، نسبت به آسیب ها هشدار داده اند. از نظر ایشان عوامل

۱- همان، ج ۱۱، ص ۱۵۷.

۲- همان، ج ۱۸، ص ۸۱.

این آسیب ها دو گونه اند:

۱. عوامل بیرونی یا توطئه های خارجی

ایشان با وجود آگاهی کامل به توطئه ها و ترفندهای دشمن، تأثیرهای آن را بسیار اندک می دانند و می فرمایند:

ما با یک ابرقدرتی در طرف غرب و با یک ابرقدرتی در طرف شرق مواجه هستیم که هر دوی آنها می خواهند ما را ببلعند.(۱)

از هیچ یک از این قدرت هایی که در عالم هستند و ارعاب می کنند ملت ما را، ما نمی ترسیم... ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی ترسد و آسیب نمی بیند.(۲)

ایشان خطر فیزیکی دشمن خارجی را ناچیز و کم اهمیت ارزیابی می کنند و می فرماید:

اگر چنانچه گفته شود که دولت امریکا می خواهد نظامی بیاورد و این مملکت را به خاک و خون بکشد، باور نکنید. از محاصرات اقتصادی و نظامی و دخالت های نظامی ابرقدرت ها نمی ترسیم.(۳)

ایشان همچنین ترور فیزیکی اشخاص را در روند انقلاب بی تأثیر دانسته و بر آن بودند که با ترور اشخاص نمی توان انقلاب را ترور کرد.(۴) حتی ایشان تهاجم نظامی دشمن خارجی را عامل یک پارچگی ملت می دانند:

تازه وقتی که یک جنگی شروع می شود، ملت بیدار می شود، بیشتر

۱- همان، ج ۱۳، ص ۲۹.

۲- همان.

۳- همان، ج ۱۲، ص ۹۲.

۴- همان، ج ۷، ص ۱.

متحرک می شود.(۱)

۲. عوامل درونی

اشاره

حضرت امام رحمه الله عوامل بیرونی را دارای تأثیرهای کمتری می دانستند، ولی عوامل درونی و داخلی را، سرچشمه آسیب ها و گرفتاری های جامعه می دانند. برخی از این عوامل عبارتند از:

الف) تفرقه

ایشان عواملی مانند تعدد قبایل و عشایر، جایگاه های جغرافیایی، گوناگونی زبان و مذهب و نیز خاستگاه روشن فکری؛ یعنی وجود مراکز علمی، به ویژه حوزه ها و دانشگاه ها را از عوامل تفرقه به شمار آورده اند.(۲)

بدین سان، ایشان با نفی محوریت ملیت، زبان و وحدت مکانی، بر محوریت «اسلامیت» به مفهوم مطلق و عام کلمه، یعنی اقرار به کلمه «لا اله الا اللّه » و داشتن قبله واحد و دین واحد تأکید فراوان کرده اند:

مسلمانانی که اهل حق هستند، قرآن کتاب آنهاست. کعبه قبله آنهاست، کسانی که به اسلام ایمان آورده اند و به حق ایمان آورده اند، در دین حق خودشان مجتمع باشند و نگذارند این باطل ها که در باطل خودشان می خواهند مجتمع شوند، آنها پیروز بشوند.(۳)

حضرت امام رحمه الله راه نجات کشور از دست ابرقدرت ها را وحدت و یک پارچگی همه مردم ایران و اجرای قوانین و مقررات می داند و می فرماید:

اگر بخواهید مملکت خودتان را از دست ابرقدرت ها و چپاولگری های

۱- همان، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

۲- همان، ص ۳۱.

۳- همان، ج ۱۳، ص ۴۸.

بین المللی نجات بدهید، باید همه مقرراتی که تحت عمل هر یک هست، آن مقررات عمل بشود و هیچ نهادی با نهاد دیگر معارضه نکند... من امیدوارم که تمام برادرهای ما در اطراف ایران، چه برادران اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و تمام کسانی که در این ملت هستند از اقلیت های مذهبی، همه با هم مجتمع باشند، تا اینکه رفاه همه مسلمان ها و همه کسانی که در کشور اسلامی سکونت دارند، حاصل بشود.(۱)

ایشان حکومت اسلامی را حکومتی انسانی می داند و می فرماید:

با قانون گرایی می توان اختلافات را حل کرد.(۲) در حکومت انسانی و حکومت عدل، بدون داشتن دین واحد نیز می توان با منطق گفت وگو به تفاهم رسید.(۳)

امام خاستگاه تفرقه را نه مردم، که نخبگان سیاسی و مسئولان نظام می دانست و می فرمود:

شما برای خدا عمل کنید، همه تان با هم باشید، پشت و پناه هم باشید. ملت خوب است، ملت یک ملت روشنی است، یک ملت خوبی است، شماها هم، همه با هم مجتمع بشوید، دولت و ملت، ارکان دولت، رییس جمهورش، مجلسش، همه اینها با هم مجتمع باشند.(۴)

من باز تأکید می کنم اگر سران با هم خوب باشند، این کشور صدمه نمی بیند. اگر صدمه ای این کشور ببیند از اختلاف سران است. همان طور که شارع مقدس فرموده، باید دولت، مجلس و قوه قضاییه احساس کند که یک تکلیف دارند و آن اینکه اختلاف نداشته باشند.(۵)

ص: ۲۰۱

۱- همان، ص ۲۷.

۲- همان، ج ۷، ص ۲۸۰.

۳- همان، ج ۱۴، ص ۳۸.

۴- همان، ج ۱۳، ص ۱۷۳.

۵- همان، ج ۱۸، ص ۵۷.

ب) ارائه چهره طاغوتی از حکومت

حضرت امام رحمه الله ماهیت انقلاب ایران را به دلیل اسلامی بودن، از دیگر انقلاب های دنیا متمایز می دانستند و این ویژگی (اسلامی بودن) را وجه تمایز حکومت انقلاب ایران از طاغوت برمی شمرد و می فرمود:

ما همه مکلفیم حالایی که جمهوری اسلامی شد، ما هم اسلامی باشیم. اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد، اما ماها دیگر اسلامی نباشیم، حکومت اسلامی نیست. اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد، پاسبان هایش اسلامی نباشند، خدای نخواسته دادگاه هایش اسلامی نباشند، وزارتخانه هایش اسلامی نباشند، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام، همان طاغوت است.(۱)

نظر ایشان این بود که طاغوت قائم به شخص نیست و مصادیق و مراتب مختلف دارد؛ یعنی هر کس که عملش خلاف اسلام باشد، طاغوت است؛ خواه حکومت پهلوی باشد و یا هر کس دیگر.(۲)

ج) ارائه چهره واژگونه از اسلام

ممکن است برنامه های حکومتی به ظاهر اسلامی باشد، ولی چهره ارائه شده از اسلام، چنان واژگونه و دور از واقعیت باشد که دل های پاک توده مردمان به آن رغبت نکنند؛ زیرا از دیدگاه حضرت امام رحمه الله، اگر اسلام واقعی به مردم ارائه شود، همه دنیا آن را می پذیرند.(۳) ایشان در این زمینه چنین هشدار می دهند:

اگر روحانیون که در رأس جامعه هستند، روی موازین و مقررات به طور

۱- همان، ج ۸، ص ۴.
۲- همان، ج ۱۳، ص ۷۵.
۳- همان، ج ۷، ص ۳۳.

دقیق عمل نکنند، اگر دولت به طور دقیق عمل نکند... و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام، یک صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می شود... الآن یک تکلیف بسیار بزرگی بر عهده همه ماست. من یک طلبه هستم، این تکلیف را دارم، آقایان [روحانیون] این تکلیف را دارند، سایر قشرها هم دارند که کوشش کنیم وجهه اسلامی را آن طور که هست، نمایش دهیم، نه آن طوری که خلفایی مثل معاویه و یزید جلوه می دادند و اسباب این می شد که یک وقت وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند.(۱)

به نظر ایشان، اگر در گزینش نیروها دقت نکنیم و گروهی را بر مردم بگماریم که همانند افراد رژیم سابق ستم کنند و آزادی را از اقشار مردم بگیرند، این موجب شکست مکتب است؛ زیرا این مکتب را با اعمال طرفداران آن می سنجند.(۲) از سخنان حضرت امام رحمه اللهچنین برمی آید که مسئولان همیشه به ظواهر فکر نکنند، بلکه با دیدگاه گسترده تری به تحلیل وقایع اجتماعی بپردازند؛ یعنی این گونه فکر نکنند که هر کس مخالف آنهاست، مخالف اسلام است. چه بسا اعمال و رفتار مسئولان موجب دلسردی مردم از اسلام و انقلاب شود. پس باید به اصلاح خود بپردازند و این در کلام نورانی امام رحمه الله فراوان دیده می شود.

د) سوء استفاده از آزادی

یکی از اصول و مبانی انقلاب شکوهمند اسلامی در اندیشه حضرت امام رحمه الله «آزادی» است. ایشان می فرماید:

اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آزادی ملت

۱- همان.

۲- همان، ص ۱۹۵.

هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد ما هم همان را تبعیت می کنیم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم.(۱)

دامنه آزادی سیاسی در اندیشه حضرت امام بسیار گسترده است؛ به گونه ای که «هر فرد از افراد ملت حق دارد، مستقیما در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده ای بدهد. در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظیفه اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است».(۲)

از دیدگاه ایشان، یکی از مشکلات، درک و استفاده درست از آزادی است. ایشان در این مورد به ملت و دولت هشدار می دهد. شکر نعمت آزادی را حفظ حدود و چارچوب آن می داند که اگر حدود آن حفظ نشود، ممکن است به شرایط گذشته برگردیم: «اگر خدای نخواسته آزادی را صرف کردیم برخلاف مسیر ملت و اسلام، حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم... حالاـ که آزاد هستیم، برخلاف نظامات اسلامی و برخلاف نظامات ملی عمل کنیم، هرج و مرج به پا کنیم، تحت هیچ قاعده ای نباشیم، تحت هیچ قاعده اسلامی و ملی نباشیم، اگر این طور باشد آزادی را سلب کردیم، برخلاف مسیر ملت و برخلاف مسیر اسلام».(۳)

ه_) وابستگی اقتصادی

حضرت امام رحمه الله تقویت بنیه اقتصادی را برای استقلال کشور ضروری

۱- همان، ج ۱۰، ص ۱۸۱.
۲- همان، ج ۴، ص ۱۹۰.
۳- همان، ج ۷، ص ۴۲.

می داند و بر این باور است که بدون استقلال مادی و خودکفایی نسبی، استقلال در دیگر زمینه ها نیز ناممکن است:

اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی دنبالش می آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می کنیم. وابستگی نظامی هم پیدا می کنیم. برای وقتی ما چیزی نداشتیم، دستمان به طرف امریکا دراز می شود و امریکا همه چیز را به ما تحمیل می کند، ما وقتی می توانیم زیر بار او نرویم که قدرتمند باشیم.(۱)

حضرت امام رحمه الله وابستگی اقتصادی را یکی از آسیب های جدی انقلاب دانسته و آن را عامل بازگشت به وضعیت نابسامان زمان طاغوت می دانند که زمینه را برای پیدایش حرکت های مردمی آماده می کند.(۲)

و) تجمل و اشرافی گری

ایشان خطاب به روحانیت می فرمود:

آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را به پا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند، عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.(۳)

ایشان با فروتنی بسیار، از تمامی مسئولان، به ویژه روحانیان می خواهند که برای حفظ انقلاب اسلامی از تجمل گرایی بپرهیزند:

۱- همان، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

۲- همان، ص ۲۰۴.

۳- . همان، ج ۱۹، ص ۱۸۸.

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منّت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی است، پرهیز کنند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست.(۱)

تجمل گرایی از دیدگاه حضرت امام رحمه الله بدان معناست که زندگی متولیان امور جامعه، متفاوت از توده مردم و دارای امتیازهای ویژه ای باشد و با سوء استفاده از مقام، ثروت اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قایل شوند.(۲)

ملاک تشخیص این وضعیت، مقایسه تفاوت وضع پیش و پس از تصدی مسئولیت است و داوران این امر نیز مردمند. ایشان می فرماید:

یک وقت کاری نشود که ملت ها و دیگران کار را تعیب کنند به اینکه شما دستتان نمی رسید، حالا که دستتان رسید، شما هم همان هستید.(۳)

حضرت امام رحمه الله، آسیب های مختلفی را برای انقلاب و نظام اسلامی مطرح کرده اند که برخی از آنها به قرار زیر است: وظیفه شناس نبودن مردم؛(۴) سستی و از دست دادن حالت انقلابی؛ از خود بیگانگی؛(۵) کم کاری

۱- همان، ج ۱، ص ۴۵.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۸.

۳- همان، ج ۱۲، ص ۶۹.

۴- همان، ج ۱۱، ص ۲۱۵.

۵- همان، ص ۱۶۷.

در ادارات و کارخانه ها؛(۱) انحراف در رسانه های جمعی به ویژه تلویزیون؛(۲) ظاهرگرایی و چاپلوسی؛(۳) سرگرم شدن به مسائل غیر اساسی؛(۴) نفوذ افراد فاسد در بدنه حکومت؛(۵) گفتارهای نسنجیده و آسیب زای برخی از مسئولان؛(۶) تضعیف نهادها؛(۷) بزرگ نمایی مشکلات کوچک؛(۸) ایجاد یأس و نومیدی در مردم به جای امید به آینده؛(۹) ترجیح مسائل فردی بر مصالح جامعه.(۱۰)

ج) شهید محمدباقر صدر۱

اشاره

ج) شهید محمدباقر صدر(۱۱)

متفکر ارجمند عالم اسلام، آیت اللّه محمدباقر صدر به سال ۱۳۵۳ ه . ق در خاندانی وارسته در شهر کاظمین دیده به جهان گشود. پدرش آیت اللّه سیدحیدر صدر و مادرش دختر آیت اللّه شیخ عبدالحسین آل یاسین بود. او در کودکی پدر بزرگوارش را از دست داد و در کنار مادر و برادر بزرگوارش آیت اللّه سیداسماعیل صدر پرورش یافت. وی در نجف اشرف از استادان بزرگی مانند آیت اللّه آل یاسین و آیت اللّه خویی بهره ها برد و به مقام

۱- همان، ص ۱۸۳.

۲- همان، ص ۱۷۹.

۳- همان، ج ۱۲، ص ۸۴.

۴- همان، ج ۸، ص ۲۶۴.

۵- همان، ج ۸، ص ۱۱۲.

۶- همان، ج ۱۱، ص ۶۴.

۷- همان، ج ۱۴، ص ۲۴.

۸- همان، ص ۴۰.

۹- همان، ص ۴۴.

۱۰- همان، ص ۴.

۱۱- محمدباقر صدر، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه: غلامرضا بیات، فخرالدین شوشتری، تهران، انتشارات بدر، چاپ پرتو، ۱۳۵۸، صص ۹ _ ۱۴.

والای اجتهاد و مرجعیت دست یافت. با نگارش آثاری ارزنـده در باروری هرچه بیشتر نهال تشیّع گام های مؤثری برداشت. او در کنار این مبارزه علمی و عملی با حکومت فرعونی بغـداد (حزب بعث)، همچنین در مقابل تهاجم فرهنگ های بیگانه با بیان و قلم ایستاد.

وی در موضوع های مختلفی ماننـد فلسـفه غرب و شـرق، اقتصاد سـرمایه داری و کمونیستی، اسـتقراء و اثر آن در علوم طبیعی، عقایـد و اصول دین و زمامـداری و ولایـت و جامعه اسـلامی کتاب های ارزشـمندی نوشت که عبارتنـد از: غایه الفکر فی علم الاصول؛ فلسـفتنا؛ اقتصادنا؛ البنک اللاربوی فی الاسلام؛ دروس فی علم الاصول؛ المعالم الجدیده فی الاصول؛ الاسس المنطقیه فی الاستقراء؛ الفتاوی الواضحه؛ ماذا تعرف عن الاقتصاد الاسلامی؛ بحوث فی شرح عروه الوثقی؛ بحث حول المهدی.

دیدگاه های سیاسی شهید محمدباقر صدر

۱. لزوم ایجاد دولت اسلامی

حکـومت در اسـلام، امری است که در متن آموزه هـای شـریعت اسـلامی نهفته است. قوانین جزایی، مـالی، حقوقی، قضـایی و حتی قوانین عبادی اسـلام با عالی ترین نوع برنامه ریزی در درون شـریعت، ضـرورت تشکیل حکومت را نشان می دهد. شهید صدر در این باره می فرماید:

ایجـاد دولـت اسـلامی و حکـومت برای اقـامه حـدود الهی، ادامه خـط نبـوت و امـامت است و حفـظ دین الهی و گسـترش آن ضروری است؛ زیرا بـدون وجود دولت اسـلامی، نه حـدود و فرامین الهی و به ویژه فرامین و حـدود اجتماعی و سیاسـی جهاد، قصاص و... اجرا می شود و نه خط پیامبر و امام ادامه می یابد و نه دین الهی حفظ می شود و گسترش می یابد و این یک

اصل عقلی و بدیهی است.(۱)

همچنین ایشان می فرماید:

دولت اسلامی تنها یک ضرورت دینی نیست، بلکه اضافه بر آن ضرورت تمدن بشری است؛ زیرا تنها راهی است که می تواند استعدادهای انسان را در جهان اسلام شکوفا سازد و او را تا جایگاه طبیعی و خاص خود در تمدن انسانی برساند و انسان ها را از پراکندگی ها، وابستگی ها و تباهی های رنگارنگ رهایی بخشد.(۲)

۲. نظام سیاسی

شهید صدر در تعریف نظام سیاسی می نویسد:

نظام سیاسی، عبارت است از تجمع عواملی که در نتیجه هدفمندی های عالی و انسانی گرد هم آمده اند تا در پرتو این همگرایی، هدف های عالی و غایی را در درون خود تثبیت نموده و به مرحله تحقق در جوامع بشری برسانند.(۳)

۳. نظام اسلامی و نظارت حاکم بر امور اقتصادی

در بخش اقتصادی نیز دیدگاه ها و فرمان های حاکم اسلامی در سرنوشت اقتصادی جامعه تعیین کننده است. شهید صدر می فرماید:

حاکم اسلامی، باید به بهترین گونه این بخش را نگاهداری کرده، بدان رسیدگی نماید و به شیوه های پسندیده و با بهره گیری از ابزارهای جدید علمی و تکنولوژی نوین برای بالا بردن قدرت تولید این بخش تلاش کند تا اینکه این نیروی عظیم موجب برپایی و حیات اقتصادی بر اساس

۱- موسی نجفی، تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۵۰.

۲- محمد باقر صدر، الاسس الاسلامیه، بیروت، دارالفرات، ۱۹۸۹م، ۱۴۱۰ه . ق، الطبعه الاولی، رقم ۵، ص ۳۴۷.

۳- محمدباقر صدر، اقتصادنا، ترجمه: محمد کاظم موسوی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۵۹.

آرمان های والای اسلامی گردد.(۱)

ولی امر وظیفه دارد که بر کلیت بخش های اقتصادی جامعه نظارت کند تا شرایط ناگواری پیش نیاید. ازاین رو، حاکم اسلامی باید سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهو ائمه معصومین علیهم السلام را ملاک و معیار عمل خود قرار دهد.

پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام در شئون مختلف حیات اقتصادی، قوانین متحرکی را وضع کرده اند. این پدیده های متحرک چون از جانب صاحب رسالت و جانشینان معصوم او صادر شده، بدون شک یک روح عمومی به اقتصاد اسلامی می دهد. از این رو، رهبر معصوم در این زمینه راهنمایی های ثابت و تغییرناپذیری دارد که حاکم شرع باید با آگاهی از آنها بر اساس نیازهای متغیر جامعه قانون وضع نماید.(۲)

ایشان در زمینه انفال می گوید:

شیخ طوسی در تهذیب، راجع به شأن نزول آیه انفال روایت کرده که عده ای از پیامبر تقاضا کردند تا قسمتی از انفال را به آنان بدهد، آن وقت آیه مزبور نازل شد. به استناد همین آیه مالکیت دولت نسبت به انفال تأیید و در نتیجه تقسیم خصوصی آن ممنوع گردیده است. تصدی انفال از طرف پیامبر، همان تملک دولت است در رژیم اسلامی که حایز منصب الهی می باشد.(۳)

۱- محمدباقر صدر، طرح گسترده اقتصاد اسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، تهران، چاپ پرتو، ۱۳۵۹، ص ۱۴۶.

۲- محمدباقر صدر، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه: بیات، تهران، انتشارات بدر، چاپ پرتو، سال ۱۳۵۸، ص ۸۷.

۳- اقتصادنا، ج ۲، ص ۸۱.

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

پیشنهادهای کلی

اشاره

برای رسانه ها و به ویژه صدا و سیما می توان راهکارها و سیاست گذاری هایی را پیشنهاد کرد که بر اساس هدف های کلی نظام اسلامی شکل گیرد؛ آن هم هدف هایی که در زمینه پیشرفت فرهنگی در عرصه های گوناگون از جمله سیاست وجود دارد؛ زیرا «انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فرهنگی به معنای وسیع و اصیل آن، در قرن بیستم بود. آنچه این انقلاب مقدس و وحدت گرا را به پیروزی رساند، تحوّل و انقلاب درونی در توده های مردم به سوی یک الگوی فرهنگ اسلامی بود. امروز، تنها فرهنگ اسلامی است که باید بر چنین نظامی حاکمیت داشته باشد و مدلولات فلسفی، سیاست گذاری و مدار فعالیت آن را تشکیل دهد. بنابراین، استفاده از عنوان «فرهنگ و ارشاد اسلامی» و ذکر آن در اینجا ضروری است؛ زیرا در جریان انقلاب و آنچه انگیزه و الگو و به اصطلاح فرنگی ها «پارادایم» یا «پارادیگم» این انقلاب را تشکیل داد، فلسفه، نیرو،

تصویر و آرمان فرهنگ و ارشاد اسلامی بود».(۱)

بـا توجه به این مهم، می توان دریـافت که حوزه کـار رسانه ها و به ویژه صـدا و سـیما بایـد در دو محور بسـیار مهم فرهنگ و ارشاد اسـلامی متمرکز شود؛ زیرا شـکل گیری، پیشـرفت و اقتدار وحدت جهان اسـلام، به گسترش فرهنگ و معارف اسلام از طریق ارشـاد و راهنمـایی صـحیح بسـتگی دارد. نظریه ها و مفاهیم سـیاست اسـلامی در حال حاضـر یکی از مهم ترین موضوع هـایی است که بایـد حجم سـنگینی از فعـالیت هـای علمی و عملی را به آن اختصاص داد. می توان گفت این موضوع یکی از بنیـادی ترین موضوع هـا در بحث جهان بینی و ایـدئولوژی اسـلامی است. در این زمینه، بایـد برنامه های گوناگون برای گروه هـای مختلف اجتمـاعی بر اسـاس سن، مقطع تحصـیلی، وضـعیت خانوادگی و وضـعیت فردی (روحی، روانی، جسـمی) فراهم ساخت. همچنین کسانی که در این زمینه فعالیت می کنند باید به موارد زیر توجه داشته باشند:

۱. آگاهی از فلسفه سیاسی اسلام

برای انجام هرگونه فعالیتی در این موضوع، شـناخت و آگاهی، شرط عقلانی است و بدون آن، طراحی و انجام دقیق هر برنامه ای غیرممکن است.

۲. آگاهی نسبی از مکتب های سیاسی

این، بدان دلیل است که بتواند مقایسه ای دقیق و معقول و منصفانه میان

ص: ۲۱۲

۱- حمید مولانا، الگوی مطبوعات و رسانه های اسـلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، چاپ سپهر، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۶۱ .

آموزه های سیاسی اسلام با دیگر مکتب ها به عمل آورد و اولویت های سیاست اسلامی را تبیین کند.

۳. آگاهی از دغدغه های فکری نسل جوان و پاسخ گویی به آن

این شرط از مهم ترین ویژگی ها است؛ زیرا در هر جامعه ای، نسل جوان، قشر فعال و تأثیرگذار در عرصه های مختلف اجتماعی است و شناخت دل مشغولی ها و دغدغه های آنان و سخن گفتن به زبان آنها بسیار مهم است.

۴. اولویت بندی بحث های سیاسی

جهان، هر لحظه شاهد دگرگونی های فراوان است. ازاین رو، شناخت موضوع های سیاسی هر زمان و اولویت بندی آنها با توجه به شرایط روز، تأثیرگذاری برنامه ها را دوچندان می سازد.

۵. زمان بندی درست برای طرح مسائل سیاسی

برای هر مسئله ای با توجه به اهمیت آن، باید زمان خاص و مناسبی اختصاص داد.

درباره اهداف برنامه های صدا و سیما در این زمینه می توان به شناخت تأثیرگذاری عالمان دینی در هر برهه از زمان اشاره کرده تا با شناخت جایگاه معنوی و اجتماعی آنها پیوند میان قشرهای جامعه، به ویژه جوانان و روحانیت بیشتر شود.

۶. مخاطب شناسی

باید هر برنامه ای هدفمند و دارای مخاطب ویژه ای باشد. شناخت ویژگی های همه جانبه مخاطبان به لحاظ فردی و اجتماعی، روحی، روانی

ص: ۲۱۳

و جسمانی و نیز علمی و فرهنگی امری مهم و عقلانی است. برای مثال، در زمینه تبیین مفاهیم سیاسی و نظریه های عالمان دینی برای دانشجویان، باید فعالیت های ویژه ای انجام پذیرد؛ زیرا می توان از این قشر فعال و دردآشنا که دارای آمادگی بسیار بالایی در زمینه های گوناگون است، استفاده بهینه شود و پیوند بین دو کانون علمی و فرهنگی جامعه اسلامی یعنی حوزه و دانشگاه تحقق یابد.

۷. بیان عینیت سیاست و دیانت در اسلام

همواره در برنامه ها باید تأکید شود که در اسلام دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت است و این دو از هم جدا نیستند. این نکته، هم در متون شرعی و هم بر اساس سیره زندگی پیشوایان و عالمان دینی قابل اثبات است؛ عالمان دین، هیچ گاه نسبت به امور اجتماعی و سیاسی بی تفاوت نبوده و همواره درون حوادث و جریان های سیاسی ـ اجتماعی بوده اند. بر این اساس، باید به این نکته توجه داده شود که عالمان دین همواره در متن جریان های سیاسی و اجتماعی در تاریخ اسلام قرار داشته اند و هر کجا دست ظالمی از جان و مال مسلمانان کوتاه شد، با تلاش و کوشش عالمان دین بوده است. کمتر عالمی را در تاریخ سراغ داریم که نسبت به مردم زمان خود و محرومیت های آنان بی توجه باشد. این نکته، هم در گذشته و هم در عصر حاضر به وضوح قابل مشاهده است.

نکته دیگر این است که فعالیت های علمی و سیاسی عالمان دین در طول تاریخ، برای رضای الهی بوده و آنان انگیزه های الهی داشته اند و

هدف آنها انجام وظیفه بوده است. در حقیقت، باید توجه داد که آنها شیفتگان خدمتند، نه تشنگان قدرت.(۱)

۸. افزایش سطح آگاهی

تمامی برنامه ها بایـد در مسـیر آگاهی بخشـی به جامعه تـدارک دیده شود، وگرنه بی ارزش خواهد بود؛ یعنی با این برنامه ها بایـد توجه مردم و خواص را به پی آمـدها و عملکردهـای سیاسـی عالمـان دینی جلب کرد و آگاهی مردم را نسـبت به علما و دیدگاه های سیاسی آنها افزایش داد.

۹. توجه دادن به مکلّف بودن همگان

انجام وظیفه، محـدود به افراد خاص و زمان خاص نیست، بلکه وظیفه شـرعی، اسـلامی و انسانی همگان و در هر برهه و زمانی است؛ یعنی حرکت در راه برقراری نظام عـدل اسـلامی، وظیفه ای است که بر دوش همه مسـلمانان است و وابسـته به شـخص، گروه و زمان خاصی نیست.

پیشنهادهای برنامه ای

اشاره

برای ساختن برنامه های رسانه ای، فعالیت های زیر پیشنهاد می شود:

۱. داستان هایی از زندگی علما

اشاره

برای طرح مسائل سیاسـی و معرفی سـیاست مـداران اسـلامی، ساخت فیلم ها و برنامه هایی که بتوانـد بیانگر این موضوع باشد، بسیار ضروری است. نکات زیر در این زمینه، توصیه می شود:

۱- کلام منسوب به شهید مظلوم آیت اللّه دکتر بهشتی.

الف) انتخاب شخصیت های مناسب برای داستان

با توجه به اینکه ساختن این نوع برنامه ها اهمیت و حساسیت ویژه ای دارد، باید افرادی را برگزید که بتوانند به خوبی از عهده این کار برآیند تا در شنونده و بیننده تأثیر مثبت داشته باشد.

ب) ارائه الگوی مناسب از زندگی علما

عالمان مسلمان، باید بتوانند الگوهای مناسب برای مردم باشند. نمایش حکایت های پندآموز زندگی آنها و بیان چگونگی رفتار آنان با جامعه و حکومت های زمان خود، بسیار اهمیت دارد.

ج) پرهیز از زیاده روی

ارائه جنبه های مثبت و منفی یک شخصیت در صورتی برای مردم پذیرفتنی است که در حد طبیعی باشد. اگر در این زمینه زیاده روی شود، فعالیت ها بی اثر می ماند و گاه نتیجه معکوس می دهد. ازاین رو، برخورد طبیعی و عادی با قضیه و ارائه صحیح آموزه ها، برای همیشه راه گشا و مورد پذیرش ذهن های منتقد است.

د) نقش خانواده در پرورش استعدادها

در کنار بیان موضوع های سیاسی مرتبط با هر عالمی، بیان ضمنی این نکته نیز بسیار ضروری است که این بزرگواران در چه خانواده و در چه محیطی پرورش یافته اند و چه موانعی از نظر خانوادگی و شخصی وجود داشت و آنان با چه راهکاری آن مانع را برداشته اند.

ه) دوستان زمان تحصیل

باید از دوستان هر عالم، تصویری روشن همراه با جنبه های مثبت و منفی آن ارائه شود تا بیننده را برای دریافت واقعی شرایط زندگی آن زمان یاری رساند.

ص: ۲۱۶

و) شرایط سیاسی زمان هر عالم

چون بیشتر نظریه های سیاسی در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی پدید آمده است، بررسی این شرایط بسیار مهم و ضروری است. اینکه در زمان هر عالمی چه حاکمانی بوده اند و آنان دارای چه سلوک سیاسی بودند، بسیار مهم است.

۲. دیالوگ ها و رفتارهای در حال ایفای نقش

اشاره

در این زمینه باید نکات زیر مدنظر قرار گیرد:

الف) پرهیز از رفتارهای منافی شأن روحانیت

با توجه به جایگاه معنوی عالمان دینی در نزد مردم، باید از رفتارهایی که جایگاه و مکانت معنوی علما را سست می کند به شدت پرهیز شود؛ چون علمای دین، افزون بر اینکه الگوهای رفتاری مردمند، پیشوایان اخلاقی آنان نیز هستند.

ب) ارائه دیالوگ های قابل فهم برای عموم

در برنامه های هنری، مانند فیلم ها و مجموعه های نمایشی، تلاش شود از بیان مطالبی که ارتباط با مخاطب را با مشکل مواجه می سازد، خودداری گردد. بر این اساس، باید در گفت وگوها از ساده ترین متن ها استفاده شود تا ارتباط به گونه ای شایسته امکان پذیر شود. بنابراین، مطالب فقهی باید به نثر امروزی تبدیل شود و برای استفاده در اثرهای هنری آماده گردد.

۳. طراحی صحنه ها

در مجموعه های تاریخی، هماهنگی صحنه ها با زمان هر دانشمند، امری ضروری است. این امر، شامل همه موارد مانند فضای خارجی (محیطی که در آن زندگی می کند) و نیز شرایط داخلی منزل و نیز چگونگی لباس

پوشیدن و... می شود.

۴. مستند زندگی سیاسی عالمان عصر حاضر

برای آشنایی مردم با چهره های خدمتگزار، شایسته است از زندگی عالمانی که در حال فعالیت سیاسی ـ اجتماعی و علمی هستند، فیلم های مستند زندگی آنها ساخته شود. این امر در تشویق نسل جوان برای الگوپذیری از آنان بسیار مهم است.

۵. انتقال مفاهیم سیاسی در برنامه کودک و نوجوان

شایسته است با استفاده از داستان های لطیف و آموزنده زندگی بزرگان، برخی از مفاهیم سیاسی مانند: عدالت و مبارزه با ظلم را در قالب برنامه های کودک و نوجوان گنجاند.

۶. انعکاس اندیشه های سیاسی عصر غیبت در رسانه

اشاره

از آنجا که هر نهادی برای انجام موفقیت آمیز فعالیت های علمی خود، نخست، مطالعاتی در زمینه آن فعالیت ها انجام می دهد تا بتواند موضوع، پیش نیازها و مسائل مرتبط با آن را به بهترین وجه بشناسد و با شناخت این موضوع ها، امکانات موجود را در نظر گرفته و با دقت تمام آن را در قالب یک طرح کلی پیاده کند. در زمینه موضوع مورد بحث؛ یعنی رسانه و اندیشه های سیاسی شیعه در عصر غیبت، برنامه سازان رسانه باید برای برنامه ریزی دقیق در دو حوزه کلی زیر فعالیت کنند:

الف) رسانه و دانشمندان شیعه

برای بررسی اندیشه های سیاسی، ناگزیر از بررسی زندگی و اندیشه فقیهان حیطه سیاست هستیم؛ زیرا هر مسئله ای برای حل یک مشکل اجتماعی است و برای برقراری یک رابطه منطقی بین نظریه های فقهی ـ

سیاسی، باید سیر زندگی دانشمندان و شرایط زمانی آنها را بررسی کرد. برای نمونه، بحث ولایت فقیه، بحثی دامنه دار است، ولی برخی از فقها با توجه به شرایط زمانی و مکانی نتوانسته اند آن گونه که شایسته است در این مورد، آشکارا سخن بگویند. سیر تاریخی این موضوع، نشان می دهد که اگر فقیهی شرایط را مناسب می دید، بی درنگ تأثیرگذاری نظری و عملی فقیه در هدایت جامعه انسانی را مطرح می کرد. این مسئله در زندگی و نظریه های فقهای دوره سوم آشکارتر است. پس شناخت زندگی دانشمندان و فقیهان شیعی، باید نخستین گام رسانه در این زمینه باشد. یعنی، چه بسا شرایط ویژه ای در یک برهه زمانی باعث شده است که فقیه برای پاسخ گویی به آن شبهه یا حل یک مشکل با استفاده از اجتهاد پویا، مسئله ای را مطرح کرده و از آیات و روایات، مسئله ای را استنباط کرده است. یا اینکه با استفاده از بسط ید در احکام ثانوی و فتاوای حکومتی، امر مباحی را که به اضرار و ایجاد خسارت به جامعه مسلمین می انجامید، به طور موقت، حرام اعلام کرده تا از تسلط بیگانگان بر کیان جامعه اسلامی جلوگیری کند. توجه به این مسئله، قدرت و نفوذ احکام شرع و کلام علمای دل سوز را مشخص می کند. در تاریخ اندیشه های سیاسی شیعه، نمونه هایی از این احکام را می توان یافت. رسالت رسانه در این زمینه، بسیار مهم است و در محورهای کلی زیر خلاصه می شود:

۱. شناخت وضعیت سیاسی دوران هر یک از فقها؛

۲. دلیل طرح مسئله سیاسی مربوط به آن عصر از سوی فقیه؛

۳. تأثیرگذاری نظریه فقیه بر وضعیت جامعه.

ب) رسانه و اندیشه های سیاسی شیعه

لازم به یادآوری است که اندیشه های سیاسی شیعه در عصر غیبت، در حقیقت، همان اندیشه های سیاسی فقها و علماست؛ زیرا طرح یک مسئله در بستر زمانی و مکانی خاصی صورت می گیرد. اگر مناسبتی بین یک اندیشه با شرایط موجود نباشد، در این صورت، این نظریه عملی نمی شود و تنها در قالب الفاظ باقی می ماند؛ به ویژه اگر شرایط بازدارنده ای، مانند تقیه را هم به آن بیافزاییم که نظریه صراحت خود را از دست می دهد.

رسانه در راستای برنامه سازی در قلمرو اندیشه های سیاسی شیعه، باید در دو زمینه فعالیت کند:

یک ـ تاریخ اندیشه سیاسی شیعه؛

دو ـ تبیین مسئله مورد نظر.

در این زمینه رسانه می تواند به تولید برنامه های زیر بپردازد:

۱. تولید برنامه هایی برای بیان رویدادهای سیاسی (همانند نهضت تحریم تنباکو و...) در قالب سریال، فیلم، میزگرد و... .

۲. تولید برنامه هایی برای بررسی شرایط و ویژگی های سیاسی هر یک از دوره های سه گانه فقهی در قالب مستند تاریخی، گزارش و... .

۳. تولید برنامه هایی برای شناخت چهره های مشهور هر یک از دوره های فقهی و فعالیت سیاسی و عملی آنها.

۴. شناسایی اخباری گری و رهبران فکری آنها (در قالب مستند تاریخی، میزگرد و...).

۵. تولید برنامه هایی به منظور شناخت فقیهان و متکلمان دوره های

مختلف فقهی (در قالب میزگرد علمی).

۶. تولید برنامه هایی به منظور شناخت احکام ثانوی و فواید بسط ید فقیه در آن زمینه.

۷. تولید برنامه هایی برای شناخت نظریه های تأثیرگذار بر سرنوشت شیعیان، همراه با تشریح اوضاع و احوال (بستر زمانی) آن در طول تاریخ مثل ولایت فقیه، جهاد و ... (در قالب فیلم و سریال، مستند تاریخی و میزگرد علمی).

پرسش های مردمی

۱. عصر غیبت به چه دوره ای گفته می شود؟

۲. چند تن از فقیهان گذشته را نام ببرید و درباره نقش آنها توضیح دهید.

۳. چقدر با زندگی میرزای شیرازی، نایینی و شیخ انصاری آشنا هستید؟

پرسش های کارشناسی

۱. تفاوت مبدأ فقاهت بین دیدگاه اهل سنت و تشیع چیست و چرا؟

۲. چه ویژگی هایی یک گروه از فقیهان را در یک دوره زمانی فقهی قرار می دهد؟

۳. منابع استنباط و استخراج حکم در فقه اهل تسنن و شیعه کدام است؟

ص: ۲۲۱

۴. مصادیق و عوامل تأثیرگذار بر اندیشه سیاسی فقها چیست؟

۵. چگونه می توان اندیشه سیاسی شیعه در زمان غیبت را بررسی کرد؟

۶. تأثیرهای مثبت و منفی عنصر تقیه را در اندیشه های سیاسی شیعه بررسی کنید.

۷. عملکرد مؤثر فقها در عصر مغولان را بیان کنید؟

۸. نظریه انقلاب نزد علمای معاصر را توضیح دهید.

۹. نظریه دولت و حکومت در فقه و نظریه های فقها را تبیین کنید.

۱۰. امور حسبیه چیست و چه مسائلی قابلیت قرارگرفتن درحیطه این امور رادارند؟

ص: ۲۲۲

سخن پایانی

سیر تحول اندیشه سیاسی در مکتب شیعه، سیری رو به کمال بوده است؛ هرچه نیازهای سیاسی و اجتماعی بیشتر شده است، فقها نیز بیشتر در مقام پاسخ گویی به آن نیازها برآمده اند و مسائلی مطرح شده که پیش تر زمینه طرح نداشتند، یا موانعی بر سر راه بیان آنها برای فقیه وجود داشت که وی توان پرداختن به آن مسائل را نداشت.

به هر حال، از مرحله اول اندیشه سیاسی تا مرحله سوم، شاهد شکوفایی چشم گیری در این عرصه هستیم، ولی اگر به نیازهای جامعه انسانی توجه کنیم، زمینه ها و ظرفیت های کاری بسیار زیادی وجود دارد. چه بسا موضوع هایی وجود دارد که پاسخ قانع کننده ای از سوی فقها به آنها ارائه نشده و یا مسائل جدیدی که فقها باید در پی پاسخ گویی به آنها برآیند.

برای نمونه، در حوزه اندیشه سیاسی معاصر از سوی دنیای غرب، اندیشه جهانی شدن در تمامی عرصه ها از دیدگاه لیبرالیسم مطرح است که داعیه پاسخ گویی به نیازهای همه جانبه بشر را دارد و در تقابل با اندیشه

سیاسـی اسـلام قرار گرفته است. اگر علما و فقها تعریفی روشن از بحث های سیاسـی اسـلام را مطرح نکنند، چه بسا با توجه به تبلیغات همه جانبه غرب، مشکلات عقیدتی بسیاری فراروی نسل جدید قرار گیرد و به گمراهی آنان بیانجامد.

این طرح، ضـمن بیان دگرگونی اندیشه های سیاسی در عصر غیبت، در مقام بیان این مطلب است که اگر دیدگاه حضرت امام رحمه الله بـا تـوجه به تأثیرگـذاری آن در عرصه هـای اجتمـاعی و سیاسـی، درست به نسـل جدیـد معرفی شـود و نیز از افکـار شـاگردان و تربیت یافتگـان مکتب ایشـان،ماننـد شـهید مطهری، شـهید بهشتی و مقام معظم رهبری بهره گیری شایسـته گردد، جوانان، پاسخ بسـیاری از پرسـش های خود را خواهند یافت. در این زمینه، صدا و سـیما به عنوان فراگیرترین رسانه، مسـئولیت خطیری را بر عهده دارد و می بایست با اسـتفاده از شـگردهای جدید رسانه ای، در تبیین اندیشه سیاسی حضرت امام رحمه الله و شاگردان مکتب ایشان تلاش کند.

ص: ۲۲۴

منبع شناسی

۱. مبانی حکومت اسلامی؛ جعفر سبحانی.

۲. مجموعه مقالات (اصل اجتهاد در اسلام)؛ مرتضی مطهری.

۳. ولایت فقیه؛ مهدی هادوی تهرانی.

۴. بستر معنوی و عقلایی علم فقه؛ محمد مجتهد شبستری.

۵. حکمت و حکومت؛ مهدی حائری یزدی.

۶. مجموعه سخنرانی ها؛ دکتر سید محمد حسینی بهشتی.

۷. انقلاب تکاملی اسلام؛ جلال الدین فارسی.

۸. بنیادهای علم سیاست؛ عبدالرحمان عالم.

۹. اسلام و مقتضیات زمان؛ مرتضی مطهری.

۱۰. پیرامون انقلاب اسلامی؛ مرتضی مطهری.

۱۱. سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع؛ عبداللّه جوادی آملی.

۱۲. پرسش ها و پاسخ ها؛ محمد تقی مصباح یزدی.

۱۳. الاسلام السیاسی؛ محمدسعید عشماوی.

۱۴. الجهاد؛ آیت اللّه سیدعلی خامنه ای.

۱۵. تشیّع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق؛ عبدالهادی حائری.

۱۶. حاکمیت در اسلام؛ سید محمدمهدی موسوی خلخالی.

۱۷. دین و دولت در ایران؛ حامد الگار، ترجمه: ابوالقاسم سری.

۱۸. دین و دولت در عصر صفوی؛ مریم میر احمدی.

۱۹. دین و سیاست در عصر صفوی؛ رسول جعفریان.

۲۰. رسائل مشروطیت (۱۸ رساله استدلالیه درباره مشروطیت)؛ غلام حسین رزگری نژاد.

۲۱. زبان سیاسی اسلام؛ برنارد لوئیس؛ ترجمه: غلام رضا بهروز لک.

۲۲. سیری در اندیشه سیاسی عرب؛ حمید عنایت.

۲۳. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ سیدعلی خامنه ای.

۲۴. قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام؛ داود فیرحی.

۲۵. مبانی نظری حکومت مشروطه مشروعه؛ حسین آبادیان.

۲۶. مفهوم آزادی از دیدگاه مسلمانان؛ روزنتال، ترجمه: منصور میراحمدی.

۲۷. نظریه دولت در ایران؛ لمبتون، ترجمه: چنگیز پهلوان.

۲۸. نظریه های دولت در فقه شیعه؛ محسن کدیور.

۲۹. ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت؛ عبداللّه جوادی آملی.

۳۰. حقوق روابط بین الملل در اسلام (جلد اول)؛ محمد حمیداللّه، ترجمه و تحقیق: سیدمصطفی محقق داماد.

۳۱. حکومت اسلامی و ولایت فقیه؛ محمد تقی مصباح یزدی.

۳۲. فقه و نظام سازی؛ فرهنگستان علوم اسلامی.

۳۳. قواعد فقه؛ ابوالحسن محمدی.

۳۴. حکومت دینی؛ احمد واعظی.

ص: ۲۲۶

کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آشوری، داریوش، دانش نامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید،چاپ سوم، ۱۳۷۳.

۲. آقا بزرگ تهرانی، حیات الشیخ الطوسی (مقدمه کتاب شریف تبیان)، ترجمه: علی رضامیرزا محمد و سید حمید طبیبیان، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰.

۳. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح اللّه، البیع، قم، مطبعه مهر، بی تا.

۴. ______________________ ، تحریرالوسیله، تهران، مکتبه الاعتماد.

۵. ______________________ ، حکومت اسلامی، بی نا، بی تا.

۶. ______________________ ، صحیفه نور، تهران، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲.

۷. ______________________ ، وصیت نامه سیاسی ـ الهی.

۸. ______________________ ، ولایت فقیه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۹. امانی، محمد حسن، علامه حلی، رایت ولایت، قم، سازمان تبلیغات، چاپ اول،۱۳۷۳.

۱۰. انصاری، شیخ مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، قم، کنگره شیخ اعظم انصاری، مؤسسه الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۱۱. بهبهانی، وحید، حاشیه شرایع، نسخه خطی، شماره ۶۵۸۴، کتاب خانه آیت اللّه مرعشی.

ص: ۲۲۷

۱۲. ________________________ ، رساله اصول دین، مبحث امامت، نسخه خطی، بدون شماره.

۱۳. ________________________ ، مجمع الفایده و البرهان، چاپ قدیم.

۱۴. بیک روملو، حسن، احسن التواریخ، تهران، چاپ سهند، چاپ اول، ۱۳۶۰.

۱۵. جعفریان، رسول، تاریخ تحول خلافت و دولت، قم، مؤسسه چاپ الهادی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۱۶. ________________________ ، تاریخ تشیع در ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول،۱۳۷۰.

۱۷. جمعی از پژوهشگران، دین و سیاست، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول،۱۳۷۹.

۱۸. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، عناوین الاصول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی،چاپ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۱۹. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، قم، مکتبه اسماعیلیان، چاپ دوم،۱۳۷۴.

۲۰. دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، چاپ سپهر، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۲۱. ________________________ ، وحید بهبهانی، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۲۲. راغب اصفهانی، مفردات، تهران، چاپ اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۳. عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.

۲۴. سماک امانی، محمدرضا، کاشف الغطاء، سوره خشم، قم، سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۲۵. شمس الدین، محمدمهدی، الاجتهاد و الحیات، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۶. شهید اول، الدروس الشرعیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ه . ق.

۲۷. ________________________ ، القواعد و الفوائد، نجف، منشورات جمعیت منتدی النشر، ۱۹۸۰ه . ق.

۲۸. ________________________ ، اللمعه الدمشقیه، تک جلدی، چاپ سنگی.

۲۹. ________________________ ، ذکری الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۹ ه . ق.

۳۰. شهید ثانی، شرح لمعه دمشقیه (ده جلدی)، ترجمه: سیدمحمد کلانتر، بیروت، دارالعلم الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۲ه . ق.

۳۱. ________________________ ، مسالک الافهام، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۳۲. صادقی، علی، شهید ثانی، مشعل هدایت، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول،

ص: ۲۲۸

.۱۳۷۲

۳۳. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، ترجمه: محمد کاظم موسوی، بی نا، ۱۳۴۸.

۳۴. ________________________ ، الاسس الاسلامیه، بیروت، دارالقرات، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه . ق.

۳۵. ________________________ ، دروس فی علم الاـصول، دارالکتـاب اللبنـانی، دارالهـادی للمطبوعات، چاپ اول، بی تا.

۳۶. ________________________ ، طرح گسترده اقتصاداسلامی، ترجمه: فخرالدین شوشتری، چاپ برتر، ۱۳۵۹.

۳۷. ________________________ ، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه: بیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.

۳۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۶.

۳۹. طوسی، شیخ ابوجعفر، الاقتصاد و الهادی، تهران، المکتبه المرتضویه، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه . ق.

۴۰. ________________________ ، الخلاف، تهران، چاپ خانه نگین، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۴۱. ________________________ ، الرسائل العشر، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول،۱۴۰۹ ه . ق.

۴۲. طوسی، شیخ ابوجعفر، المبسوط، تهران، المکتبه المرتضویه، چاپ اول، ۱۳۸۷ه . ق.

۴۳. ________________________ ، النهایه، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ اول، ۱۳۹۰ه . ق.

۴۴. ________________________ ، تلخیص الشافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول،۱۳۹۴ ه . ق.

۴۵. ________________________ ، عده الاصول، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۶ه . ق.

۴۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، فقهای نامدار شیعه، قم، کتاب خانه مرعشی، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۴۷. علامه حلی، تذکره، قم، انتشارات بعثت، ۱۳۶۴.

۴۸. عوده، عبدالقادر، التشریع الجنائی فی الاسلام، قم، مؤسسه بعثت، چاپ دوم،۱۳۶۱.

۴۹. فراستخواه، مقصود، سرآغاز نواندیشی معاصر، دینی و غیردینی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۷.

۵۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۵۱. قمی، شیخ عباس، هدیه الاحباب، تهران، کتاب خانه صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۵۲. کاشف الغطاء (شیخ جعفر)، کشف الغطاء، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول،

۱۴۲۲ ه . ق.

۵۳. کدیور، جمیله، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران، انتشارات طرح نو،چاپ اول، ۱۳۷۸.

۵۴. کرکی (محقق کرکی)، جامع المقاصد، قم، آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه . ق.

۵۵. ______________، رسائل، قم، انتشارات کتاب خانه آیت اللّه مرعشی، چاپ اول،۱۳۷۳.

۵۶. ______________، نفخات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت، به کوشش: محمد هادی امینی، تهران، مکتبه نینوا، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۵۷. کرمانشاهی، احمد، مرأت الاحوال جهان نما، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، چاپ ایران، بی تا.

۵۹. محمدی، منوچهر، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بی نا،چاپ اول، ۱۳۷۶.

۶۰. مدرسی طباطبایی، حسن، زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

۶۱. مدرسی، محمد علی، ریحانه الادب، تهران، خیام، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

۶۲. مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ خانه مهدیه،انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۶۳. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، قم، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۶۴. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، اسماعیلیان، چاپ ششم، ۱۳۷۲.

۶۵. معرفت، محمد هادی، ولایت فقیه، قم، چاپ باران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۶۶. مفید، شیخ محمد بن محمد نعمان، مقنعه، قم، دفتر نشر اسلامی، چاپ اول،۱۴۱۰ ه . ق.

۶۷. نایینی (میرزا حسین)، تنبیه المله و تنزیه الامه، تحقیق: سیدجواد ورعی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۶۸. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهرالکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م.

۶۹. نجفی، موسی، حوزه علمیه و فلسفه تجدد در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ص: ۲۳۰

۷۰. ____________________ ، مجموعه مقالات، تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۶۷، سید محمدباقر صدر.

۷۱. نراقی، ملا احمد، سیف الامه و برهان المله، تهران، چاپ قدیم، بی تا.

۷۲. ____________________ ، عواید الایام، تهران، چاپ قدیم، ۱۳۶۴.

۷۳. ____________________ ، مثنوی طاقدیس، به کوشش: حسن نراقی، تهران، امیرکبیر،۱۳۶۲.

۷۴. ____________________ ، معراج السعاده، تهران، جاودان، چاپ اول، ۱۳۶۸.

مجله ها

۱. فصل نامه اندیشه حوزه (شماره های ۱، ۲، ۳).

۲. فصل نامه حکومت اسلامی (شماره های مختلف).

۳. فصل نامه علوم سیاسی (شماره های مختلف).

۴. فصل نامه علوم سیاسی، بهار شماره ۱۳ و تابستان شماره ۱۴، ۱۳۸۰.

۵. مجله آیینه پژوهش (شماره ۳۶، مقاله «نگاهی تاریخی به مسئله فقه و زمان ومکان»).

۶. مجله فقه.

۷. مجله فقه اهل بیت.

۸. مجله نقد و نظر (شماره ۱۲، ویژه فلسفه فقه، به ویژه مقاله فقه حکومتی؛ شماره ۶ ، مقاله «درآمدی بر قلمرو فقه»).

۹. کیهان فرهنگی، شماره ۸، سال سوم.

۱۰. مجله نور علم، دوره چهارم، شماره دوم.

ص: ۲۳۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹